2 50

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۶آذر ۱۳۷۰ - ۲۷نوامبر ۱۹۹۱ - دوره سوم شماره ۲۴

ماجرای گروگانها پایان می‌یابد

هفته گذشته دو گروگان غربی دیگر بنامهای تری ویت و توماس ساترلند آزادی خود رابازیافتند .پیش از آزادی این گروگانها روزنامه تهران تایمز مطابق معمول آزادی آنها را پیش بینی کرده بود!همین روزنامه بازپیش بینی کرده است که سه گروگان دیگر امریکائی بزودی و حداکثر تا پایان ماه میلادی جاری آزاد خواهندشد

. هم اکنون ۶ گروگان در اسارت بسر می‌برند که سه نفر آنها امریکائی ، دو نفر آلمانی و یک نفر دیگر ایتالیائی هستند. دبیر کل سازمان ملل متحد گفته است که علائم و اشاراتی دریافت کرده است که ماجرای گروگانگیری تاپایان سال میلادی جاری پایان می‌یابد. رادیوی جمهوری اسلامی نیز گفته است که با توجه به تلاشهای دبیر کل سازمان ملل و همکاری ایران و سوریه و

بقیه در صفحه ۲

آزادی ۴۲۱ اسیر عراقی

روز جمعه گذشته جمهوری اسلامی ایران بطور یکجانبه ۴۲۱ تن از اسرای عراقی جنگ ۸ ساله میان دو کشور را آزاد کرد. جمهوری اسلامی قبل از آزادی این عده دبیر کل سازمان ملل متحد را از قصد خود باخبر ساخته بود. این در حالیست که دولت عراق هنوز به درخواست ایران برای آزادی ۵ هزار اسیر ایرانی که در عراق زندانی هستند پاسخی نداده است. از قول علی محمد بشارتی قائم‌مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفته شده است که تعداد زیادی از این ۵ هزار اسیر ایرانی به شهادت رسیده‌اند و تنها حدود ۴۴۰ نفر از آنها زنده‌اند که در زندانهای عراق بسر می‌برند.

موضوع اسرای باقی مانده جنگی و نیز چگونگی تفسیر دو کشور از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره

بقیه در صفحه ۲

موافقت رژیم با بازرسی از زندانها

با بالاگرفتن احتمال طرح مجدد نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، جمهوری اسلامی اعلام کرد با بازرسی نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ از زندانهای ایران موافق است

خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که حکومت اسلامی ایران با بازرسی نمایندگان صلیب سرخ بین المللی از زندانهای کشور و وضع زندانیان سیاسی ایران موافقت کرده است. بگفته این خبرگزاری، بازرسان کمیته بین المللی صلیب سرخ می‌توانند از تمامی زندانهای جمهوری اسلامی بازدید کرده و بدون حضور ماموران رژیم با زندانیان سیاسی تماس گرفته و با آنها به گفتگو بنشینند.

حکومت جمهوری اسلامی دو سال پیش و بدنبال نخستین سفر پروفسور گالیندوپل نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به تهران، که برای بررسی تجاوزات حکومت اسلامی به حقوق انسانی صورت گرفته بود، متعهد شد که با نمایندگان صلیب سرخ بین المللی برای بازرسی منظم از زندانها و زندانیان سیاسی در ایران همکاری نماید. اما علیرغم درخواستهای مکرر کمیته بین المللی صلیب سرخ، جمهوری اسلامی حاضر به اجرای تعهد خود و همکاری با بازرسان آن نبود. اعلام موافقت جمهوری اسلامی با بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندانهای ایران زمانی صورت می‌گیرد که احتمال طرح مجدد نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی امسال سازمان ملل بخاطر ادامه اعدام و پیگرد و شکنجه مخالفان از سوی رژیم، افزایش یافته است. جمهوری اسلامی پس از تلاشهای زیاد توانسته بود از طرح مساله نقض حقوق بشر در ایران در اجلاس عمومی امسال سازمان ملل جلوگیری نماید.

بنا به سوابق عملکرد حکومت اسلامی در اجرای تعهداتش در برابر مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر، این اقدام نیز می‌تواند تنها برای جلوگیری از طرح مجدد و حشیگریهای رژیم در مجمع عمومی سازمان ملل باشد بدون آنکه عملا به آن، از خود پایبندی نشان دهد.

راه دشوار عادی‌سازی روابط با امریکا

دولت هاشمی رفسنجانی در تلاش دوساله خود برای نزدیکی وبهبود مناسبات با غرب، بویژه با امریکا، یکی از موانع اساسی بر سر راه آنرا ازمیان برداشت. این مانع ، گروگانهای غربی در لبنان بود که غربی‌ها بویژه امریکاآنرا کلید هر نوع گشایشی در مناسبات خود با تهران قلمداد می‌کردند. اکنون گروگانهای غربی یکی پس‌از دیگری آزاد می‌شوندو این ماجرای چندین ساله می‌رود که بزودی وبرای همیشه پایان یابد.

با رفع این مانع راه برای آغاز مجدد دیپلماسی پنهان و آشکار تهران و واشینگتن باز شده است. عادی سازی مناسبات تهران و واشینگتن راه پرپیچ‌وخم و بسیار دشواری است و پیمودن آن برای دولت رفسنجانی آسان نیست. هم از آنرو که رفسنجانی هنوز با مقاومتی جدی در داخل هیات حاکمه جمهوری اسلامی روبروست و هم ازآنجهت که ضعف او بر حریف امریکایی آشکار است و این حریف قصد بهره‌برداری از آن و پیچاندن او را دارد. رفسنجانی با آنکه مدتی است در ارتباط باتمایلاتش برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای زیر فشار امریکاست. اما به آدم‌ربایان تحت‌الحمایه خود در لبنان اشاره می‌دهد که دست از شرطو شروط بردارندو به ماجرا پایان دهندو اصلا به روی خود نمی‌آورد که در کنگره امریکا بر تروریست بودن رژیم او و ادامه تحریم آن تاکید شده و سناتورها در اقدامی کم سابقه، پرونده جنایات و تبهکاریهای رژیم او را بدست گرفته و از بیکر می‌خواهند در مجمع عمومی سازمان ملل از محکومیت حکام تهران بخاطر نقض‌حقوق بشر قطعنامه ارائه دهد واز تصویب آن دفاع نماید.

رفسنجانی به حال وروزخودو در واقع ضعف‌ها و مشکلات خود بیش از دیگران آگاه است و راهی جز کوتاه آمدن پیش روی خود نمی‌بیند. ضعف عمده او در مقابل طرف امریکایی، دشواری‌های فلج کننده اقتصادی کشور و نیاز شدیددولت اوبه کمک و حمایت غرب برای سروسامان دادن به آنهاست. او که به هنگام نشستن بر مسند ریاست جمهوری، روی حساب کمک‌هاو اعتبارات خارجی، برنامه ۵ ساله بلندپروازانه و پر از وعده و وعید تنظیم کرده و بمردم وعده زندگی بهتری را داده بود، تاکنون موفقیت چندانی در جلب کمک‌های خارجی برای احیا اقتصاد در هم شکسته کشور نداشته است.

این در حالیست که رفسنجانی با دشواریهای سیاسی بیشماری در داخل هیات حاکمه حکومت اسلامی بویژه برای از سرگیری مناسبات با امریکا روبروست. رویدادهای دوسال و نیم گذشته در درون حاکمیت اسلامی مطابق نقشه‌هاوخیالات او و علی خامنه‌ای در روزهای پس از مرگ خمینی پیش نرفت. رقبای آنها در میان جناحهای حکومتی در مقابل اصلاحات آنها و بیش از همه در سیاست تنش‌زدائی آنها در روابطشان با غرب از خود ایستادگی نشان می‌دهند.

رفسنجانی برای دست‌زدن به اقدامات اساسی در گشودن باب مناسبات رسمی با امریکا مجبور است تا انتخابات دوره چهارم مجلس اسلامی صبر کندو در این مدت تنها می‌تواند به تلاشهای پنهانی برای پیمودن بخشی‌ازاین راه توسل جوید. اما باز شدن دست وی در این راه، بستگی زیادی به نتایج انتخابات مجلس دارد. از سرگیری مناسبات با امریکا در میان محافل حاکمه جمهوری اسلامی و نیروهای اجتماعی حامی او از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و مجلس باید آنرا تائید کند. کوششهای قبلی رفسنجانی برای نزدیکی به امریکا با ناکامی روبرو بوده و حاصل‌اش تنها پرونده قطور ایران‌گیت برای اوست. امیداو بیشتر به نتایج انتخابات مجلس ونرمش و "انصاف"! از سوی امریکاست.

آغاز مذاکرات برای آزادی داراییهای ایران

بدنبال آزادی دو تن از گروگانها و اعلام آزادی قریب الوقوع تمامی گروگانهای غربی از سوی رژیم اسلامی ایران ، خبرگزاریها گزارش دادند که دولت امریکا و حکومت جمهوری اسلامی در تدارک امضاء قراردادی برای آزادکردن دارائیهای بلوکه شده ایران در امریکا هستند. مذاکرات و توافق های اولیه بین مقامات دو کشور، سه هفته پیش در لاهه صورت گرفته است و قرار است هفته آینده قرار دادی دراین زمینه به امضاء طرفین برسد. منابع آمریکائی حجم دارائیهای بلوکه شده‌ایران را ۶ میلیارد دلار تخمین می‌زنند که سپرده‌های ایران به بانکهای امریکا درزمان رژیم شاه برای خریدهای تسلیحاتی است. همین گزارشها حاکیست بدنبال توافقهای اولیه در لاهه دولت امریکا ۲۷۵ میلیون دلار به جمهوری اسلامی ایران پرداخت کرده است.

دولت رفسنجانی دو سال است که برای بهبود رابطه با امریکا و آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران تلاش می‌کند. دولت امریکا در این زمینه حصول به نتیجه را مشروط به آزادی گروگانهای امریکائی و غربی کرده بود. جمهوری اسلامی ایران با تلاش برای آزادی کلیه گروگانها این مانع را از سر راه بهبود مناسبات با امریکا برداشته است.

احضار نایب رئیس مجلس به دادگاه ویژه روحانیت

به نوشته روزنامه سلام دادگاه ویژه روحانیت در آخرین اقدام تهدید آمیز خود علیه مخالفان ائتلاف حاکم، حسین هاشمیان نایب رئیس دوم مجلس شورای اسلامی را به این دادگاه احضار کرده و مورد بازجوئی قرار داد. اتهام او ظاهرا توطئه علیه خط امام بخاطر ملاقات اش با آیت اله منتظری عنوان شده است.

هاشمیان مدتی قبل همراه با ۳۵ تن از نمایندگان مجلس با آیت الله منتظری و همچنین گلپایگانی و اراکی دیدارکرده بود. خبر این دیدار روز ۱۳ آبان از طرف هیئت رئیسه مجلس اعلام شد و هدف آن در جریان قرار دادن "آیات عظام" از نتایج کنفرانس فلسطین در تهران عنوان گردید.

بدنبال انتشار خبر بازجویی دادگاه ویژه روحانیت از نایب رئیس دوم مجلس، گروهی از نمایندگان در سخنرانی‌های خود به این عمل اعتراض کردند. هاشمیان پس از چند روز بیانیه‌ای در این زمینه انتشار داد که توسط یکی از نمایندگان از تریبون مجلس قرائت شد. وی در این بیانیه علت ملاقات خود با منتظری را مشورت درمورد مسئله فلسطین ذکر کرد و پرسید که به چه علت در حالیکه جمعی از نمایندگان به ملاقات منتظری رفته‌اند تنها او به دادگاه ویژه روحانیت جلب می‌شود؟ وی در این بیانیه تاکیدکرد که همچنان از انقلاب اسلامی و خط امام دفاع می کند

احضار نایب رئیس دوم مجلس به دادگاه ویژه روحانیت تداوم اقدامات این دادگاه برای گوشمالی دادن مخالفین ائتلاف حاکم و اعمال فشار بیشتر بر آنهاست. ائتلاف حاکم چندی است که با فعال کردن این دادگاه آنرا به صورت حربه‌ای علیه جناح مخالف به کار گرفته است. توقیف و محکومیت مدیر روزنامه خراسان، احضار محتشمی و گروه دیگری از نمایندگان تندرو مجلس و تشکیل پرونده برای عده وسیعتری از آنها، از جمله اقدامات این دادگاه است. اعتراض جناح مخالف علیه این دادگاه تاکنون نتوانسته مانعی در جهت ادامه فعالیتهای سرکوبگرانه آن پدیدآورد.

در جریان جلب چسین هاشمیان به این دادگاه و اتهامات عنوان شده علیه او، علاوه بر فشارهای معمول ائتلاف حاکم علیه جناح مخالف، حساسیتهای این ائتلاف در مورد تماس محافل و شخصیتهای حکومتی با آیت اله منتظری که ۳ سال پیش توسط خمینی مغضوب و از مقام جانشین ولی فقیه عزل شد، به چشم می‌خورد. ائتلاف حاکم به خوبی به این نکته واقف است که غضب خمینی نسبت به

بقیه در صفحه ۲

کنفرانس گروه ۷۷ در تهران

اجلاس وزرای کشورهای در حال توسعه موسوم به "گروه ۷۷" با شرکت نمایندگان ۱۲۸ کشور جهان هفته گذشته در تهران گشایش یافت. این اجلاس جهت هماهنگی نظرات کشورهای در حال توسعه در هشتمین اجلاس کنفرانس‌توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (آنکتاد) که درآینده نزدیک برگزار خواهد شد، تشکیل شده است. بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مسائل و مشکلات گریبانگیر کشورهای جهان سوم از قبیل مشکل بدهیها دشواریهای رشد و توسعه در کشورهای رشد نایافته و مناسبات این کشورها باکشورهای پیشرفته موضوعات عمده این کنفرانس است. کنفرانس گروه ۷۷ سه شنبه هفته گذشته با سخنرانی هاشمی رفسنجانی کار خود را آغاز کرد. نقطه نظرات کشورهای شرکت کننده در یک بیانیه نهائی برای ارائه به اجلاس هشتم انکتاد انعکاس می‌یابد. رفسنجانی در سخنرانی افتتاحیه خود گفت ادامه شکاف اقتصادی بین کشورهای پیشرفته وتوسعه نیافته امنیت وصلح جهان راتهدید می‌کند و لازم است اقدام موثر و عاجل برای کاهش این شکاف از

بقیه در صفحه ۲

نامه به رئیس جمهوری فرانسه

از سوی شورای مرکزی سازمان در ارتباط با سفر فرانسوا میتران به ایران

صفحه ۳

تجلیل از موسویان در محافل تندرو

حجت‌الاسلام خاتمی وزیر ارشاد در یک سخنرانی در برابر دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی بار دیگر از موضع وزارت ارشاد در قبال ماجرای مدیر مسئول روزنامه خراسان دفاع کرد. وی دراین سخنرانی مجددا تاکید کرد: این نص قانون اساسی است که دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید با حضور هیئت منصفه باشد. وی رسیدگی به جرائم مطبوعاتی توسط دادگاه ویژه روحانیت را مورد تائید. قرار دادو گفت: "محاکمه باید در دادگاه صالحه با حضور هیئت منصفه باشد". خاتمی مدعی شد که این نظر مورد تائید خامنه‌ای است وبنا بر این دادگاه نمی‌تواند بگوید منع رهبری است و اگر مطلبی را نگفته بودند، دادگاه موظف است طبق نص صریح قانون اساسی عمل کند. خاتمی در سخنرانی در میزگرد مجمع روحانیون مبارز تهران بر همین موضع تاکید کردو خاطر نشان ساخت هیچ دادگاهی بدون هیئت منصفه مطبوعات در مورد

بقیه در صفحه ۲

در این شماره :

"رطب خورده منع رطب کی کند"
صفحه ۶

مسایل مورد اختلاف
صفحه ۷

بازار نفت: تحولات به کدام سو؟
صفحه ۱۰

www.iran-archive.com

تجلیل از موسویان در محافل تندرو

بقیه از صفحه اول

جرایم مطبوعاتی رسمیت ندارد.

اما حسینیان تائم مقام دادستان دادگاه ویژه روحانیت طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان موضع وزارت ارشاد را رد کرد و حضور هیئت منصفه‌ای را که اخیرا انتخاب شده در دادگاه ویژه روحانیت غیر ممکن شمرد و گفت: قوانین دادسرای ویژه قوانین خاص و مخصوص به خود است. وی از قول خامنه‌ای افزود: اگر ترکیب هیات منصفه از روحانیون مورد تائید دادستان و رئیس دادگاه باشد حضور آنان مفید است!.

از سوی دیگر تجلیل از ابوالفضل موسویان در میان محافل جناح مخالف ادامه دارد. در مراسمی که به مناسبت تودیع با وی در مشهد برگزار شد عبایی امام جمعه موقت این شهر و جمعی از نمایندگان مجلس حضور داشتند و یکی از این نمایندگان ضمن اعتراض به محکومیت موسویان، حکم دادگاه ویژه را در جهت حذف دیدگاه مخالف اعلام کرد و گفت: "چگونه است که به محض روبرو شدن با یک دیدگاه متفاوت با دیدگاه خودمان به حذف صاحب دیدگاه مخالف و انقباض فرهنگی می‌پردازیم؟" مهدی کروبی رئیس مجلس نیز در یک پیام کتبی به این مراسم "از خدمات ایشان (موسویان) در دوران تصدی انتشار روزنامه خراسان" تقدیر کرد. انجمن اسلامی دانشجویان و جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد هم با انتشار اطلاعیه‌ای خطاب به موسویان او را مورد تقدیر قرار دادند. روزنامه خراسان از درج این اطلاعیه خودداری کرد و متن آن در روزنامه سلام به چاپ رسید.

لازم به تذکر است که موسویان به جرم "تشویش اذهان عمومی از طریق بیان و نشر مطالب کذب، درج مطالب غیر علنی دادسرا و دادگاه در پرونده رضا صابری و مهدی هاشمی و ..." به ۲۰ ضربه شلاق و یکسال حبس محکوم گردید که بعدا محکومیت حبس و شلاق به مدت ۳ سال تعلیق شد و موسویان بصورت تبعید روانه قم گردید. از جمله اتهامات وی دفاع از آیت‌الله منتظری است. وی گفته بود در جریان پرونده هاشمی برخی از اعترافات بر خلاف واقع به منتظری نسبت داده شده و از این موضوع نباید به سادگی گذشت.

قربانیان موج نژادپرستی در سوئد

مدتی است رفتارهای نژادپرستانه در استکهلم و دیگر شهرهای سوئد تشدید شده است و این امر موجبات نگرانی و اضطراب جامعه پناهندگان ایرانی مقیم سوئد را فراهم آورده است.

افرادی مسلح و ناشناخته که به سلاح‌های مادون ترمز مجهز هستند، شب‌ها در مرکز شهر استکهلم، بسوی خارجیان شلیک می‌کنند. علیرغم تداوم این جنایات، پلیس تاکنون ردپایی از این جانیان بدست نیاورده است.

تاکنون یک اتیوپیایی، یک یونانی، یک برزیلی و دو نفر از ایرانیان مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند که آخرین مورد آن فردی است بنام جمشید رنجبر (۳۴ ساله، دانشجوی راه و ساختمان) او در روز جمعه ۸ نوامبر از فاصله چند متری مورد اصابت گلوله از پشت سر قرار گرفت و در دم جان سپرد. شورای کشوری سوئد ضمن ابراز تاسف و همدردی با خانواده آن شهید، اطلاعیه‌ای به شرح ذیل صادر نموده است:

ترورهای نژادپرستانه را محکوم می‌کنیم.

هموطنان گرامی - با کمال تاسف اطلاع یافتیم که طی روزهای اخیر در جریان اقدامات نازیستی، عده‌ای از اتباع خارجی مقیم سوئد از جمله دو نفر از ایرانیان مجروح و کشته شده‌اند.

متاسفانه پلیس هنوز موفق نشده است که عامل یا عاملین ترورهای اخیر را بازداشت کند و جنایات علیه پناهجویان هنوز ادامه دارد.

این امر موجی از نگرانی در میان خارجیان مقیم سوئد را برانگیخته است. ما ضمن اظهار تاسف و ابراز همدردی با خانواده قربانیان حوادث اخیر، جنایت علیه خارجیان را قاطعانه محکوم کرده و اقدامات قاطع دولت سوئد علیه ادامه این گونه جنایات را خواهانیم.

سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت سوئد - از همه هموطنان، احزاب، سازمان‌ها و مجامع ایرانی مقیم سوئد تقاضا می‌کند که علیه این ترورها اعتراض کرده و برای توقف آن تمام امکانات خود را بکار بگیرند.

شورای کشوری سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت - سوئد

۱۵ نوامبر ۹۱

نامه به رئیس جمهوری فرانسه

در ارتباط با سفر فرانسوا میتران به ایران نامه زیر از طرف شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای آقای فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه ارسال شد.

* * *

ریاست جمهوری فرانسه، عالیجناب فرانسوا میتران!

با تاسف فراوان مطلع شدیم، علیرغم وجود دلایل فراوان و بدست آمدن مدارک جدید مبنی بر دخالت رژیم جمهوری اسلامی در ترور دکتر شاپور بختیار، جنابعالی همچنان قصد دارید به کشور ایران سفر کنید.

شما مطلع هستید که قتل این سیاستمدار ایرانی، اولین اقدام تروریستی و غیر قانونی رژیم تهران در کشور فرانسه و دیگر کشورها نیست. رژیم اسلامی در حیات ۱۳ ساله خود، نه تنها بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور ما را در داخل و خارج کشور ترور کرده است بلکه حامی فعال تروریسم بین المللی نیز می‌باشد.

رژیم جمهوری اسلامی با ادامه حکومت مذهبی-استبدادی، ایرانیان را از هر گونه حقوق فردی و اجتماعی محروم کرده، کشور ما را در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به بحران عمیقی فرو کشانده است.

عالیجناب!

ملت ایران برای برون رفت از این بحران عظیم در راستای پیشرفت و رفاه، بیش از هر زمان دیگر به تامین حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی - اجتماعی نیاز دارد.

در چنین شرایطی و در حالیکه در جهان امروز رعایت حقوق بشر و آزادی در حیات کشورهای استبداد زده گسترش روزافزون می‌یابد، زمامداران کشور ما، همچنان در داخل و خارج کشور با خشونت تمام، به ترور و سرکوب آزادیخواهان و مدافعان حقوق بشر ادامه می‌دهند.

تاسف بار است که شما درست در چنین شرایطی و علیرغم انتظار بحق مردم فرانسه دائر بر لغو سفر رئیس جمهوری‌شان به ایران، قصد سفر به کشور ما را دارید.

آقای رئیس جمهور!

ملت ایران بر این باور است که بهبود روابط دو کشور فرانسه و ایران امری ضروری و بسود هر دو ملت است. طبیعتا ما نیز خواستار بهبود این روابط هستیم، ولی نمیتوان نادیده گرفت که پذیرش دعوت رژیم خودکامه جمهوری اسلامی از جانب شما در شرایط کنونی، بالزوم احترام دولت شما به منشور حقوق بشر، آزادی و قانون مغایرت دارد. انجام این سفر عملا جز نادیده گرفتن ترورهایی که توسط رژیم ایران در خاک کشور شما انجام گرفته است، مختومه اعلام کردن پرونده آنها و تن دادن به تروریسم این رژیم معنای دیگری ندارد.

آقای رئیس جمهور!

ضرورت احترام دولت شما نسبت به حقوق بشر، رد دعوت رژیم جمهوری اسلامی را ایجاب می‌کند. ما خواستاریم در تنظیم رابطه با این رژیم، تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی و رعایت حقوق بشر و قانون در ایران، مورد توجه ویژه قرار گیرد.

با تقدیم احترام

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آزادی ۴۲۱ اسیر عراقی

بقیه از صفحه اول

خسارات جنگی، موجب بالا گرفتن مجدد تشنج سیاسی و جنگ لفظی در روابط ایران و عراق شده است.

رژیم عراق دو هفته پیش در شکایت نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل ادعا کرده است که جمهوری اسلامی با بهره برداری از مشکلات سیاسی و اقتصادی عراق قصد باجگیری از آنکشور را دارد. این شکایتنامه زمانی تسلیم دبیر کل سازمان ملل متحد شد که هیاتی از کارشناسان سازمان ملل برای تعیین خسارات جنگی وارده بر ایران در طول ۸ سال جنگ در ایران بسر می‌برند.

در شکایت نامه دولت عراق همچنین گفته شده است که جمهوری اسلامی از آزادی مابقی اسرای عراقی خودداری می‌کند. اما کمال خرازی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل به دبیر کل سازمان ملل اطلاع داده است که جمهوری اسلامی بشرط آزادی اسرای ایرانی آماده است کلیه اسرای عراقی را آزاد نماید

احضار نایب رئیس مجلس

بقیه از صفحه اول

منتظری موجب از میان رفتن نفوذ سیاسی وی در میان کادرهای پائین و هواداران رژیم نشده است. بعلاوه مقام مذهبی منتظری بر نفوذ او می‌افزاید.

ائتلاف حاکم از این نگران است که لااقل بخشهائی از جناح مخالف که از نداشتن یک رهبر و چهره صاحب اتوریته رنج می‌برند، در ادامه مخالفتهای شدید خود با ائتلاف رفسنجانی - خامنه‌ای و رسالت بار دیگر به منتظری روی آورند.

ماجرای گروگانها

سازمانهای آدم ربا، انتظار می‌رود پرونده گروگانها برای همیشه بسته شود. حکومت جمهوری اسلامی و گروگانگیرها که پیش از این ادامه آزادی گروگانهای غربی را به آزادی تعداد بیشتری از اسرای لبنانی و فلسطینی از سوی اسرائیل مشروط می‌کردند، اعلام کرده اند که آزادی گروگانهای غربی ارتباطی با اقدام اسرائیل برای آزادی اسرای فلسطینی و لبنانی ندارد. شیخ عباس موسوی گفته است که ما بین گروگانگیری و زندانیان عرب تفاوت قائل می‌شویم و طی روزها و هفته‌های آینده پرونده گروگانگیری برای همیشه بسته خواهد شد

با توجه به اظهارات شیخ عباس موسوی که یکی از سرکردگان آدم ربایان لبنانی است می‌توان گفت که ماجرای تروریستی گروگانهای غربی در لبنان در حال پایان یافتن است

کنفرانس گروه ۷۷

جانب کلیه کشورها صورت گیرد. رفسنجانی با اشاره به تحولات سالهای اخیر جهان گفت منابع رها شده از مسابقات تسلیحاتی را می‌توان مصروف حل معضلات جهانی بویژه در کشورهای در حال توسعه نمود.

اجلاس وزرای گروه ۷۷ که هفتمین اجلاس این گروه از کشورهاست روز شنبه گذشته با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد. این بیانیه که در ۲۸ ماده تنظیم شده و به امضای شرکت کنندگان رسیده است، راههای گوناگون پیشنهادی درباره موانع رشد کشورهای در حال توسعه را در برمی‌گیرد. در این بیانیه در باره مسائلی چون تقویت ظرفیت تکنولوژیکی کشورهای در حال رشد، ایجاد مناسبات بازرگانی میان آنها، دسترسی بیشتر و بهتر این کشورها به بازارهای جهانی دیگر و جلب تکنولوژی از سوی این کشورها اظهار نظر شده است

۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر را گرامی بداریم!

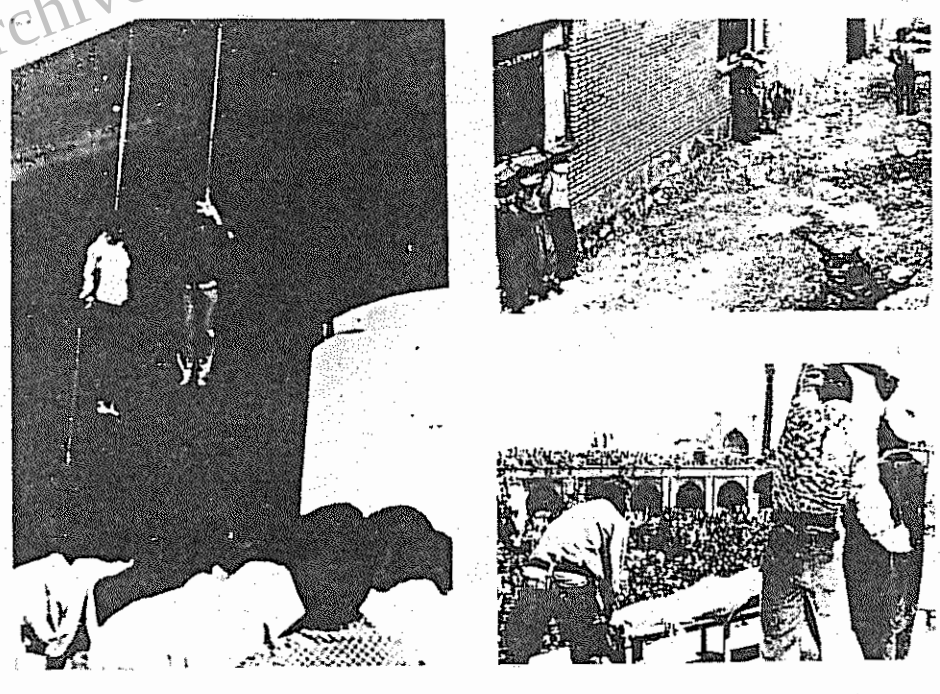

در اعتراض به پایمال شدن حقوق بشر در ایران

توسط رژیم حاکم، ندای خود را

با شرکت در تظاهرات ۷ دسامبر رساتر سازیم!

ORT..RUDOLF PLATZ KÖLN

DATUM . 7DEZ. 1991 SAMSTAG ZEIT - 10 30

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته کشوری آلمان

در حاشیه مراسم ۱۳ آبان

مراسم ۱۳ آبان بر اثر درگیریهای شدید جناحهای رژیم سرانجام به صورت دو تظاهرات جداگانه در صبح و عصر ۱۳ آبان در مقابل سفارت سابق آمریکا برگزار گردید. علیرغم تلاش جناح تندرو، نیروهای هوادار ائتلاف حاکم توانستند ابتکار مراسم اصلی را به دست گیرندو برگزاری آن را بر عهده سازمان تبلیغات اسلامی قرار دهند. جناح تندرو توسط "دفتر تحکیم وحدت" برای عصر همان روز دعوت به تظاهرات جداگانه کرد. ۸۰ تن از نمایندگان مجلس در بیانیه‌ای که بنام مجمع "نمایندگان خط امام" منتشر کردند، از تظاهرات بعدازظهر حمایت بعمل آوردند. آنها در این بیانیه مردم را از شرکت در مراسم صبح برحذر داشتندو از آنان خواستند که "از پرداختن به هر برنامه مشابهی که موجب تضعیف دانشجویان و نیروهای مردمی در این مراسم" می‌شود خودداری کنند.

ائتلاف حاکم با برخورداری از امکانات رادیو و تلویزیون موج عظیمی از تبلیغات بنفع مراسم صبح به‌راه انداخت و از چند روز پیش از تظاهرات، کوشید بار دیف کردن فهرست طولانی از نهادهای کوچک و درشت که حمایت خود از مراسم رسمی را اعلام کرده بودند، نیروی بیشتری را به مراسم خود جلب کند. در اخبار رسمی جمهوری اسلامی در مورد برگزاری تظاهرات بعدازظهر سکوت کاملی دنبال شد. ارگانهای تبلیغی جناح تندرو نیز به تبلیغ پیرامون مراسم خود پرداختند و کوشیدند مراسم جناح مخالف را یک مراسم دولتی و فرمایشی و تظاهرات خود را تظاهراتی مردمی و دارای اهمیت بیشتر معرفی کنند. روزنامه سلام روز ۱۳ آبان طی تفسیری نوشت: تحلیل گران مسائل سیاسی مراسم بعدازظهر امروز را که بوسیله دانشجویان و نهادهای مردمی برگزار خواهد شد پر اهمیت‌تر از مراسم صبح امروز که بخاطر بخشنامه دولت از سوی شورای هماهنگی تبلیغات اجرا خواهد شد، می‌دانند.

پس از برگزاری تظاهراتهای جداگانه نیز تبلیغات خصمانه دوطرف علیه یکدیگر ادامه یافت. روزنامه سلام با چاپ عکس نیروهای نظامی در مراسم صبح بر دولتی و فرمایشی بودن این مراسم انگشت نهاد و روزنامه رسالت تعداد تظاهرکنندگان بعدازظهر را تنها ۲۰۰۰ نفر ذکر کرد.

انتشاب در مراسم ۱۳ آبان که تاکنون بی‌سابقه بود و تبلیغات کینه‌توزانه دو طرف علیه یکدیگر پیرامون مراسم این روز را باید نشانه جدی دیگری از اختلافات مردم گسترش یابنده جناحهای حکومت دانست.

وزیرکشور استیضاح میشود؟

بنا به گزارش روزنامه رسالت عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صدد استیضاح وزیرکشور هستند.

دلایل استیضاح احتمالی در رابطه با نزدیک شدن انتخابات مجلس چهارم و عزل و نصب های اخیر فرمانداران در شهرهای مختلف عنوان شده است. تعدادی از نمایندگان در سخنرانی‌های خود عملکرد وزیر کشور در رابطه با تهیه مقدمات انتخابات را مورد سئوال و انتقاد قرار داده‌اند. سید هاشم بنی‌هاشمی نماینده مشهد در مجلس در نطق روز ۱۵ آبان خود گفت: مشاهده میشود وزارت کشور با طرح نمودن بعضی فرمانداران و مسئولین وزارت کشور زمینه سازی برای کاندیداتوری آنها می‌نماید. وی به وزیر کشور هشدار داد که وظیفه بی‌طرفی در انتخابات توسط وزارت کشور را حفظ کند.

اخیرا نیز رفسنجانی در دیداری با ناطق نوری و فرماندهان نیروهای انتظامی انتخابات آینده را انتخاباتی پر ماجرا خوانده بود و بر عدم دخالت نیروهای انتظامی در جریان انتخابات تاکید کرده بود.

هنوز معلوم نیست که استیضاح وزیر کشور از سوی نمایندگان مجلس تا چه اندازه جدی باشد، اما محتمل است که با نزدیک شدن "انتخابات پرماجرا" تحولات و جابجایی های سیاسی پرسرو صدا و مهره‌چینی‌های تازه‌ای را بمنظور تاثیرگذاری بر جریان انتخابات شاهد باشیم.

اجلاس بدون نتیجه اعضای پیمان ۲+۶

دومین نشست کشورهای مصر و سوریه و شش کشور عرب حوزه خلیج فارس برای گفتگو پیرامون چگونگی ساختار امنیتی خلیج فارس که دو هفته پیش در قاهره تشکیل یافت، بدون حصول به نتیجه‌ای بکار خود پایان داد. اجلاس نخست این کشورها زمستان سال گذشته و اندکی پس از پایان جنگ خلیج فارس در دمشق برگزار شد و طرفین توافقنامه‌ای را امضا کردند که در آن یک پیمان امنیتی میان شش کشور عرب حاشیه خلیج فارس به اضافه دو کشور مصر و سوریه پیش بینی شده بود. بر اساس این توافق مصر و سوریه هر کدام بالغ بر ۳۰ هزار سرباز برای دفاع از امنیت ۶ کشور عرب حوزه خلیج فارس در خاک این کشورها مستقر می‌کردند. بخشی از این نیروها هنگام جنگ خلیج فارس در خاک عربستان سعودی استقرار یافته بود. مصر و سوریه بابت نقشی که در این پیمان امنیتی بعهده گرفته بودند، از کمک های هنگفت مالی ۶ کشور دیگر برخوردار می‌شدند.

اما اوضاع منطقه پس از امضای توافقنامه دمشق روال دلخواه مصر و سوریه را طی نکرد. ازجمله رژیم صدام حسین با وجود تحمل شکست در جنگ خلیج فارس علیرغم پیش بینی ها ساقط نشد و بصورت تهدید بالقوه برای همسایگانش باقی ماند و مخالفت جمهوری اسلامی با موافقتنامه دمشق مناسبات کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با ایران را در معرض مخاطره قرار داد. جمهوری اسلامی خواهان سهم متناسب با موقعیت خود در ترتیبات امنیتی منطقه است. اما مصر و سوریه با علم کردن یک طرح امنیتی عربی قبل از آنکه در فکر ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس باشند در پی بدست آوردن سهمی از ثروت کشورهای نفت خیز منطقه بودند. کما اینکه بر اساس توافق دمشق قرار بود مصر ۱۵ میلیارد دلار کمک از ۶ کشور عرب خلیج فارس دریافت نماید. این همه در حالی بود که شیوخ حاشیه خلیج فارس بنا به تجربه شورای همکاری خلیج فارس که یک پیمان دفاعی بود از طرحهای امنیتی چون طرح دمشق دلخوش نبودند. علاوه بر این، این کشورها علیرغم نگرانیهائی که هنوز نسبت به نیات ماجراجویانه و پان اسلامیستی حکومت اسلامی تهران دارند، مایل نیستند خود را رو در روی ایران قرار دهند. همزمان جمهوری اسلامی نیز در تلاش گسترده مناسبات خود را بمیزان زیادی با ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بهبود بخشید و آخرین آنها با عربستان سعودی بود که با قبول دعوت شاه فهد برای دیدار از عربستان سعودی در ماههای آینده از سوی رفسنجانی، وارد مرحله تازه‌ای شده است.

از سوی دیگر ایالات متحده امریکا که ابتدا با حسن نظر نسبت به توافق دمشق می‌نگریست و آنرا موافق و مکمل اهداف و سیاستهای خود در منطقه ارزیابی می‌کرد به پیشرفت و عملی شدن توافق دمشق تمایل زیادی نشان نداده و فعلا ادامه حضور نظامی خود در منطقه و انعقاد پیمانهای نظامی دوجانبه با برخی کشورهای عرب منطقه برای ایجاد "توازن قوا" جهت تامین ثبات و امنیت دلخواه خود را ترجیح داده است. هم اکنون امریکا با کویت قرارداد دفاعی ۱۰ ساله امضا کرده است و همین اقدام با شیخ نشین بحرین نیز صورت گرفته و احتمالا دیگر شیوخ منطقه نیز دست به این کار خواهند زد.

نتیجه اینکه چند هفته پس از امضای پیمان نامه دمشق بتدریج پایه‌های آن سست شد. تعهدات شش کشور حوزه خلیج فارس برای کمک به مصر و سوریه اجرا نشد و این دو کشور شروع به خارج کردن سربازان خود از خاک عربستان سعودی کردند. اجلاس اخیر کشورهای ۲ + ۶ در قاهره شاید آخرین تلاش آنها، بویژه مصر و سوریه برای جان بخشیدن به توافق دمشق بود. اما بدلایلی که گفته شد نتیجه‌ای ببار نیاورد. بویژه انکه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس بخاطر پیمانهای دوجانبه‌ای که با امریکا امضا کرده‌اند و یا در آینده خواهند کرد، دیگر شور و شوق زمان امضاء توافقنامه دمشق را ندارند.

در حاشیه رویدادهای سیاسی

کشمکش بر سر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

فعالیت مجدد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی موجب کشمکش بین روزنامه رسالت و کیهان شده است. روزنامه رسالت بعد از درج خبر شروع فعالیت این سازمان، توضیحاتی را در مورد درخواست راستی کاشانی پیرامون انحلال این سازمان از خمینی و پاسخ مثبت خمینی باین درخواست را درج کرده است. روزنامه کیهان مطلبی را بقلم "تقی دژامام" منتشر کرده است که در آن نسبت به تحریف عمومی از نقل حوادث گذشته اعتراض شده است. در آنموقع راستکاشانی نماینده خمینی در این سازمان بود که بر اثر تشدید درگیری بین جناحهای موجود در این جریان از مسئولیت خود استعفا داده خواستار انحلال سازمان مذکور گردیده بود.

اظهارات راستی در آن زمان (آبان ماه ۶۵) در مطبوعات منعکس شد بهزاد نبوی که در راس یکی از جناحها قرار داشت نامه‌ای به خمینی نوشت و از او سوال کرد که آیا موافقت خمینی با استعفای راستی بمعنی تائید تمام مطالب مندرج در استعفانامه اوست خمینی در پاسخ نامه بهزاد نبوی اظهار کرد "اینجانب فقط با استعفای آقای راستی و انحلال سازمان مذکور موافقت نمودم و با مطالب دیگری که در استعفانامه بود به هیچ وجه موافقت نکردم".

کیهان می‌گوید: "متاسفانه روزنامه رسالت دانسته یا ندانسته به حضرت امام و اندیشه‌های ایشان نسبت های خلافی می‌دهد که خود امام در زمان حیاتشان یکبار آنها را تکذیب کرده است" (کیهان ۸ آبان ۱۳۷۰)

رسالت در پاسخ به این مطالب از دژ کام و کیهان خواسته است که پاسخ دهند: "سازمانی که امام با انحلالش موافق بوده‌اند چرا با همین نام اجازه فعالیت مجدد یافته است؟" (کیهان ۹ آبان ۱۳۷۰) سوال روزنامه رسالت نشان می‌دهد که پیشقدمان احیاء سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از جناح رسالت نیستند و راستی کاشانی و احمد توکلی در آن نقشی ندارند و جناح رسالت از فعالیت مجدد این سازمان ناخرسند است.

"نگاه نو" در بین برخی وزیران اسبق

در دو سال اخیر مطبوعات نسبتا زیادی پا به حیات گذاشته‌اند در این مطبوعات با وجود جو ترور و اختناق برخی نیروهای وابسته به نظام جمهوری اسلامی که امروز در ائتلاف حاکم سهیم نیستند، امکان ارائه نظرات خود را پیدا کرده‌اند. از جمله آنها دکتر محمد تقی بانکی است. او که در دوره نخست وزیری موسوی سالها وزیر برنامه و بودجه کشور بود، اخیرا نشریه‌ای را بنام "نگاه نو" براه انداخته است.

در سرمقاله این نشریه مطالبی آمده است که چندان خوش آیند حکومتیان نیست. در مورد وضع مطبوعات در این سرمقاله گفته شده است در نیم قرن اخیر مطبوعات سه بار فرصت یافته‌اند تا در فضائی کم و بیش آزاد نفسی بکشند. بار اول در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا مرداد ماه ۱۳۳۲ خصوصا دوران زمامداری دکتر محمد مصدق، بار دیگر در سالهای نخست پیروزی انقلاب و بار سوم همین یکی دو سال اخیر و اضافه شده است: امروز نوشته‌های روزنامه نگاران مانند آبی است که سالها در پشت سد بلندی جمع شده و ناگاه چون سیل بر بستر رودخانه‌ای خشک رها شده است. البته می‌دانیم که سالهای طولانی خموشی بسیاری از ابزار این کار - انتشار مجله‌ای با موازین و معیارهای سنجیده را معدوم کرده است".

اعتراف آشکار به وجود سالهای اختناق با عنوان "سالهای طولانی خموشی" از زبان وزیر سابق جمهوری اسلامی برای مدافعین ائتلاف حاکم گران آمده است. روزنامه رسالت که رسالت پاسداری از اختناق حاکم را بر عهده گرفته و از دگم ترین اندیشه‌های فقه سنتی دفاع کرده و از فروریختن استبداد مذهبی وحشت دارد، به هر نشریه‌ای که مسئله استبداد وآزادی را مطرح میکند، بشدت می‌تازد تا این ندا های "ناهنجار" را در نطفه خفه کند. رسالت در این مورد نیز با پرخاش بسراغ وزیر اسبق رفته است رسالت می‌پرسد: آن سد! کدام بوده است و آن سالهای خموشی چه سالهائیست! و اگر پاسخ این سئوال این باشد همین دهه‌ای که پشت سر گذاشته‌ایم باید بایشان عرض شود که تنها فایده این سالها این بوده فردی مثل شما با گرایشی با این مقیاس که مطبوعات دوران مصدق را آزادتر از مطبوعات این دوران می‌دانید! به پست "وزارت" و معاونت منصوب شدید!

در نشریه "آینه اندیشه" شماره‌های ۶ و ۷ نیز مطلبی از یک معاون وزیر سابق درج شده است. در این مطلب آمده است: در یک نگرش اولیه به عملکرد مدیریت انقلاب، به غیر از دو سه سال اول که عوارض ناشی از تغییر مدیریت و نظام کشور را داشته‌ایم در سالهای بعد به تدریج مدیریتی فقهی در تمام شئون اجرائی کشور حاکم شده و اکنون نیز همین نگرش بر مدیریت سایه انداخته است در حالیکه برای درمان دردهای کشور و خود این مدیریت نیاز به روش علمی داریم و "از انجا که این طبقه به هر صورت ملی است که می‌تواند از حمایت موثری در میان مردم برخوردار باشد باید عاقلانه از روی بصیرت بپذیرد که امر مدیریت اجرائی کشور را به افراد متعهد ملی و علم اندیش کشور واگذار کند".

رسالت که از این دیدگاهها بشدت عصبانی است می‌گوید: "لااقل بختیار برای "روحانیت" این احترام را قایل بود که بروند قم و حکومتی نظیر پاپ در واتیکان داشته باشند! ایشان حتی این را هم جایز نمی‌داند. متشکریم از الطاف بیکران شما".

طرح کنار گذاشتن مدیریت فقهی و سپردن امور اجرائی کشور بدست افراد کاردان، ملی و متعهد به معنی تفکیک دین از دستگاه دولتی و به بیان دیگر طرح حکومت غیر مذهبی است. بهمین خاطر طرح این مسئله با عکس العمل سران رژیم مواجه شده است. مهدوی‌کنی در سخنرانی خود در اولین سمینار بررسی تفکرات سیاسی در آثار نویسندگان ایرانی گفت اینکه در برخی مجلات نوشته می‌شود در دهسال گذشته کشور بصورت فقهی اداره شده است و از این پس باید علمی اداره شود خطا و اشتباه بزرگی است چون دین از سیاست و علم جدا نمی‌باشد" (رسالت ۱۵ آبان ۷۰).

کشمکش روزنامه‌های سلام و رسالت بر سر "تهاجم فرهنگی"

کشمکش روزنامه‌های سلام و رسالت بر سر "تهاجم فرهنگی".

در روزنامه سلام مقاله‌ای باعنوان تهاجم فرهنگی و شیوه‌های مقابله با آن (دوم آبان) درج شده است که هم خوانی با موج "تهاجم فرهنگی" ندارد. در این مقاله اظهار نظرهای شجاعانه‌ای درمورد فرهنگ اسلامی شده است. در مقاله آمده است: باید اعتراف کرد که فرهنگ ما مانند سایر ملت های مسلمان چند قرنی است که شکوفائی و بالندگی و زایش گذشته را از دست داده است و "تولید فرهنگی مکتوب ما تا حد اندک و ناچیز است" در حالیکه "فرهنگ غرب از پشتوانه کلامی و فلسفی خاصی برخوردار است". سنت دمکراسی غرب مبنائی فلسفی دارد این فرهنگ علیرغم امواجات و نارسائی‌هایش دائم در حال زایش و تولید است".

جمهوری اسلامی تا کنون برا این نظر بوده است که دارای فرهنگ کمی و بالنده هو برتراز سایر فرهنگ هاست و این فرهنگ ابزار نیرومند در مقابله با فرهنگ غرب است سران جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب بهمن تلاش نمودند فرهنگ اسلامی را به تمام جهان صادر کنند. آنها فرهنگ غرب را در حال اختصار و فرهنگ خود را در حال شکوفائی می‌دیدند. اکنون بعد از گذشت ۱۳ سال از انقلاب خود را در معرض تهاجم دیگر فرهنگها یافته‌اند معلوم نیست آن زایندگی وآن برتری فرهنگی چرا این چنین در مقابل سایر فرهنگ ها آسیب پذیر است و چرا خامنه‌ای جناح رسالت سازمان تبلیغات اسلامی وروزنامه کیهان این چنین بوحشت افتادند. فرهنگ قوی پویا و آینده نه تنها از تماس با دیگر فرهنگ ها واهمه ندارد بلکه استقبال آن می‌شتابد تا بر آن فرهنگ ما تاثیر بگذارد.

وحشت برپادارندگان فوفای "تهاجم فرهنگی" همانا ناشی از آسیب پذیری و ناتوانی و ارتجاعی بودن آن است روزنامه سلام بر این نکته معترف است: علت آسیب پذیری فرهنگ ما در برابر فرهنگ غرب نمی‌داند. متشکریم از الطاف بیکران شما".

طرح کنار گذاشتن مدیریت فقهی و سپردن امور اجرائی کشور بدست افراد کاردان، ملی و متعهد به معنی تفکیک دین از دستگاه دولتی و به بیان دیگر طرح حکومت غیر مذهبی است بهمین خاطر طرح این مسئله با عکس العمل سران رژیم مواجه شده است. مهدوی‌کنی در سخنرانی خود در اولین سمینار بررسی تفکرات سیاسی در آثار نویسندگان ایرانی گفت اینکه در برخی مجلات نوشته می‌شود در دهسال گذشته کشور بصورت فقهی اداره شده است و از این پس باید علمی اداره شود خطا و اشتباه بزرگی است چون دین از سیاست و علم جدا نمی‌باشد" (رسالت ۱۵ آبان ۷۰).

www.iranarchive.com

از میان رویدادها

نامه ۵۴ تن از سناتورهای امریکا

۵۴ نفر از سناتورهای امریکایی در نامه‌ای به جیمز بیکر وزیر خارجه امریکا که دو هفته پیش انتشار یافت از وی خواسته‌اند در چهل و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل از تصویب قطعنامه‌ای حمایت کند که در آن تجاوزات وسیع رژیم جمهوری اسلامی ایران به حقوق بشر محکوم شده و از دولت ایران خواسته شود به تعهد خود در مورد دادن اجازه بازرسی از زندانهای ایران بوسیله صلیب سرخ بین المللی عمل کند.

در این نامه، سناتورهای امریکایی خطاب به بیکر نوشته‌اند: ''آقای وزیر خارجه ما نگرانی عمیق خود را از ادامه تجاوز به حقوق بشر در ایران ابراز می‌داریم. نگرانی ما با هر گزارش تازه‌ای از تجاوزات سبعانه که دولت رفسنجانی مرتکب آن شده و یا اجازه ارتکاب آنرا می‌دهد افزایش می‌یابد''.

در نامه همچنین گفته شده است: ''دولت ایران به صورت مداوم در فعالیت‌های تروریستی بین المللی دست دارد و این باعث نگرانی ماست'' و ''افشای اخیر برنامه تهیه سلاح‌های اتمی نیز نگرانی‌های جدی‌تری بوجود آورده است.''''جمهوری اسلامی همواره با بی اعتنایی‌هایش به حقوق ابتدایی و اساسی بشر، جامعه جهانی را وحشت‌زده ساخته و خواستهای آنرا رد کرده است. جامعه بین المللی تجاوزات دولت ایران به حقوق بشر را در گذشته محکوم کرده و مردم ایران را مطمئن ساخته است که از آن برای دستیابی به آمال صلح‌جویانه و دموکراتیک‌شان حمایت میکند''. سناتورهای امریکایی نوشته‌اند: ''ما از شما می‌خواهیم که به اتفاق متحدان ایالات متحده و دیگر اعضای مسئول جامعه بین المللی، به تلاشهای خود بیفزایید و به دولت ایران فشار بیاورید که به اصول پذیرفته شده جهانی و معیارهای حقوق بشر احترام بگذارد''.

همزمان با ارسال نامه سناتورهای مجلس سنای امریکا به بیکر وزیر خارجه آنکشور، صدای امریکا در بخش خبری خود اعلام کرد که مصوبه مربوط به تروریست بودن رژیم جمهوری اسلامی از طرف دولت بوش تمدید شده است. گفته می‌شود اعلام آزادی قریب‌الوقوع تمامی گروگانهای غربی از سوی گروگانگیران لبنانی و حکومت جمهوری اسلامی، بی ارتباط با اقدام سناتورهای امریکا و تمدید لایحه تروریست بودن رژیم اسلامی از سوی دولت بوش نبوده است.

صفهای طویل برای تهیه نفت

صف های طویل برای تهیه نفت مشکل نفت همچنان ادامه دارد. بعلت نبود نفت، اغلب شعب نفت در طول روز بسته است. با توجه به نزدیک شدن زمستان، مسئله تهیه نفت برای مردم به مشکل جدی تبدیل شده است. این مسئله بویژه در مناطق سردسیر نظیر ارومیه وضع حادی پیدا کرده است. سخنان نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی را در کار شماره ۲۲ نقل کردیم بگفته نماینده دیگر این شهر (علی کامکار) مشکل نفت همچنان به حدت خود باقی است. وی میگوید: ''مشکل نارسایی سوخت استان کماکان به قوت خود باقی است و هنوز ما نمایندگان در مقابل سئوالات مکرر مردم بی‌جواب هستیم... من نمی‌دانم تاکی باید بیان کردو با چه بیانی حساسیت موضوع را رساند. آیا سئوالاتی که از وزیر در اوایل سال جاری شد کافی نیست؟ آیا صحبت های نمایندگان در نطق‌های مکرر، برای این موضوع هنوز شما را قانع نکرده که بپذیرید واقعا در آنجا مشکل وجود دارد''.

نماینده ارومیه اضافه میکند: ''آقایان نمایندگان جهت اطلاع شما عرض می‌کنم الآن مردم برای گرفتن نفت باید شب ها صف ببندند و ساعت ها منتظر بمانند و تازه بعد از ساعت های طولانی معلوم نیست آیا تحویل نفت میسر خواهد شد یا نه؟ موضوع بحدی حاد شده که واقعا بنده خود را در بیان آن عاجز می‌بینم. یعنی در این هفته گذشته که بنده در حوزه انتخابیه خودم بودم محلی نبود که در آن سخن از نفت و کمبود آن و ضعف توزیع و صف های طولانی و ناراحتی و گلایه مردم از مسئولین نباشد.

خیرخواه نماینده لاهیجان نیز در این مورد شکوه میکند: ''در استان گیلان مشکل کمبود مواد سوختی و مصالح ساختمانی بشدت مردم را تحت فشار قرار داده است. مردم می‌گویند: سالهای گذشته در فصل تابستان شرکت نفت کوپن را زودبه‌زود اعلام می‌کرد تا مردم با ذخیره سازی از آن در سرمای پائیز و زمستان استفاده کنند، لکن اکنون ۲ سال است شرکت نفت باین مسئله بی‌توجهی نموده در نتیجه کوپن های مردم در لاهیجان باطل میگردد. مردم میگویند اگر واقعا مواد سوختی مخصوصا نفت نیست پس چرا در بازار سیاه نفت هر لیتر ۱۲ تا ۱۵ تومان فراوان بدست میآید؟''

مصاحبه مطبوعاتی وزیر کشور

عبداله نوری وزیر کشور با روزنامه اطلاعات در مورد حجاب و فعالیت های فرهنگی مصاحبه کرده است. او در این مصاحبه در مورد بدحجابی گفته است: ''البته ما این موضوع را قبول نداریم که بدحجابی مترادف با مفاسداجتماعی است. البته بدحجابی می‌تواند به مفاسد اجتماعی کشیده شود، ولی این که هرآنچه که تحت عنوان بدحجابی هست. در جهت گسترش مفاسد اجتماعی تلقی شود. این مورد قبول ما نیست.''

...ما بعنوان حکومت وظیفه داریم که با تبیین مسائل فرهنگی وارشادی آنهائی را که بد حجاب هستند به سمت حجاب کامل اسلامی سوق دهیم. من فکر نمی‌کنم در این زمینه فقط کار انتظامی معنی داشته باشد یا درست باشد که ما به مجرد این که یک دختری را ببینیم که رعایت حجاب اسلامی را بطور کامل نکرده، با آن برخورد انتظامی کنیم. البته از اینکه آنها حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند و فعل حرام انجام می‌دهند، رنج می‌بریم''

''در بخش مربوط به عدم رعایت حجاب، اعتقاد ما به صورت جدی این است که باید کار فرهنگی ارشادی و تبلیغی انجام شود و کار باید در جهت تدوین قوانین حکومتی باشد تا افراد بدانند، چگونه باید عمل کنند''.

انصراف هند از تحویل کوره اتمی به ایران

اواخر هفته گذشته دولت هند اعلام کرد از تحویل کوره اتمی به جمهوری اسلامی ایران منصرف شده است. خبر مربوط به تحویل یک راکتور هسته‌ای از سوی هند به ایران بدنبال سفر وزیر خارجه آنکشور به ایران انتشار یافت.

دولت هند ضمن تائید خبر مربوط به تحویل راکتور هسته‌ای به ایران گفته بود این راکتور کاربرد تحقیقاتی دارد و رئیس انرژی اتمی آنکشور در گفتگویی با خبرنگاران از حق کشورش برای فروش کوره اتمی به ایران دفاع کرده و گفته بود کوره‌ای که ما به ایران پیشنهاد کرده‌ایم، شبیه آنرا آرژانتین در الجزایر برقرار کرده و اخیرا به دولت ترکیه هم پیشنهاد شده است.

با انتشار خبر فروش راکتور هسته‌ای از سوی هند به ایران، دولت بوش سفیر هند را برای ادای توضیحات فرا خواند و معاون وزیر خارجه امریکا در سفر خود به دهلی دولت هند را برای انصراف از پیشنهاد خود به ایران زیر فشار قرار داد. رفسنجانی در واکنشی نسبت به این اقدامات دولت بوش، فشار امریکا روی چین و هند را محکوم کرد و گفت: ''با آنکه ایران قرارداد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را امضا کرده، امریکا باز گستاخی میکند که ایران نباید به تکنولوژی هسته‌ای مجهز شود''.

گفته می‌شود با آنکه راکتور پیشنهادی هند تحقیقاتی بوده، اما قادر به تولید پلتونیوم که می‌تواند در تولید سلاح هسته‌ای بکار رود، نیز بوده است.

افت تحصیلی

سطح آموزش دانش آموزان پیوسته در حال تنزل است. این مسئله را میتوان در زمینه‌های مختلف ازجمله در میزان مردودی و ترک تحصیل کنندگان مشاهده کرد. اخیرا پرویز صیقلی نماینده مردم لنگرود بمناسبت ۱۳ آبان آماری فم‌انگیز در این زمینه ارائه داده است. بگفته وی در سال ۶۵ از مجموع ده ملیون و ۸۱۰ هزار دانش آموز حدود ۳ ملیون نفر مردودشده یا ترک تحصیل کرده‌اند که از این سه ملیون حدود ۸۵۰ هزار نفر با درس و کلاس خداحافظی کرده‌اند. در آن سال بودجه جاری وزارت آموزش و پرورش ۴۹ میلیارد تومان و مجموع خسارت اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی بالغ بر ۵۶ میلیارد ریال بوده است. در سال ۶۷ از مجموع ۱۲ میلیون و ۵۶۰ هزار دانش آموز حدود ۳/۵ میلیون نفر مردود و یا ترک تحصیل نموده‌اند. از این تعداد بیش از یک میلیون نفر برای همیشه ترک تحصیل کرده‌اند. بودجه جاری آموزش و پرورش ۶۰ میلیارد تومان و مجموع خسارت اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی ۷۷ میلیارد ریال محاسبه گردیده است.

وضع وخیم کشاورزی

اخبار مندرج در مطبوعات کشور نشان میدهد که وضع کشاورزی کشور بویژه در یکسری مناطق وخیم است و کشاورزان بشدت از بی‌توجهی دولت نسبت به مسئله ناراحت هستند. این نارضایتی را در سخنان برخی نمایندگان مجلس هم میتوان بوضوح مشاهده کرد. علی کامکار نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: ''در حال حاضر واقعا کشاورزان به حدی از بی‌توجهی دولت ناراضی هستند که صریحا می‌گویند دولت ما را فراموش کرده است. آنها می‌گویند روستاهایمان از سکنه خالی شده و نیروی جوان ما به شهرها مهاجرت کرده‌اند. هزینه برداشت محصولات چنان بالاست که مقرون بصرفه نیست. هزینه علوفه آنقدر زیاد است که دام‌هایمان را به مزارع برداشت نشده هدایت می‌کنیم. اداره آبیاری بدون آنکه کاری برای ما انجام دهد و بدون اینکه نهرهایمان را لایروبی کند و بدون اینکه بفکر آب زراعی ما باشد پول زیادی از ما بعنوان آب بها میگیرد، تازه تحویل سوخت نیز منوطبه پرداخت آب بها شده است. تراکتورهایمان بعلت نداشتن لاستیک بلااستفاده مانده و محصولاتمان علیرغم زحمت فراوان به فروش نمی‌رسد. آخر شما قضاوت کنید آیا سیب را اصلا کیلویی دو، سه تومان از درخت می‌چینند که کارخانه پاکدیس ارومیه از ما سه تومان می‌خرد. سرخانه‌ای هم نمانده که سیب هایمان را در آنجا بگذاریم. همه آنها را سرمایه‌داران، دلالان و واسطه‌های بیگانه اجاره کرده‌اند و ما باید مثل سالهای قبل سیب را به پای درختان بریزیم. آیا کسی نیست که بفکر تامین روغن موتور و گازوئیل ما باشد. این زمین را اگر آلان شخم نکنیم دیگر برای سال آینده نمی‌توانیم بکاریم. ما دردمان را به چه کسی باید بگوئیم؟ آیا شما باور می‌کنید برای ما هر مکتاریک گونی کود می‌دهند که حتی برای هر متر زمین یک مشت هم نمی‌رسد؟''

او اضافه می‌کند: ''اگر در این شرایط به کشاورزان رسیدگی نشود کشور ما یا به وابستگی شدید مواد غذایی دچار خواهد شد و یا خسارت سنگینی متحمل میشود که کشور توان پرداخت آن را ندارد که بطور نمونه آمار مهاجرت از روستا به شهر بسیار بالاست''.

کامکار می‌گوید: ''منطقه ما منطقه کشاورزی است که اگر بآن رسیدگی نشود سرمایه‌های گزافی که در آنجا شده است از بین خواهد رفت. کاش بدانید در چند سال گذشته چقدر باغهای سیب ما تخریب شده است. کاش بدانید چقدر از زمین هایی که آباد بود الآن به زمین خشک و لم‌یزرع و یا به عناوینی به خانه‌های مسکونی و شهری تبدیل شده است.

زمین لرزه‌های پیاپی در ایران

طی هفته‌های اخیر برای چندمین بار زمین لرزه مناطق جنوبی و مرکزی کشور را لرزانده است. آخرین مورد آن در روز جمعه گذشته بود که شهرهای باختران و سنقر را تکان داد. این زمین لرزه ۴/۲ ریشتر شدت داشت و گفته می‌شود خساراتی در پی نداشته است. اما زمین لرزه‌هایی که پیش ازاین بطور پی‌درپی در منطقه بهبهان رخ داد، موجب ویرانی صدها خانه مسکونی در شهر بهبهان و روستاهای اطراف آن شد. شدت این زلزله ۵ درجه ریشتر بود و تکانهای آن در اهواز، آغاجاری، ماهشهر و رامهرمز نیز احساس شد. بنا به نوشته روزنامه‌های کشور ۲۸۰۰ واحد مسکونی و اماکن عمومی در بیش از ۹۰ روستای اطراف بهبهان و نیز دهها واحددیگر در خود شهر بهبهان تخریب شدند. سیفی فرماندار شهر بهبهان گفته است از روز ۶ تا ۲۳ آبان ماه، زلزله ۷۴ بار بهبهان و حوالی آنرا تکان داده است که بر اثر آنها تعداد ۸۰ نفر زخمی شده‌اند. وی گفته است تا کنون ۷ هزار چادر بین مردم شهر و روستا توزیع شده است اما با توجه به فصل سرما و احتمال بارندگیهای موسمی و اینکه مردم در نقاط امن خارج از واحدهای مسکونی زندگی می‌کنند، نیاز مردم به چادر بسیار ضروریست.

ورود اتومبیل های سواری ۴ و ۶ سیلندر آزاد شد

کربلائی معاون صنعتی و بهره برداری وزارت صنایع سنگین اعلام کرد که ورود اتومبیل های سبک ۴ و ۶ سیلندر مدل روز طبق ضوابط شورای اقتصاد و مصوبات مجلس شورای اسلامی با استفاده از ارز شناور آزاد شده است. وی گفت ورود قطعات اتومبیل های سبک برای مونتاژ نیز آزاد شده است.

با آزاد شدن ورود اتومبیل های سواری، هجوم برای خرید ارز از بازار آزاد و وارد کردن اتومبیل شروع گردیده است. این امر بدون تردید موجب بالا رفتن ارزش ریالی ارزهای خارجی خواهد شد. گر چه آزاد کردن ورود اتومبیل های سواری زمینه را برای کاهش قیمت ماشین های سواری ساخت کشور و دیگر اتومبیل های ۴ و ۶ سیلندر فراهم خواهد آورد ولی ارز کلانی از کشور برای خرید آنها خارج خواهد شد.

ادامه توقیف کشتی ایران توسط دولت ترکیه

خکومت جمهوری اسلامی هفته گذشته در اقدامی اعتراضی نسبت به ادامه توقیف کشتی حامل سلاح به جمهوری اسلامی از طرف دولت ترکیه، سفیر خود در آنکارا را به تهران فراخواند. این کشتی که برای جمهوری اسلامی اسلحه حمل می‌کرد، بدلیل نامشخص بودن نوع محموله در بارنامه آن، توسط ماموران گارد ساحلی ترکیه در تنگه بسفر توقیف شد. اعتراضات و حتی تهدیدات جمهوری اسلامی برای رفع توقیف کشتی راه به جایی نبردو سفر علیرضا معیری مشاور رفسنجانی به ترکیه نیز که بدین منظور صورت گرفته بود، در آزادی کشتی بی‌نتیجه بوده است. کشتی توقیف شده قبرسی است و برای حمل سلاح از بلغارستان در اجاره جمهوری اسلامی بوده است.

www.iran-archive.com

از زندگی دردناک مردم

گرانی در عرصه فرهنگی

گرانی فزاینده کالاها و خدمات تاثیرات ناگوار خود را بر عرصه فرهنگی ما گذاشته است. ماهنامه آدینه در آخرین شماره اش گزارش جالب و نسبتا مفصلی را تهیه کرده است. در زیر قسمتی از مطلب "با ارز ۶۰ تومان" نوشته همایون فروزان را نقل میکنیم: "... مدیر یک مجله علمی می گوید:

"فقط در سال جاری بیش از ۳۱ درصد به هزینه مجله افزوده شده است و من نمی‌دانم چه باید کرد. اگر بخواهیم افزایش قیمت را به خریداران و خوانندگان خود منتقل کنیم باید هر شماره یا هر دو شماره به قیمت مجله ماهانه خود بیافزاییم و این افزودن بر آن که تحمیل بر خوانندگان است مسلما سبب کاهش تیراژ خواهد شد. با این تصویر سوالی که پیش می‌آید این است که آیا در جیب یک دانشجو، یک دانش‌آموز، یک کارمند و یک حقوق بگیر ثابت که اکثر خوانندگان ما را تشکیل می‌دهند، پس از خریدن گوشت و مرغ و تخم مرغ و جز این ها و پرداخت وجه آب، برق، تلفن، گاز و درمان و غیر آن، پول وجود خواهد داشت که یک شماره مجله گران شده ما را بخرد؟"

"در آخرین روزهای مرداد ماه قیمت کتاب های درسی در سطح راهنمایی و دبیرستان ۴۰ تا ۵۰ درصد نسبت به سال تحصیلی گذشته گران شده است. شهریه تحصیلی در سال تحصیلی جاری در مدارس "نمونه مردمی" حداقل ۷ هزار تومان است. مدارس غیرانتفاعی (خصوصی) بسته به منطقه و محل مدرسه و کرایه ایاب و ذهاب از ۲۵ هزار تومان شروع میشود تا بیش از ۱۰۰ هزار تومان در مدارس شمال شهری می‌رسد."

"کتابچه ۱۰۰ برگ جلد پلاستیک در بازار آزاد ۴۰۰ ریال، ۴۰ برگ متوسط ۱۵۰ ریال، خودکار بیک ۸۰ ریال، پاک کن از ۱۲۵ ریال تا ۲۵۰ ریال، مداد مشکی ۱۵۰ ریال، مداد قرمز ۱۸۰ ریال و..."

"سلیمانی" صاحب یک نوشت‌افزار فروشی میگوید: "متوسط خرید نوشت افزار برای آغاز سال تحصیلی در سطح راهنمایی و دبیرستان رقمی در حدود یکهزار تومان است."

شهریه دانشگاه آزاد طی چند سال اخیر چند بار افزایش یافته است تا جائیکه شهریه یک دانشجو پزشکی به ۵۰ هزار تومان و دندانپزشکی به ۷۰ هزار تومان رسیده است.

کارشناسان می‌گویند: چنانچه شورای اقتصاد استفاده از ارز ترجیحی ۶۰ تومان را در امور فرهنگی مورد تصویب قرار دهد، کلیه هزینه‌های اشاره شده بالا به چند برابر افزایش می‌یابد، از جمله قیمت بلیط سینماتا ۱۵۰۰ ریال بالا خواهد رفت. یک روزنامه ۲۴۰ ریال تمام خواهد شد و کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای باید حدود ۷۰۰۰ ریال به فروش برسد و این گرانی بدون تردید روند حرکت فرهنگی کشور را به توقف خواهد کشاند."

دارو، درد بی درمان

"پرونده دارو پر از وعده‌های دور و نزدیکی است که بیشتر به وعده‌های سر خرمن شباهت دارد و هر بار که زمان آن ها فرا میرسند دست نیافتنی‌تر می‌شوند. علیرغم اینکه بارها وعده برطرف شدن کمبود داروهای حیاتی و حساس داده شده است، اما هنوز به هر داروخانه که سر بکشی با واژه "نداریم" مواجه میشوی. هنوز مردم برای یافتن حتی معمولی‌ترین دارو نیز باید به چندین داروخانه سرکشی کرده و سرانجام دست خالی برگردند و این در حالی است که از ساده‌ترین تا حیاتی‌ترین آنها به وفور در بازار آزاد یافت میشود. منتها با پرداخت ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت اصلی. آخرین وعده حل معضل دارو، اجرای طرح توزیع داروهای تخصصی در ۱۰ داروخانه شبانه‌روزی بوده است که این طرح نیز مشکل کمبود دارو را مرتفع نکرده است. وعده‌های حل مساله دارو همانگونه که اشاره شد بی‌حد و حصر است. تنها به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

- ۶۸/۲/۱۰ معاون وزیر بهداشت: کمبود دارو تا ۶ ماه آینده برطرف می‌شود.
- ۶۸/۶/۱۸ وزیر بهداشت: مشکل داروهای کمیاب را در کمترین زمان حل می‌کنیم.
- ۶۹/۱/۲۰ - فروشندگان داروها در معابر عمومی تعقیب و مجازات میشوند.
- ۷۰/۲/۲۲ معاون دارویی وزیر بهداشت: کمبود دارو و شیر خشک امسال برطرف میشود.
- ۷۰/۳/۶ - وزیر بهداشت: طرح توزیع ۱۰۰ قلم داروی ویژه در داروخانه‌های شبانه‌روزی به اجرا در می‌آید.

صفی که در مقابل داروخانه سیزده آبان ایجاد شده است به بیرون داروخانه نیز کشیده شده است. این تازه صفی است که مردم نسخه‌های خود را به مسئولان داروخانه‌ها نشان می‌دهند. یک نفر از بین صف می‌گوید: "ما انتظار بهبود وضع دارو را نداریم. فقط یک سفارشی به مسئولان داروخانه کنید که ۲ ساعت برای نشان دادن یک نسخه این طور توصف نایستیم". یک نفر آستینش را بالا می‌زند و آثار عمل جراحی روی دستش را نشان میدهد و می‌گوید: با اینکه تازه از بیمارستان مرخص شده‌ام، اما ۲ روز است که برای پیدا کردن دارو همه شهر را زیر پا گذاشته‌ایم". نفر سوم میگوید: "ای بابا شما هم دلتون خوشه ۱۲ ساله که دارید می‌نویسید مسئولان وزارت بهداشت هم ۱۲ ساله که وعده می‌دهند، ما هم ۱۲ ساله توصف می‌ایستیم. آخر هم دارو را از بازار آزاد میخریم" (کیهان ۲۵ مهر ۱۳۷۰)

گزارش از یک محله قدیمی تهران

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به همراه یکی از مامورین تجسس کلانتری ۱۶ از یکی از محلات قدیمی تهران بنام مولوی بازدید و گزارشی در خصوص گسترش فساد و اعتیاد در این محل تهیه نموده‌اند که در زیر گوشه‌هایی از این گزارش را به نقل از خبرنامه فرهنگی - اجتماعی (شماره ۷۳) می‌خوانید:

مدتی است که محله بزرگی در جنوب غربی چهارراه مولوی که از یکصد متری کلانتری ۱۶ تا گود حاجی ماشاالله امتداد دارد، تعداد زیادی از افاغنه مجرد و متاهل را در خود جای داده است. تردد و حضور گسترده این افاغنه به گونه‌ای است که شهروندان تهران نام "چهارراه کابل" را بر آن نهاده‌اند. در اکثر منازل این محلات دو تا هفت اتاق در اجاره افغانیهاست که هر اطاق در اختیار دو افغانی قرار دارد اما شب و روز حدود ۱۰ افغانی دیگر به عنوان دوست و میهمان در این اتاق‌ها بسر میبرند. رئیس کلانتری ۱۶ در مورد وضعیت این محل می‌گوید: نهایت شرمساری و سرافکندگی است که در این محل برخی از هموطنان مازنان و دخترانشان را در اختیار مستاجران افغانی خود قرار می‌دهند و از این طریق کسب درآمد میکنند. وی برای اثبات گفته‌هایش به طرح اختلاف یکی از موجرین افاغنه با زنش - که اخیرا در کلانتری مطرح گردید و در نهایت منجر به متارکه آنان شد - پرداخت و گفت: در این دعوا همسر جوان صاحب خانه مذکور از اینکه شوهرش به کرات او را در اختیار مستاجران افغانیش قرارداده است، شکایت داشت. یکی از ماموران تجسس شهربانی به خبرنگار اظهار داشت: تا به حال بسیاری از افاغنه در حین ارتکاب اعمال منکراتی و قمار و... دستگیر شده‌اند ولی با پرداخت یک جریمه پانصد تومانی آزاد شده‌اند.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی میگوید: نزدیک گود ویران شده حاجی ماشاالله که تا چند سال پیش منزل و ماوای انبوهی از مردم محروم و زاغه‌نشین بود وارد یکی از منازل میشویم. در اتاق، دود ناشی از استعمال مواد مخدر و حضور چند نفر که چهره ظاهری آنها حکایت از اعتیادشان به مواد مخدر دارد توجه ما را جلب می‌کند. یک روسری گلدار زنانه در گوشه اتاق پهن است که آن را برمی‌داریم زیر آن چند زرورق، چوب کبریت سوخته و لوله باریک کاغذی که ابزار مصرف مواد مخدر را تشکیل می‌دهند به چشم می‌خورد. صاحب این خانه پیرمردی است که در روی این اقامت دارد و ماهی یکبار به اینجا سر می‌زند. زن و دختر او که سابقه خوبی ندارند و به ارتباط نامشروع با افاغنه شهرت دارند، در این خانه تنها زندگی می‌کنند. هفت اتاق آنها در اجاره ده افغانی مجرد است.

یادداشت اقتصادی ـ اجتماعی

افزایش سرسام‌آور قیمت زمین و مسکن

بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی قیمت مسکن و زمین در تهران ظرف چند ماه اول امسال بین ۳۰ تا ۶۶/۶ درصد افزایش یافته است. این افزایش تنها مختص شهر تهران نیست. قیمت مسکن در سراسر کشور هر ماه و هر هفته در حال افزایش است.

با افزایش قیمت زمین و مسکن، اجاره خانه‌ها هم به تبع آن افزایش می‌یابند. قیمت خانه‌های دو سه میلیونی چند سال پیش، امروز به ۷-۸ میلیون رسیده است و بالنتیجه اجاره آنها نیز چند برابر بالا رفته است. در حال حاضر میزان رهن خانه‌ها تقریبا معادل قیمت خرید آنها در سالهای گذشته شده است.

بنا بر همین گزارش در تیر ماه سال ۱۳۶۹ هر متر مربع آپارتمان در نقاط مرکزی شهر تهران بین ۱۸ تا ۱۰۰ هزار تومان قیمت داشت. در تیر ماه امسال قیمت هر متر مربع آپارتمان بین ۳۰ تا ۱۸۰ هزار تومان رسیده است که بیانگر افزایش معادل ۳۰ تا ۶۶/۱ درصد است در تیر ماه سال ۶۹ اجاره بها ماهانه خانه‌های آپارتمانی بین حداقل ۷ هزار تومان تا ۲۸ هزار تومان بود. امسال بین ۱۰ تا ۳۵ هزار تومان در نوسان است که افزایش بین ۲۵ تا ۴۵ درصد را نشان میدهد.

وضع مسکن در شهرهای دیگر نیز کمابیش همانند تهران است. به وضعیت چند شهرستان اشاره می‌کنیم:

در شهر رشت خانه‌ای که در سال گذشته با ودیعه ۱۰۰ هزار تومان و اجاره بها ۵ هزار تومان توسط بنگاههای معاملاتی اجاره داده میشد، امسال بدو برابر افزایش یافته است. حتی در اطراف شهر رشت که خانه معمولی در سال قبل با ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان معامله میشد، در حال حاضر قیمت همان خانه از ۱/۵ میلیون تومان فراتر رفته است. سال قبل در مرکز شهر متر مربع خانه بین ۱۰ الی ۱۵ هزار تومان خرید و فروش میشد، امسال این رقم به ۲۵ الی ۳۰ هزار تومان رسیده است. افزایش قیمت خانه و اجاره بها در منطقه گلسار به مراتب بیشتر از سایر نقاط شهر است. در شیراز یک خانه سه اطاق خوابه که قبل از اشغال کویت ماهیانه حداکثر تا پانزده هزار تومان اجاره میرفت با آمدن کویتی‌ها و ساکنان مناطق شیخ‌نشین، اجاره آن تا سی هزار تومان افزایش پیدا کرد. قیمت خانه نسبت بدو سال قبل تا ۵۰ درصد افزایش یافته است یک خانه دویست متری در "معالی آباد" ۵ تا ۱۰ میلیون تومان، در خیابان "نادر" ۳ تا ۷ میلیون تومان، در "قصرالدشت" ۷ تا ۱۲ میلیون تومان و در "خیابان ابریشمی" ۸ تا ۱۲ میلیون عرضه میگردد. در شیراز نظر باینکه شهرداری بابت خودیاری پول‌های کلانی از صاحبان زمین و سازندگان بنا دریافت میکند، کمتر کسی بفکر ساختن واحدهای مستغلاتی است. این اقدام نیز به افزایش اجاره بها منجر شده است.

ایلام با وجود اینکه در رده شهرهای دور افتاده قرار دارد، اما نرخ مسکن در این شهر هم بسیار بالا است. اجار بها در "۲۴ متری اشرفی اصفهانی" برای خانه دو اتاق خوابه آپارتمانی بین ۱۳ تا ۱۸ هزار تومان و یک اتاق خوابه بین ۶ تا ۸ هزار تومان است. یک خانه کلنگی در خیابان سعدی با ۱۱۰ متر زیربنا ۴ میلیون تومان و همین خانه بصورت نوساز تا ۷ میلیون تومان خرید و فروش میشود.

بهمین خاطر مسئله خانه و سرپناه برای انبوهی از مردم کشورمان که فاقد مسکن شخصی هستند، بصورت یک کابوس در آمده است. مردم می‌گویند یک حقوق بگیر با ماهی هفت، هشت هزار تومان دریافتی چگونه میتواند اجاره‌ای بیش از میزان حقوقش را بپردازد و تازه بفرض محال که قادر به پرداخت آن باشد، مبالغ کلانی را که تحت عنوان ودیعه خواسته میشود از کجا باید تهیه کند؟ اجاره بهای یکماهه یک آپارتمان کوچک در تهران بیش از حقوق ماهانه یک کارمند عالیرتبه است. کتیرائی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: "شما وضع مستاجرین را در نظر بگیرید و ببینید که به آنها چه میگذرد. در حال حاضر اگر زن و شوهری هر دو کارمند باشند و منزل استیجاری خود را بهر دلیل تخلیه کنند اگر هر دو حقوق خود را روی هم بگذارند باز هم نمی‌توانند از عهده اجاره مسکن خود برآیند." این وضع گاه مسائل دردناکی را برای مردم بوجود میآورد. همان نماینده می‌گوید: "من افرادی را می‌شناسم که "کلیه" خود را فروخته تا پول پیش پرداخت اجاره یک خانه را تامین کنند".

در مقابل این وضع دردناک، رژیم حاکم تنها وعده تحویل مردم میدهد. وعده‌هایی نظیر: "همه مستاجران صاحب خانه میشوند، احداث حدود ۲ میلیون مسکن در برنامه پنجساله در سراسر کشور در نظر گرفته شده است، قیمت مسکن و زمین کاهش می‌یابد، شهرهای جدید در کشور ساخته می‌شود، از آبانماه سال جاری بانکها در ازای یکصد هزار تومان سپرده تا مبلغ یک میلیون تومان وام مسکن پرداخت میکنند و..." اینها تنها بخش اندکی از وعده‌هایی است که رژیم جمهوری اسلامی در سالهای گذشته به مردم داده است. وعده‌های واگذاری زمین و مسکن قابل شمارش نیست. بعنوان نمونه از سال ۶۵ تا ۶۸ حداقل ۶ بار وعده ساختن ۱۲ شهر یا شهرک جدید توسط مسئولین وزارت مسکن و شهرسازی داده شده است. پرونده وزارت مسکن و شهرسازی سرتاسر وعده است.

مردم دل پرخونی از وعده‌های عمل نشده سران رژیم دارند. آنان می‌گویند بر خلاف وعده‌هایی که تاکنون در مورد مسکن داده شده است، قیمت مسکن و میزان اجاره خانه‌ها بالارفته است.

بالا رفتن قیمت مسکن و زمین و بالنتیجه میزان اجاره خانه‌ها دلایل متعددی دارد. یکی از علت‌های آن حرکت سرمایه‌های سرگردان بطرف مسکن و زمین و رواج شدید بورس‌بازی در خرید و فروش خانه و بساز و بفروشی است. بعداز تعطیل شرکت‌های مضاربه در سال گذشته بخشی از سرمایه‌های سرگردان به سوی مسکن و زمین سرازیر شدند. این امر در افزایش سرسام آور قیمت مسکن تاثیر زیادی داشت. این نکته را در اظهار نظر مردم هم میتوان مشاهده کرد: "اگر میخواهید راجع به نرخ مسکن در تهران چیزی بنویسید بیایید قیمت زمین را از سالهای اول انقلاب تا امروز مشروحا استخراج کنید و به بینید که در کجای دنیا این همه تفاوت ظرف چند سال ممکن است اتفاق بیفتد. علت این افزایش‌ها چیست و وضع در سالهای بعد چگونه خواهد شد؟ اگر این قیمت‌ها را استخراج کنید، معلوم میشود که بساز بفروشها چقدر طی این مدت عایدشان شده است." (کیهان ۷ مردادماه ۱۳۷۰)

علت دیگر گرانی مسکن را باید در عوارض سرسام آور شهرداری و افزایش قیمت مصالح دید. زمانی که مردم مبالغ فوق‌العاده کلان به عنوان عوارض شهرداری پرداخت می‌کنند و برای گرفتن آهن و دیگر مصالح ساختمان حداقل دو سال در نوبت مانده و سرانجام یک پاکت سیمان را ۴ تا ۵ برابر قیمت دولتی از بازار آزاد تهیه می‌کنند، طبعا در چنین شرایطی قیمت مسکن افزایش خواهد یافت.

افزایش قیمت کالاها و خدمات نیز تاثیرات خود را بر بالا رفتن اجاره خانه‌ها میگذارد. به حرف یکی از صاحب خانه‌ها در مقابل اعتراض مستاجر برای بالا بردن میزان اجاره توجه کنید: "به بین آقا! من کاری به این حرفها ندارم. همه چی رفته بالا گوشتی که تا دو ماه پیش ۲۰۰ تومان بوده آلان ۴۰۰ تومان شده است. دست رو هر چی بگذاری هیچ که زیاد نشده باشد، ۵۰ درصد اضافه شده است".

وضع اسفبار مسکن و افزایش روزافزون اجاره خانه‌ها بیشترین فشار را بر اقشار کم درآمد جامعه وارد میآورد. بگفته علیرضا محجوب (دبیر کل خانه کارگر) بیش از ۴۹ درصد از جامعه ۲/۵ میلیون نفری کارگری در سراسر کشور فاقد مسکن هستند. بگفته او امروز بیشترین بخش دستمزد کارگران به مسکن اختصاص دارد. کارگران و کارمندان با وعده‌هائی که سران رژیم در سالهای اول انقلاب در مورد حمایت از تعاونی‌ها دادند، امیدوار بودند از طریق عضویت در تعاونی مسکن بالاخره صاحب خانه شوند و از مشکلات بیشمار اجاره نشینی رهایی یابند. ولی با عدم حمایت جدی تعاونی‌ها توسط حکومت اسلامی، این امیدها به یاس منجر شد.

اکنون مسئله مسکن بیک معضل جدی و بیک مسئله لاینحل مردم بویژه اقشار متوسط و پائین جامعه تبدیل شده است. این مسئله با افزایش شتابان جمعیت، بالا رفتن آمار ازدواج و ادامه مهاجرت روستائیان به شهر حدت بیشتری پیدا میکند.

www.iran-archive.com

"رطب خورده منع رطب کی کند"

بهروز خلیق

مجلس شورای اسلامی بعد از گذشت دو ماه و نیم از سخنرانی خامنه‌ای در مورد تجمل گرائی، جزئیات "طرح نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیرضرور و جلوگیری از تجمل گرائی" را تصویب کرد. خامنه‌ای در اواخر مرداد ماه در مورد کشمکش بین جناح ها، "تهاجم فرهنگی" و "تجمل گرائی" مسئولین کشور نطق پر سروصدائی کرد که در مطبوعات کشور بطوروسیع بازتاب یافت. مقاله نویسان روزنامه‌های وابسته بدولت مقادیرهنگفتی در مذمت تجمل گرائی قلمفرسائی کردند و پندهای زیادی به مسئولین دادند. ولی کارگزاران حکومت کوششان بدمکاراندرزهای جماعت قلم بدست نبود. بنوشته روزنامه ها با این موج برخاسته آب از آب تکان نخورد و روساهم چنان از مزایای ریاستی بهره خودرا گرفتند.

بخشی از نمایندگان مجلس شورا بعد از سخنان خامنه‌ای، طرحی را دراین زمینه تدوین کردندکه همانموقع کلیات آن در مجلس به تصویب رسید. در طرح مصوبه مجلس پیش‌بینی شده است که ظاهرا جلوی هزینه‌های غیر ضروری گرفته شده و نمایندگان مجلس، استانداران و معاونان آنها، مسئولان قوه قضائیه و کلیه صاحب منصبان مهم کشور موظفندلیست دارائی خود را قبل از پذیرش مسئولیت و بعداز آن تهیه و در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار دهند تا از طریق دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار گیرد. مضمون این ماده که در حقیقت اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی است و بعنوان "از کجا آورده‌ای؟؟" معروف شده است، سالهای قبل نیز در مجلس شورا طرح گردید و طرحی نیز در اجرای این اصل به تصویب رسید ولی آن طرح روی کاغذ ماند. با توجه به تجربه مورد قبلی و وجود موانع زیاد در این زمینه نمیتوان باجرای آن خوش بین بود بعلاوه شورای نگهبان ماده ۵ و تبصره های آنرا بلحاظ تسری دادن رسیدگی به دارائی سایر مقامات خلاف اصل ۱۴۲ قانون اساسی تشخیص داده است.

در طی حکومت جمهوری اسلامی تشر نوپای بورژوازی بوروکراتیک در بطن دستگاه اداری شکل گرفته و پیوسته قربه و قربه تر شده است. این بورژوازی که با دستگاه روحانیت عجین شده است بسادگی تن به اجرای طرحی نخواهد داد که با منافع آن اصطکاک هائی دارد. بعلاوه غول بوروکراسی زائیده انواع ناهنجاریها و فسادهاست. مسئله ریخت وپاش و تجمل گرائی تنهایکی از عوارض آن است که در سالهای اخیر بطور چشمگیری افزایش یافته است. بگونه‌ای که در مطبوعات کشور انعکاس یافته و خامنه‌ای آنرا بعنوان تهدیدی برای موجودیت نظام جمهوری اسلامی بحساب آورده است.

تجمل گرائی در تمام وجود زندگی بخش مهمی از کارگزاران کشور رسوخ کرده است. استفاده از اتومبیل های گران قیمت دولتی، مسافرت های بیموده خارجی و دادن ارز دولتی و فوق العاده، ماموریت برای کسانی که برای کار شخصی بخارج می‌روند و دکوراسیونهای مجلل دفاتر کار روسا، سکونت در خانه‌های لوکس و گران قیمت مصادره‌ای، استفاده از امکانات دولتی در کارهای شخصی، ساختمان سازیهای عریض و طویل در کنار دریا برای تعطیلات تابستانی و برای سکونت، استفاده بی مورد از هواپیماهای اختصاصی با وجود خطوط هوائی عمومی، بخشیدن امکانات و اعتبارات دولتی به بعضی از جمعیت ها، راه انداختن میهمانی‌های مجلل و پهن کردن سفره‌های پرهزینه بخرج دولت برای کسب وجهه از جمله آنهاست.

سالانه دست کم دو هزار نفراز کارگزاران حکومت با پاسپورت سیاسی و ۱۵ هزار نفر دیگر با گذرنامه خدمت بعنوان ماموریت به کشورهای مختلف جهان مسافرت می‌کنند. جداز سفرها، اعضای هیئت های اعزامی هر سال افزایش می‌یابد. تعداد زیادی از این مسافرت ها زاید و ساختگی است و ضرورتی برای راه انداختن هیئت ها با عده زیادی وجود ندارد. کارگزاران حکومت با سو استفاده از موقعیت خود چنین مسافرت هائی را برای خود می‌تراشند. عده‌ای از آنها اعضا خانواده‌های خود را بخرج دولت در مسافرت های خارج از کشور بهمراه خود می‌برند و موقع برگشت باسو استفاده از مصونیت سیاسی وسایل لوکس را که ورود آنها بکشور ممنوع است، بعنوان سوغاتی بهمراه خود می‌آورند. یکی از خوانندگان روزنامه کیهان در تماس تلفنی می گوید:

از وزارت ...زنگ می‌زنم چندی پیش یک هیات ۴۰ نفره از جمهوری اسلامی برای شرکت در کنفرانس عازم یک کشور خارجی شد. تنها ۷ نفر میهمان رسمی این کنفرانس بودند. هزینه بقیه از بیت المال پرداخت شد و جالب این است که اعضای هیات کشور میزبان تنها ۸ نفر بود (کیهان ۲۵ شهریور ۷۰). عده‌ای از مسئولین مثلا برای ماموریت یک هفته‌ای به کشوری میروند اما سفرشان مدتها طول می‌کشد و در راه بازگشت نیز از چند کشور دیگر بی‌دلیل دیدن می‌کنند. رسالت در این مورد نمونه هائی را ذکر کرده است: کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در زمستان سال ۶۷ سفری به زلاند نو داشت. در مراجعت چند روزی به پکن می‌رود سفارت مادر چین به دلیل تراکم سفر هیئت ها و نبود وقت کافی برای برنامه‌ریزی برای بهره برداری مناسب، قبلا با این سفر مخالفت کرده بود. متاسفانه با فشار تهران اینکار انجام می‌شود. اعضای کمیسیون پس از دو روز اقامت در پکن و یکی دو بازدید کم ارزش تصمیم به مراجعت به تهران می‌گیرند. ولی هواپیمائی تمام بلیطهایش تائید شده بود و جائی برای آنان نبود. پس از مذاکرات تلفنی بسیار با تهران به دستور مرکز، ۱۴ نفر از مسافرانی که بلیط تائید شده در دست داشتند از سوار شدن به هواپیما ممنوع می‌شوند و به جای آن ها این آقایان را سوار می‌کنند. علت هم ضرورت شرکت در جلسه مهم مجلس ذکر می‌شود. مسافران مزبورکه بعضا بیمارهم به همراه داشتند در اعتراض به این عمل غیر قانونی در سفارت جمع می‌شوند و روال عادی کار سفارت به هم می‌خورد و به ناچار موقتا آنان را در سالنی از سفارت اسکان میدهند و بعد دفتر هواپیمائی جمهوری اسلامی طبق وظیفه قانونی خویش آنان را به هتل می‌برد و چند روز فذادر سفارتخانه و هتل هم به خرج هواپیمائی جمهوری اسلامی تهیه می‌شود تاپرواز بعدی قادر به مراجعت می‌گردند.

و نمونه دیگر: یک نماینده سرشناس مجلس در شهریور ماه ۶۹ بهمراه همسرو ۵ پسرش و یکی دو نفر دیگر (جمعا ۹ نفر) به دعوت شرکت ژاپنی ان -ا-سی ۲ (شرکت ان -ا-سی طرف قرار داد چندین وزارتخانه از جمله وزارت پست و بلگراف و تلفن درایران است) چهارده روز به ژاپن سفر می‌کنندو در مراجعت با اینکه پرواز مستقیم توکیو - تهران هم وجود دارد، باز هم به اصرار به پکن می‌روند و در سفارت اسکان می‌یابند و بعداز دو سه روزی تفرج و خرید به تهران باز می‌گردند (روزنامه رسالت ۲۸ خرداد ۷۰). برخی از مسئولین که عازم کشورهای خارجی هستند طوری برنامه سفرخود را تنظیم می‌کنند که حتی المقدور توقف یک تا دو روزه برای خرید وسایل لوکس دردوبی داشته باشند که تنهایکی از نتایج این کار افزایش هزینه بلیط هواپیماست که بر بودجه کشور سنگینی می‌کند.

هزینه اقامت کارگزاران رژیم در مسافرت های خارج از کشور رقم های بالائی است که از بودجه کشور پرداخته می‌شود. یکی از کارمندان وزارت امور خارجه می‌گوید: هزینه اقامت یکی از مسئولان در یکی از هتل های یک کشور اروپایی در طول چند روز بالغ بر سی هزار دلار شده است. و یا در سفر مسئولان به مکه که عده‌ای با خانواده به سفر حج مشرف شده‌اند هزینه گزافی بابت اقامت آنها به بیت المال مسلمین تحمیل شده است" (روزنامه کیهان ۲۴ شهریور ماه ۷۰).

ترورهائی که در سالهای گذشته صورت گرفته بهانه‌ای دست کارگزاران حکومت داد تا با عنوان تدابیر امنیتی سوار بنزهای ضد گلوله شوند و در خانه‌های مصادره‌ای سکنی گزینند. این بهانه مدتهاست که دیگر منتفی شده است اما آنان همچنان بر بنزهای ۱۰ میلیون تومانی سوار شده و بدون اهمیت به صف های طولانی اتوبوس ها با سرعت باد از خط ویژه می‌گذرند و حتی مقررات راهنمائی را رعایت نمی‌کنند و پشت هیچ چراغ قرمز توقف نمی‌کنند. وزراء و معاونین آنها، روسای سازمانهای دولتی، نمایندگان مجلس، عده زیادی از روحانیون و ائمه جمعه از ماشین لوکس و گران قیمت استفاده می‌کنند. برخی از آنها زیاده از حد مشکل پسند هستند. بنوشته مطبوعات کشور اخیرا برای مدیر عامل یکی از سازمانهای دولتی بنز گران قیمت و شیکی خریدند که ایشان آنرا نپسندیدند. ماشین بنز را با ۴/۵ میلیون تومان زیر قیمت در بازار فروختند.

سران رژیم از تعداد این ماشین ها سخنی بمیان نمی‌آورند ولی آنچه مسلم است رقم سازمانهای دولتی و آخوندهای مهم! و ائمه‌جمعه خیلی بالاست. اگر هزینه خرید و نگهداری این ماشینها محاسبه شود بدون شک رقم فوق‌العاده زیادی خواهد بود.

کارگزاران دولتی از این اتومبیل ها و سایر ماشین های دولتی برای رفت و آمد خانواده خود و کارهای شخصی و تفریح و گردش استفاده می‌کنند. مردم هر روز جلو مدارس خوب تهران ماشین های لوکس دولتی را می‌بینند که برای بردن فرزندان کارگزاران دولتی منتظر هستند. یکی از خوانندگان روزنامه کیهان در تماس تلفنی می‌گوید: معاونان وزارت ...اتومبیل وزارتخانه را با راننده در اختیار خانه و بچه‌هایش قرارداده و این اتومبیل دائم در مسیر مدرسه و فروشگاه و غیره در رفت و آمد است و نکته مهم این است که این آقا یک رنو و یک تویوتا نیز دارد (کیهان ۲۵ شهریورماه).

در سالهای اخیر وزراء و روسا و مدیران سازمانهای دولتی دیگر کارگزاران مهم حکومتی همراه با استفاده از ماشین لوکس و سکونت در خانه‌های مجلل، پولهای گزافی را برای تغییر دکوراسیون دفاتر کار خود و معاونانشان صرف می‌کنند. این کار آنچنان گسترده است که در مطبوعات هم وسیعا بازتاب پیدا کرده است. یکی از کارمندان دولتی می‌گوید: سازمان ما بعداز انقلاب تا کنون حدود ۲۰ مدیر عامل و یا سرپرست به خودش دیده است. اخیرا مدیرجدید منصوب شده که او به محض ورود به سازمان، دستور تغییر دکوراسیون اتاق خودرا صادر نمود که کارگران ساختمانی، مهندسان، نقاشان و دکوراتورها به کارافتاده و تغییرات لازم انجام شد. تنها هزینه تزئین میز ایشان به بیش از ۳ میلیون ریال بالغ گردیده است" (کیهان ۲۰ شهریور ۷۰) و "سری به ساختمان اداره...درنزدیکی کاخ نیاوران بزنید تا به بینید که از یکسال پیش تا کنون صدها هزار تومان صرف تزئین این ساختمانها شده است. کمتر شیئی را که ایرانی باشد در این ساختمانها می‌توان دید" (کیهان ۲۵ شهریور) و بگفته روزنامه رسالت (۲۸ مرداد ماه ۷۰): ظرف چند سال اخیر طبقات ۸ و ۹ و ۱۰ ساختمان مرکزی یک شرکت دولتی یعنی محل استقرار مدیران، آنچنان تغییرات محیرالعقولی کرده که دکوراسیون آن چشم هر بیننده را خیره می‌کند و حقوق مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره آن به ۱۰۰ هزار تومان صعودنموده.

یکی دیگر از اسراف کاریهای کارگزاران حکومتی تبریک و تسلیت گفتن های مداوم در روزنامه هاست. به محض اینکه وزیری، معاونی، مدیر کلی و رئیسی عمده دار مسئولیتی می‌شود سیل اگهی‌های تبریک به روزنامه سرازیر می‌شود. مسابقه بر سر تبریک گفتن آغاز می‌شود و هر سازمان و مقامی سعی می‌کند که زودتر از دیگران وظیفه خود را ایفانماید.

کارگزاران حکومتی ماهانه میلیونها تومان صرف دادن آگهی‌های مختلف تبریک و تسلیت به یکدیگر می‌کنند. این آگهی‌ها، هزینه‌های سنگینی را بر بودجه کشور تحمیل می‌کند و فرهنگ تملق و چاپلوسی را رواج می‌دهد.

تعداد آگهی‌هایی که در روزنامه‌ها چاپ می‌شود بسیارزیاد است وبرای شمارش آنها باید وقت زیادی را تلف کرد. طبق یک آمار مندرج در مطبوعات کشور، تعداد آگهی‌های صفحه اول در دو روزنامه صبح و دو روزنامه عصر به ۳۷۵ فقره و هزینه آنها بالغ بر ۳ میلیون و ۲۳۰ هزار تومان بوده است. طبق همین آمار بیشترین تعداد و بالاترین میزان هزینه مربوط به سازمانها، شرکت ها و یا مقامات دولتی بوده است بطوری که تعداد آگهی‌های دولتی بالغ بر ۲۸۶ فقره و مبلغ آن حدود ۲ میلیون و ۳۳۵ هزار تومان شده است. تعداد آگهی‌های افراد شخصی و موسسات خصوصی ۷۳ فقره و مبلغ ۶۳۶ هزار تومان بوده است. چنانچه میزان آگهی‌های مندرج در دیگر صفحه‌های این چهار روزنامه و همچنین تعداد آگهی‌های چاپ شده در دیگر روزنامه‌ها و مجلات را حساب کنیم، پولی که بابت آنها پرداخت شده سر به دهها میلیون خواهدزد.

راه انداختن ضیافت ها به مناسبت های مختلف از جمله ضیافت های افطار از طرف مسئولین دولتی یک جنبه دیگر از اصراف کاریها و ولخرجیها ست. تا کنون در مطبوعات بدفعات نمونه‌هائی از این ولخرجیها درج شده است. در این ضیافتها اکثرا تعداد زیادی مهمان دعوت می‌شود و بودجه زیادی صرف می‌شود. روسا بدین طریق برای خود موقعیت وحیثیت کسب می‌کنند. آنان به بودجه موسسات دولتی چون اموال بی صاحب می‌نگرند.

استفاده بی مورد از هلی‌کوپتر و هواپیمای شخصی نیز بین مسئولین بشدت رایج شده است. بگفته یکی از مسئولین در حال حاضر رقم پروازهای داخل وزارتخانه‌ها تقریبا به اندازه پروازهای شرکت های هواپیمائی داخلی است (کیهان ۲۴ شهریور ۷۰).

زندگی در خانه‌های مجلل به عادت عمومی کارگزاران رژیم تبدیل شده است. آنها ویلاها و خانه‌های لوکس سران رژیم شاه را مصادره کرده و به تملک خود در آورده‌اند. بر اثر افشاگری هائی که در مجلس شورا در دعوای بین جناح ها انجام می‌گیرد، گاه گوشه‌ای از این دستبردها به اموال دولتی به بیرون درز می‌کند. بارها در مجلس اسامی نمایندگان و یا سران حکومتی اسم برده شده است که چگونه در خانه های "طاغوتی" مستقر شده‌اند. بخشی از کارگزاران بعد از رسیدن به مصادر حکومتی، با سلیقه خود خانه های مجلل ساختند. بنوشته مطبوعات خارجی، موسوی اردبیلی رئیس پیشین دیوان عالی کشور با صرف ۸۲۰ میلیون تومان و استخدام چند نفر از معماران کاخ های شاه برای خود کاخی ساخته است.

عده‌ای از مسئولین به جای استفاده از خانه شخصی، آنرا با قیمت روز اجاره می‌دهند و خود در خانه سازمانی زندگی می‌کنند. بعلاوه کارگزاران از امتیازات ویژه‌ای در عرصه‌های مختلف بهره‌مند هستند. بنوشته روزنامه رسالت عده‌ای از آنها برای ورزش و شنا از باشگاه های ویژه نظیر باشگاه پیام مخابرات و یا ورزشگاه دانشکده افسری و باشگاه ولی عصر (قصر یخ سابق) استفاده می‌کنند.

طبعا کارگزاران رژیم در چنین شرایطی تنها به حقوق ماهانه خود اکتفا نکرده و باشکال مختلف از جمله رشوه خواری، بندو بست با شرکت های خصوصی، فروش امتیازها، اخذپورسانتاژ، عضویت در هیات مدیره شرکت ها، احداث موسسات و مراکز اقتصادی، استفاده از امکانات دولتی، اخذ وام های کلان، گرفتن ارز ۶۰ تومانی برای واحد های تولیدی و فروش محصولات به قیمت بازار آزاد به درآمدهای کلانی دست می‌یابند. به دو نمونه که از مطبوعات کشور اخذ شده است، توجه کنید: "نماینده‌ای از نمایندگان، امتیازاتی را به خود اختصاص داده، صاحب خانه است. ویلائی در شمال شهردارد و باماشین مدل بالا رفت و آمد می‌کند. بعنوان عضو غیر موظف چند شرکت وابسته به یکی از نهادها، حقوق مضاعف دریافت می‌کند. شایع هم هست که چند موافقت اصولی برای خود و خویشان دریافت کرده و اجناس مورد نیاز را براحتی تهیه می‌کند (رسالت ۲۸ مرداد ۱۳۷۰) و "دیروز با پیکان رفت و آمد میکرد اما امروز او را سوار بنز ۱۲ میلیون تومانی می‌بینندکه یکی از شرکت های تابعه برایش خریده است. دفتر کار معاونان ایشان در حال تغییر دکوراسیون است با هزینه ۷-۸ میلیون تومان! قبلا در یک خانه سازمانی زندگی می‌کرد در بهارستان، کاف نکرده دستور داده خانه‌ای را در خیابان افریقا گچ بری کنند. این خانه بعنوان دفتر کار خریداری گردیده ولی امروز محل زندگی "رئیس سازمان" است! ...خانه‌ای در اکباتان دارد که ماهی ۱۸۰۰۰ تومان اجاره می‌دهد. طبق مصوبه سال ۱۳۶۵ هیئت دولت، زمینی را در شمال تهران گرفته و مشغول ساختن آن است. (همان منبع)

زمانی که مسئله تجمل گرائی توسط خامنه‌ای مطرح گردید و در مطبوعات وسیعا انعکاس یافت بخشی از مسئولین در خدمت تجمل گرائی داد سخن گفتند و درست حکایت آن دزدی را پیش بردند که در حال فرار خودش هم مثل دیگران می‌دوید و می‌گفت آی دزد آی دزد و درآن میان معلوم نبود که دزد کیست.

روزنامه کیهان نمونه‌ای از این برخوردها: دردانشگاه مایکی از مسئولین کاراداری که خود ماشینی دراختیاردارد چندروز پیش درمذمت تجمل گرائی برای دانشجویان دادسخن می‌گفت. در همان حال عده زیادی میدانستند که این حضرت خودش رطب خورده است و از بیت المال ۵ خودرو در اختیاردارد یک بنزو یک بی ام و برای استفاده داخل شهر یک پاترول برای مسافرت برون شهری، یک پیکان هم در خدمت عیالش است و اخیرا هم از طریق مرز و با رابط بازی یک تویوتا به کلکسیون اتومبیل هایش اضافه شده است" (کیهان ۱۵ مهر ۷۰).

فساد و تجمل گرائی در بین کارگزاران رژیم آنچنان رسوخ کرده است که بسادگی و با یک مصوبه قابل رفع نیست. آنان که در دم و دستگاه دولتی به نان ونوائی رسیده‌اند، چگونه می‌توانند به مبارزه با تجمل گرائی و فساد عمیق و گسترده در دستگاه دولتی برخیزند. "رطب خورده منع رطب کی کند".

www.iran-archive.com

مسایل مورد اختلاف

ف. تابان

■ دو خط‌مشی

کنگره دوم سازمان ما مشی پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی را مجدداً مورد تایید قرار داد. این مشی بر مبنای ارزیابی معینی از ایدئولوژی، ساختار، سیاست، قانون اساسی و شیوه‌های حکومت کردن جمهوری اسلامی قرار دارد و این رژیم را مانع اساسی تحقق دموکراسی - به مثابه خواست بنیادین برنامه سیاسی ما - می‌داند. بنابراین ارزیابی، روند فعلی تحولات در کشور و چشم‌اندازهای آتی، تغییری در این واقعیت به وجود نمی‌آورد و امکان تحولی مثبت و قابل اتکا در درون رژیم را نوید نمیدهد. کنگره خواستار استقرار دموکراسی در شکل جمهوری پارلمانی و فدراتیو به جای رژیم کنونی گردید و تصریح کرد که برای دستیابی به اهداف فوق و تحول دموکراتیک در جامعه، طرفدار سازماندهی جنبش اعتراضی در اشکال متنوع آن است، هیچ شکل از مبارزه را مطلق یا محکوم نمی‌کند و حق مردم در اعمال قهر متقابل علیه قهر و سرکوب رژیم را به رسمیت می‌شناسد. در عین حال کنگره تاییدکرد که خواهان اعمال قهر و خشونت در مبارزه سیاسی نیست، طرفدار گذار مسالمت‌آمیز به دموکراسی است. انتخابات آزاد را مناسبترین شکل تحول دموکراتیک در ایران می‌شناسد و حداکثر تلاش خود را در این جهت به کار خواهد برد. بالاخره بر این نکته تصریح شد که اساس این خط‌مشی بر بسیج توده‌ای و اتکا به مبارزات مردمی قرار دارد. کنگره برای تحقق دموکراسی در ایران نیروهای دموکرات جمهوری‌خواه، ملی و ملی - مذهبی را به همکاری در سطوح مختلف از جمله تشکیل جبهه جمهوری خواهان به عنوان آلترناتیو رژیم فعلی دعوت کرد.

این خط‌مشی که پس از کنگره اول راهنمای عمل سازمان ما قرار گرفت، بدلیل مخالفت قاطع و پیگیرش با رژیم استبدادی جمهوری اسلامی، بدلیل خواست تغییر بنیادی قدرت سیاسی و به دلیل اتکای آن بر مبارزه توده‌ای به عنوان اهرم اصلی ایجاد تغییرات، یک مشی رادیکال است و در عین حال بدلیل انعطاف آن در گزینش اشکال مبارزه سیاسی، پرهیز از مطلق‌گرایی در گذار به دموکراسی، تاکید بر استفاده از جنبه‌های مثبت رفرمیسم و بالاخره در عرصه اتحاد با سایر نیروهای دموکرات، ترقی‌خواه و ملی از انواع رادیکالیسم افراطی متمایز است.

خط مشی‌ای که در کنگره دوم در اقلیت قرار گرفت با طرح خواسته پایان دادن به جمهوری اسلامی مخالفت کرد، هدف خود را تحقق دموکراسی اعلام کرد و از تعیین شکل دولتی این دموکراسی خودداری کرد. مشی خود را در واداشتن رژیم به برگزاری انتخابات آزاد خلاصه کرد، شیوه‌های قهرآمیز، غیرقانونی و رادیکال مبارزه را پیشاپیش مردود اعلام نمود، تحول مسالمت‌آمیز را یگانه راه گذار به دموکراسی اعلام کرد و برای دستیابی به مجموعه اهداف خود یک مبارزه علنی و قانونی را پیشنهاد داد. این مشی به دلیل آنکه برای تحقق اهداف خود به تحول از بالا نظر دارد و در گزینش شکل مبارزه به شیوه‌های قانونی اتکا دارد بیانگر نوعی لیبرالیسم در مبارزه سیاسی است.

در این مقاله کوشش شده جنبه‌هایی از اختلافات اساسی این دو مشی مورد بررسی قرار گیرد و بدین منظور مقاله‌های "انتخابات آزاد یا انقلاب سیاسی؟" (کار شماره ۱۲) نوشته آقای بیژن حکمت که به تصریح خود وی دیدگاه جمهوری خواهان ملی ایران را منعکس میسازد و صریحترین توضیحات را در مورد مبانی لیبرالیسم سیاسی ارایه داده و هم‌چنین "گفتگویی پیرامون هویت، خط مشی سیاسی و مساله ملی" (کار شماره ۱۸) نوشته رفیق فرخ نگهدار که روشن‌کننده‌ترین مقاله در توضیح این مشی در سازمان ماست و سند "رئوس خط مشی سیاسی ما" به امضای رفیق جواهری که مورد تایید اقلیت کنگره قرار گرفت (کار ۲۳) مورد استناد قرار گرفته است.

■ دو ارزیابی متفاوت

یکی از اساسی‌ترین وجوه اختلاف دو مشی فوق بر ارزیابی متفاوت از رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. مشی اکثریت کنگره سازمان ما این رژیم را مانع اساسی تحقق دموکراسی در جامعه می‌داند، به استحاله یا تحول درونی مثبت آن اعتقاد ندارد و به همین جهت خواستار پایان دادن به آن است. یک چنین ارزیابی‌ای، از سوی مخالفین آن به مطلق‌گرایی متهم است و گفته می‌شود که نمی‌توان امکان تحول مثبت در درون رژیم را نفی کرد به ویژه این که همه جهان در حال تحول است

درباره ماهیت ارتجاعی این رژیم تاکنون بسیار گفته شده و در اینجا قصد تکرار همه آنها نیست. این رژیم به دلیل نفی رسمی و عملی اراده مردم، تعطیل و سرکوب کلیه آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک، لگدمال کردن حقوق اجتماعی مردم، حاکم کردن دین بر دولت و جامعه و دهها دلیل دیگر یک رژیم ارتجاعی است و باید از قدرت برکنار شود. در این عرصه باید کاملا ماهیت‌گرا بود و لحظه‌ای نیز از کوشش برای برکناری چنین رژیمی غافل نماند آنچه که می‌تواند مورد گفتگو قرار گیرد نه اصل این موضوع، بلکه چگونگی تحقق آن است. آیا این رژیم به‌هر دلیل دچار استحاله و تغییرات درونی تا آن اندازه‌ای می‌شود که به نفی خویش برخیزد و به یک رژیم دموکراتیک تغییر یابد یا چنین ظرفیتی در آن وجود ندارد و باید آن را برکنار کرد و به جایش یک قدرت دمکراتیک را مستقر نمود؟

وقتی از عدم امکان تحول در رژیم سخن می‌رود منظور پیش‌گویی‌های غیرمسئولانه نیست. از بحث بر سر این موضوع که آیا جمهوری اسلامی هرگز و یا حتی ۵ یا ۱۰ سال دیگر تحولاتی را از سر می‌گذراند یا نه و دامنه این تحولات چقدر خواهد بود، قطعا کسی سودی نخواهد برد. پیش‌بینی‌هایی نظیر اینکه در یک تحول دمکراتیک ممکن است رژیم برود، حکومت بماند یا حکومت هم برود حکومتگران بمانند و امثال این گونه پیش‌بینی‌ها نیز مسئله امروز نیست. وقتی از امکان یا عدم امکان تحول در رژیم سخن می‌رود منظور روندهای فعلی و آینده قابل پیش‌بینی است تا بتوان خط مشی سیاسی خود را بر آن پایه متکی ساخت. زیرا به تایید آقای حکمت نیز: "اتخاذ سیاست ناشی از برداشت ما از روند تحولات جامعه در برش معینی است".

کسانی که می‌خواهند از تحولات کمونیست‌ها ضرورت تحول در جمهوری اسلامی را نتیجه بگیرند و دیگران را به داشتن سرشت ویژه و ندیدن تحول در حکومت فقها متهم می‌کنند خوب است به این موضوع نیز بیندیشند که به طور مثال آیا اپوزیسیون غیرحزبی رژیمی مثل رژیم استالین در اوج سرکوبگری‌های او در سال‌های ۳۰ و ۴۰ حق داشتند به امید آنکه روزی روزگاری گارباچفی ظهور خواهد کرد، مبارزه خود مبنی بر برکناری رژیم وی را تابع توهماتی چون امکان استحاله وی و مصالحه با او سازند؟ مخالفین کمونیست‌ها، نه در غرب و نه در خود شوروی هرگز دچار چنین توهمی نشدند. مجموعه سیاست‌ها و عملکردهای کنونی جمهوری اسلامی نیز تحولی جدی در این حکومت که بتواند خط مشی ما را دگرگون کند، نوید نمی‌دهد. ما نمی‌توانیم با توهماتی نظیر آنکه ممکن است از درون جمهوری اسلامی کسانی سربلند کنند و راهگشای دموکراسی گردند، خود را سرگرم سازیم. اگر روزی چنین واقعیاتی اتفاق افتاد البته می‌توان در مورد خط مشی پایان دادن به رژیم تجدید نظر کرد.

اما نه با استناد به مخالفت با ماهیت‌گرایی در سیاست (روش رفیق نگهدار) و نه با استناد به تحول در احزاب کمونیست و رهبران سابق کشورهای بلوک شرق (روش آقای حکمت) نمی‌توان به اثبات چنین موضوعی پرداخت. فاکت‌های مورد اشاره نظیر کاهش فشارهای اجتماعی، سفر گالیندوپل و وجود چند نشریه فرهنگی - ادبی دایم در معرض تهاجم و خطر تعطیلی، اشاراتی هم‌چون تغییر سیاست دول بزرگ و تغییر فکری در کادرهای رژیم، برای اثبات تحول در جامعه و جمهوری اسلامی یا آنقدر کم اهمیت و یا آنقدر مبهم هستند که در برابر ادامه اختناق و استبداد حاکم، سرکوب‌های بی‌امان، اعدام‌های زندانیان سیاسی و ده‌ها فاکتی که نشانه آن است که سرکوب حتی دامن گروه‌هایی از خود رژیم را نیز در برگرفته، نمی‌توان بر آنها متکی شد. انتخابات مجلس چهارم بیانگر این واقعیت است که چگونه حکومت در کار تمرکز بیشتر قدرت است و ما پس از ۱۳ سال تجربه باید دریافته باشیم که وقتی آزادی بیان و انتخاب حتی برای جناح‌هایی از رژیم زیر سوال می‌رود، نمی‌توان در انتظار نشانه‌هایی از فضای بازسیاسی برای دگراندیشان بود. برنامه تمام جناح‌های این رژیم ارتجاعی و ضدآزادی است و اگر نیز تحولی در کادرهای رژیم صورت گیرد و تا آن اندازه جدی باشد که به "مصالحه با خواست‌های مردم" بیانجامد، تجربه گذشته نشان داده که چنین کادرهایی هیچ راهی جز بریدن از رژیم و پیوستن به اپوزیسیون نخواهند داشت و اگر خود آنها مایل به چنین کاری نباشند، رژیم مجبورشان خواهد کرد.

اما مشی لیبرالی، بر امکان تحول در جمهوری اسلامی متکی نیست و عقب‌نشینی و مصالحه آن با مردم را یگانه چشم‌انداز واقعی می‌بیند و جز این ارزیابی با هیچ استدلال دیگری نیز نمیتوان انتخابات آزاد را به عنوان یک خط مشی سیاسی مطرح کرد. روی دیگر انتخابات آزاد به عنوان یک مشی سیاسی، مصالحه با رژیم و تاکید بر عقب‌نشینی آن در برابر خواست‌های مردم است. هم آقای حکمت و هم رفیق نگهدار و هم سند رفیق جواهری به صراحت ارتباط انتخابات آزاد را با مصالحه با رژیم و عقب‌نشینی آن توضیح داده‌اند.

آقای بیژن حکمت ضرورت انتخابات آزاد را از هدف مصالحه با رژیم نتیجه میگیرد و می‌نویسد: "اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه از سوی اپوزیسیون مردم‌سالار میتواند به گشایش فضای سیاسی و ایجاد امکانات مبارزه مسالمت‌آمیز در ایران کمک کند. سیاست انتخابات آزاد بر این ارزیابی مبتنی است و هدف آن نه برانداختن حکومت، بلکه واداشتن آن به مصالحه است" و هم‌چنین از قول بیانیه رسمی جمهوری‌خواهان ملی ایران: "جو جهانی و تحول اوضاع داخلی ایران (؟) شرایطی را پدید آورده است که مبارزات هم سوی مردم میتواند زمامداران را به مصالحه با خواست‌های حق‌طلبانه ملت وادار کند و راه را برای میثاق جدیدی میان مردم بگشاید." مصالحه مورد نظر در بیان آقای حکمت نه یک احتمال بلکه تنها احتمال گذار به دموکراسی است: "ما با تحلیلی که از جامعه خودمان و شرایط برپایی مردم‌سالاری داریم استراتژی انقلاب سیاسی را صرفنظر از احتمال پیروزی یا شکست آن رد می‌کنیم و معتقدیم باید آنقدر بر روش‌های مسالمت‌آمیز با دورنمای تحول قانونی پای فشرد تا بتدریج زمینه‌های پیروزی فکری و سیاسی آن در جامعه به‌وجود آید و در توازن نیروی معینی حکومت به عقب‌نشینی وادار گردد."

رفیق نگهدار نیز در همین زمینه می‌نویسد: "چنانچه جنبش دمکراتیک درحدی تقویت شود که به آلترناتیو واقعی رژیم تبدیل شود و سران رژیم میان سرنگونی و استحاله مجبور به انتخاب شوند مسلم (؟) است که تن دادن به اصلاحات سیاسی را منطقا بر سرنگونی توضیح خواهند داد" و سند "رئوس خط مشی سیاسی سازمان" نیز تاکید می‌کند "تمام کوشش خود و دیگر نیروهای مردمی را متمرکز می‌کنیم که رژیم انتخابات آزاد را بپذیرد" چنانچه از این اظهارات صریح پیداست سخن بر سر امکان تحولات مثبت در رژیم، امکان عقب نشینی آن، امکان انجام اصلاحات سیاسی توسط آن و امکان مصالحه‌اش با خواستهای مردم نیست بلکه از مسلم بودن این مصالحه و این اصلاحات سخن می‌رود و هیچ احتمالی ناشی از اینکه رژیم در برابر خواسته‌ها و کوشش‌های فوق عقب نشیند و مصالحه نکند مورد تاکید قرار نمی‌گیرد.

■ یک سوال بی‌پاسخ

رفیق نگهدار در مقاله خود که به طور عجیبی مملو از احکام یک جانبه و پیش‌بینی‌های حیرت انگیز است از همین امروز تاکتیک خود در استانه یک انقلاب فرضی را هم معین کرده و می‌نویسد: "اگر هم چون آستانه انقلاب بهمن اعتراض توده‌ای چنان اوج گیرد که رژیم فقها را در آستانه سرنگونی قرار دهد چه باید کرد" وی سپس پاسخ می‌دهد "هرگاه اعتراض توده‌ای تحت رهبری سازمانهای سیاسی چنان اوج گیرد که رژیم را در آستانه تسلیم به اراده خود قرار دهد، به سود دمکراسی است که از جانب آن رهبران، مجمعی متشکل از نمایندگان جناحهای سیاسی کشور تشکیل شود و مسئولیت برگزاری انتخابات آزاد با شرکت همه نیروهای سیاسی و فراخواندن مجلس موسسان بر عهده آن قرار گیرد"

رفیق فرخ نگهدار حاضر نیست بیش از این بیندیشد و این سوال را نیز پاسخ گوید که اگر رژیم و یا جناحهائی از آن به این موضوع تن ندهند و علیه آن "مجمع" و برگزاری انتخابات آزاد دست به تعرض مسلحانه بزنند، در شرایطی که خیالشان کاملا از این موضوع نیز راحت است که رهبران جنبش پیشاپیش هرگونه اعمال قهر از جانب مردم را مردود شمرده‌اند، چه باید کرد؟ آقای حکمت نیز در سرتاسر مقاله خود هیچ گاه توضیح نمی‌دهد که اگر رژیم تن به مصالحه و عقب نشینی نداد چه باید کرد و سند اقلیت کنگره نیز این سوال را بی پاسخ می‌گذارد که اگر علیرغم تمام کوشش‌های ما رژیم انتخابات آزاد را نپذیرفت چه باید کرد؟ سکوت در برابر این سوال قابل درک است زیرا پاسخ به آن می‌تواند تمام "سیاست و استراتژی" انتخابات آزاد را زیر سوال ببرد و جنبه‌های شدید توهمی و افراق‌آمیز آنرا روشن کند اما سکوت سوال را از بین نمی‌برد بالاخره مفسرین این خط‌مشی باید به مخالفین خود حق بدهند که مانند آنها به "مسلم بودن" عقب نشینی رژیم اعتقاد نداشته باشند و به این موضوع نیز بیاندیشند.

این سوال نه از روی یک بدبینی بی‌پایه بلکه دست کم با توجه به ۳ تجربه بزرگ در کشور ما یعنی انقلاب بهمن، حکومت دکتر مصدق و بالاخره انقلاب مشروطیت پاسخ مشخص خود را می‌طلبد.

کمتر کسی است نداند که خمینی در مقابله با رژیم شاه به هیچ وجه طرفدار خونریزی نبود و با شعار "ارتش برادر ماست" به میدان آمد. پیش از رفتن شاه و به ویژه پس از آن مذاکرات پشت پرده بسیاری برای انتقال مسالمت آمیز قدرت و برگذاری انتخابات جریان داشت و پس از فرار شاه و در روزهای حکومت بختیار دور از انتظار نبود که قدرت دوگانه‌ای که برقرار شده بود تماما و بطور مسالمت آمیز به خمینی و دولت موقت منتقل شود. اما درست در همین احوال گارد شاهنشاهی دست به تعرض زد. خمینی در میان همه نیروهای سیاسی آخرین کسی بود که فرمان مقاومت داد اگر رهبری جنبش، رهبری دموکراتی بود و با آقای بختیار بر سر برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین مجلس موسسان به توافق می‌رسید، آیا امکان مقاومت مسلحانه دست کم جناح افراطی رژیم پهلوی منتفی بود؟ به هیچ وجه نمی‌توان چنین ادعای بی‌پایه و اثبات ناشدنی را پذیرفت که اگر خمینی انتخابات آزاد با شرکت "همه جناحهای سیاسی کشور" را می‌پذیرفت، جناح‌های افراطی رژیم شاه دست به سرکوب مسلحانه نمی‌زدند، زیرا رژیم شاه به هر حال رفتنی بود و عده‌ای با چنگ و دندان خواهان حفظ آن بودند.

تجربه دیگری نیز پیش روی ماست. تجربه‌ای که برخلاف انقلاب بهمن حاصل یک پروسه چندان انقلابی نبود و مربوط به دوران حکومت دکتر مصدق است. وی مبارزه خود را کاملا قانونی و مسالمت آمیز پیش برد، به هیچ اقدام رادیکالی که متوجه براندازی سلطنت باشد دست نزد و حتی خواست انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان را نیز پیش نکشید، اما ارتجاع پهلوی با کمال قساوت مبارزات مسالمت آمیز او را به خون کشید. و بالاخره همین واقعیت به نوعی نیز در جریان انقلاب مشروطیت تکرار شد. اما در آنجا نیاکان ما از ما واقع بین تر و کم‌تر اسیر در توهمات بودند و به مقاومت در برابر تعرض استبداد دست زدند و با سازماندهی قیام تبریز موجب درهم شکسته شدن استبداد مطلقه و اعاده مشروطیت شده‌اند یک سیاست مدار اندک واقع بین با این همه تجربه تاریخی چگونه می‌تواند پیشاپیش احتمال مقاومت مسلحانه دشمن در برابر دموکراسی را نفی کند و بدتر از آن اعلام نماید که از مقابله متقابل چشم پوشی خواهد کرد. یک چنین دموکراسی خواهی تنها جری کردن دشمن و واگذاردن جامعه در زیر چنگال خونین آن خواهد بود. آیا در پیش آقای حکمت و رفیق نگهدار چه در جریان انقلاب مشروطه، چه کودتای ۲۸ مرداد و چه تعرض گارد شاهنشاهی دموکراتها نمی‌بایست به خانه هایشان برگردند، برای جلوگیری از وقوع دیکتاتوری تازه خیابان را به اوباشان مسلح واگذار کنند و منتظر شوند تا در فرصتی تازه همه چیز از نو شروع شود؟

البته می‌توان این تجارب را مربوط به دهه پیش و دهه‌های پیشین دانست و در برابر آنها نظم نوین بین المللی و سیاست جدید دول بزرگ را پیش کشید، اما بالاخره این اندیشه‌ها هرقدر هم در ماقوی باشد آیا نباید در خط‌مشی خود جائی نیز برای تکرار احتمالی این حوادث و روشهای مقابله با آن بازگذاریم؟ درست است که امکانات ارتجاع در سرکوب دموکراسی کمتر شده اما کسی نمی‌تواند مدعی شود که این امکانات به پایان رسیده است.

■ دو راه متفاوت

دو خط مشی فوق نه در ارزیابی از جمهوری اسلامی و نه در مورد چگونگی مقاومت در برابر سرکوبگری رژیم بلکه طبعا در شیوه‌های مبارزه برای تحقق دموکراسی نیز دارای اختلافات عمیقی هستند. مشی رادیکال از آنجاکه امکان تحول جدی در رژیم را در چشم‌انداز آتی منتفی می‌داند، اساس کار را در جهت فراهم آوردن و بسیج نیرویی می‌شناسد که بتواند رژیم را از قدرت به زیر کشد. در این مشی سازماندهی یک جنبش اعتراضی توده‌ای مسئله اصلی است. تعویض قدرت به اتکای یک جنبش توده‌ای در عرف معمول انقلاب سیاسی نام دارد. بر خلاف اصراری که چندان ناشی از بی‌توجهی نیست —

- از جمله در مقاله آقای حکمت "انقلاب سیاسی مترادف اعمال قهر و خونریزی نیست و می‌تواند بصورت مسالمت آمیز صورت گیرد. تحولات در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، صرفنظر از جنبه‌های مثبت یا منفی آن، تغییراتی انقلابی بود که موجب تغییر قدرت به کمک جنبش‌های توده‌ای گردید و در اکثر موارد حالتی مسالمت آمیز داشت. کوشش اپوزیسیون دموکرات ایران باید این باشد که قدرت موجود را در جریان یک انقلاب ◀

مسایل مورد اختلاف

مسالمت‌آمیز برکنار نماید. برگزاری انتخابات آزاد در برابر چنین روندی قرار ندارد، بلکه مطلوب ترین شکل به سرانجام رسیدن آن است. برخلاف نظر آقای حکمت که انتخابات آزاد و انقلاب سیاسی را بصورت دو مشی متفاوت در برابر هم قرار می‌دهد، پروسه تحولات انقلابی می‌تواند با یک انتخابات آزاد که الزاما پس از سلب قدرت از رژیم کنونی نیز نخواهد بود، به پایان برسد.

ممکن است رژیم جمهوری اسلامی در جریان گسترش دامنه انقلاب سیاسی به انتخابات آزادتن دهد و یا نظیر انقلاب بهمن قدرت دوگانه‌ای پدید آید که شرایط برگزاری انتخابات آزاد قبل از برکناری رژیم فراهم شود. اما این احتمالات تغییری در هدف اپوزیسیون دموکرات ایجاد نخواهد کرد، بلکه شکل مبارزه در راه این هدف را دگرگون خواهد کرد. آنگاه فشار توده‌ای برای برکنار ساختن "غیرقانونی" رژیم جای خود را مثلا به شعار "به جمهوری اسلامی رای ندهید، به جبهه دموکراتیک رای دهید" خواهد داد. در هر حال اساس این خط مشی تا زمانی که رژیم انتخابات آزاد برای تعیین نظام جدید را نپذیرفته و شرایط تحقق آن را فراهم نیاورده، متوجه "بسیج از پائین" برای برکناری این رژیم و فراهم کردن شرایط برای برگزاری انتخابات آزاد است و هر تحولی در بالا نیز لزوما باید در خدمت این هدف قرار گیرد. مسئولیت مسالمت آمیز بودن یا نبودن این پروسه متوجه رژیم است و اپوزیسیون و توده مردم باید این حق را که در صورت مقاومت رژیم در برابر این روند و توسل آن به سلاح آنرا بطور تهدآمیز سرنگون سازند و انتخابات آزاد را بدون وجود آن برگزار کنند، برای خود محفوظ و کاملا قانونی بشناسند. دست کم ۳ تجربه بزرگ پیش گفته این موضوع را به اثبات می‌رساند.

لیبرالیسم نه تنها با قهر بلکه با انقلاب و رادیکالیسم نیز مخالفت می‌کند و تنها از شیوه‌های رفرمیستی و قانونی جانبداری می‌کند. آقای حکمت انقلاب سیاسی را صرفنظر از احتمال پیروزی آن مردود می‌شمارد و "روش‌های مسالمت آمیز با دورنمای تحول قانونی" را در برابر آن قرار می‌دهد. وی متاسفانه توضیحی در مورد منظور خود از "تحول قانونی" نمی‌دهد، اما تصریح می‌کند دموکرات‌ها باید قوانین را تا وقتی که راهی برای تغییر آنها وجود دارد، هر چند که غیر دموکراتیک هم باشند، به رسمیت بشناسند. وی صراحتا هدف خط مشی خود را رسیدن به مصالحه با جمهوری اسلامی اعلام می‌کند و راه آنرا "سیاست گفتگو" برای رسیدن به معیارهای مشترک "با همه گرایشهای سیاسی جامعه" می‌داند.

پیشنهادات رفیق نگهدار نیز از چهارچوبه فوق فراتر نمی‌رود و در آن اصلاحات سیاسی از بالا تنها راه مطمئن تحقق دموکراسی در ایران قلمداد می‌شود. با همین روحیه است که اقلیت کنگره در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در تلاش تمرکز بیشتر قدرت است و قانونیت جناحهایی از خود را نیز به زیر سئوال برده "تامین فعالیت قانونی و علنی" را از اهم وظایف رهبری سازمان می‌شناسد.

در آنچه که گفته شد براحتی میتوان استخوان بندی یک مشی "مبارزه برای تغییر از بالا" را مشاهده کرد. مشی‌ای که با نفی مبارزه در راه پایان دادن به حاکمیت اسلامی تنها امکان تحقق دموکراسی را در تحول درونی آن جستجو می‌کند و فعالیت مسالمت آمیز و قانونی، گفتگو برای رسیدن به معیارهای مشترک و بالاخره مصالحه با آن را وسایل تحقق این هدف می‌شناسد. در کنار روشهای فوق بر بسیج از پائین و مبارزات مسالمت آمیز مردم نیز تاکید می‌شود، اما منطق درونی این مشی و همچنین تجارب تاریخی فراوان نشانگر آن است که این تاکیدات در عمل اگر کاملا هم فراموش نشوند جای پر اهمیتی را اشغال نخواهند کرد. کاملا طبیعی است که وقتی اساس کار ایجاد تحول در بالا قرار داده شود، هر بظاهر تغییر مثبت در آن بالا از دهها اعتراض کوچک و بزرگ مردمی علیه آن مثبت‌تر و موثرتر ارزیابی گردد و برای هموار کردن راه مصالحه و گفتگو و رسیدن به معیارهای مشترک بر بسیاری از اقدامات ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه چشم فرو بسته شود. مشی سازمان خود ما در سالهای ۶۰ تا ۶۲ تجسم کامل این واقعیت است. ما نیز کاملا صادقانه با امید به تحول درونی رژیم چشم خود را بر بسیاری از حقایق بستیم.

هم اکنون نیز نشانه‌هایی برای نگران شدن وجود دارد. وقتی قانونی شدن در شرایط سرکوب و پیگرد شدید و در صورتی که رژیم حتی قانونیت جناحهایی از خود را به زیر سئوال برده "از اهم وظایف" تلقی شود، خود به خود این سئوال پیش می‌آید که برای این قانونی شدن باید چه بهایی پرداخته شود؟ وقتی دستیابی به معیارهای مشترک با جنایتکارانی که دستشان در خون آزادیخواهان غوطه‌ور است امکان پذیر باشد، این سئوال به میان می‌آید که معیارهای ما می‌خواهد تا کجا سقوط کند؟ و بالاخره این اصرار آقای حکمت و رفیق نگهدار که رژیم اسلامی را بعنوان "یکی از جناحهای سیاسی کشور" به رسمیت شناسد برای چیست؟ چرا چنین اصراری صورت می‌گیرد که حکومتی خونریز و مستبد و مسئول ویرانی‌ها و تباهی‌های ۱۳ ساله اخیر با نیروهای سرکوبگر بسیار، با زندانهای پرشمار و با کارنامه‌ای سراسر سیاه، یک جناح سیاسی قلمداد شود در ردیف جناحهای سیاسی دیگر؟

■ رادیکالیسم توده‌ای را نفی نکنیم، سازماندهی کنیم

آقای حکمت در مضرات انقلاب و رادیکالیسم برای دموکراسی تاکیدات بسیاری دارد، اما این نکته را پاسخ نمی‌گوید که چرا مبارزات رفرمیستی قانونی نتوانسته است منشا تحولات مهمی در جامعه ما بشود و آنجا نیز که تحولاتی را سبب شده بر اثر وجود یک جنبش سیاسی و اجتماعی رادیکال بوده است. در انقلاب مشروطیت در حوادث سالهای ۲۰ تا ۳۲ و در جریان انقلاب بهمن هر رفرم در حکومت ناشی از فشار یک جنبش توده‌ای و رادیکال بود و بعکس در رفرم‌های دوران رضاشاه و "انقلاب ارضی" شاه که رادیکالیسم در جنبش حضور جدی نداشت اصلاحات اساسا به میل حکام مستبد پیش رفت. در اولی سخنی از دموکراسی در میان نبود و در دومی فضای نیمه دموکراتیک پدید آمده به اراده حکومت و با کمترین مقاومت خیلی زود تعطیل شد. پیوستن به رفرمیسم و حتی اعلام این موضوع با صدای رسا نیز تغییری در این واقعیت نمی‌دهد. این موضوع به خواست کسی بستگی ندارد. در جوامعی همچون جامعه ما که مملو از حادترین تضادهای طبقاتی - اجتماعی و سیاسی است، جنبشهای سیاسی نمی‌توانند از عملکرد شدید این تضادها در امان بمانند. استبدادهای حاکم به دلیل ترس از خیزش جنبشهای توده‌ای به سختی به رفرمهایی هرچند کوچک دست میزنند و آنگاه که شکافی در بنای مستبدار وجود آید و هر تحولی که به سود باز شدن فضای سیاسی پدید آید می‌تواند به سرعت به بسیج جنبش‌های بزرگ رادیکال و انقلابی بیانجامد و ابعاد مبارزه توده‌ای را از یک مبارزه آرام و قانونی گامها فراتر برد. محدود کردن این جنبش‌ها در چهارچوبه قانونیت و مصالحه با استبداد به آسانی میسر نیست و تنها راه را برای میدان گرفتن تندروهای افراطی هموار می‌سازد. این واقعیتی است که تاریخ یکصد ساله اخیر در جامعه ما آنرا تائید کرده و نشان داده که در هر کشور مبارزه در راه دموکراسی ویژگیهای خودش را دارد. راه کمک به استقرار دموکراسی در کشور ما شکایت از این واقعیت و بدتر از آن، ستیز با آن اگر انقلاب بهمن به دلیل رهبری مذهبی و استبدادی آن نقشی منفی در تاریخ جامعه ما بازی کرد، انقلاب مشروطیت در راهگشایی به دموکراسی گامی به پیش بود. چه کسی می‌تواند نقش تبریز به رهبری ستارخان و مبارزات مسلحانه آنان با ارتجاع حاکم که مشروطیت را به ایران بازگرداند را به ضرر دموکراسی ارزیابی کند؟ چه کسی می‌تواند نقش رادیکالیسم در به جلو راندن مصدق را کتمان کند و سترونی لیبرالیسم سالهای ۳۹ تا ۴۲ را نادیده بگیرد. مگر حکومت بختیار که اینک از سوی بسیاری آلترناتیو مطلوب خمینی در جریان انقلاب بهمن که می‌بایست مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت، ارزیابی می‌شود بر اثر عقب نشینی شاه در برابر یک جنبش رادیکال که هدف خود را به هیچ وجه مصالحه با حکومت وقت قرار نداده بود، روی کار نیامده بود و آیا کسی می‌تواند ادعا کند که یک مبارزه قانونی و مصالحه جویانه رژیم شاه را به یک چنین عقب نشینی مجبور می‌ساخت؟

چپ در ایران از نفی رادیکالیسم سودی نخواهد برد. ما باید در این سنگر باقی بمانیم و باقی ماندن در این سنگر را نیز به دشمنی بارفرم و لیبرالیسم سیاسی تبدیل نکنیم. زیرا هر کدام از این روشها و نیروهای حامل آنان نقش خود را در حرکت جامعه ما رو به دموکراسی و پیشرفت بازی کرده و از این پس نیز بازی خواهند کرد.

■ سخن آخر

حساب اصلی مشی مصالحه بر روی جناح آقای رفسنجانی و اقدامات بظاهر رفرمیستی آن است. وعده‌های وی در باب اصلاحات و بازگشت مهاجرین و غیره به این مشی نیرو بخشید و موجب گردید که به صراحت سخن اصلی خود را بر زبان آورد. مشی مصالحه در این انتخاب نیز در حال تکرار یک اشتباه بزرگ سیاسی است و در کسی ظرفیتهای یک تحول مثبت را جستجو می‌کند که در رویای ایجاد یک حکومت مستبده فردی ولی معاصر، "متمدنانه" و کمتر مورد اعتراض غرب است. او گامهای بسیاری در این راه برداشته و اکنون دست در دست متحدین مرتجع رسالتی خود در صدد است انتخابات مجلس چهارم را به گونه‌ای سازمان دهد که مخالفین سرسخت خود در درون حکومت را از میان بردارد. و در این میان کسانی با ندیدن مراحل عروج رفسنجانی به اریکه یک قدرت مستبده فردی با این داستان ساخته و پرداخته مشاوران وی همداستان شده‌اند که همه مشکلات زیر سر تندروهاست و اگر آنها کنار گذاشته شوند راه برای اصلاحات آقای رفسنجانی باز می‌شود و مشی مصالحه امکان تحقق می‌یابد. آنها از هم اکنون در آنجا که می‌توانند گفتگو با رفسنجانی را آغاز کرده و وی را به رعایت دموکراسی دعوت می‌کنند و در آنجا که نمی‌توانند رهبری سازمانشان را به قدم گذاشتن در این راه تشویق می‌کنند.

تجربه ۱۳ ساله گذشته نشان داد که بر خلاف تصورات ما حذف هر بخش و جناح از رژیم به تشدید خصلت استبدادی آن کمک کرد و اکنون نیز همین پروسه در جریان است و اشتباه مهلکی خواهد بود اگر با رفسنجانی و متحدین آن در حذف مخالفین وی در حکومت به هر شکلی همداستان شد. نتیجه این کار نه باز شدن راه برای اصلاحات بلکه تشدید خصلت استبدادی رژیم خواهد بود. بویژه اینکه اگر دقت کنیم، بسیاری از آنهایی که در خطر حذف شدن توسط رفسنجانی و متحدین وی هستند، همان کادرهایی هستند که به بیان آقای حکمت در حال تحولند، منتهی تحولی که هرچند می‌تواند در مبارزه سیاسی کشور موثر واقع شود، نقشی در تغییر سمت رژیم و فراهم آوردن شرایط مصالحه با آن ایفا نخواهد کرد و شاید از همین زاویه است که مورد توجه چندانی نیز قرار نگرفته است.

ما یکبار به اندازه نقش خود در عروج خمینی به اریکه قدرت مستبده فردی کمک کردیم و ای کاش این اشتباه این بار در مورد یک دیکتاتور دیگر تکرار نشود.

آبان ۷۰

آینده کمونیسم

قسمت دوم

نوشته: ارنست ماندل

ترجمه: رامین جوان

از همان ابتدا هم سرمایه‌داری صنعتی ترکیبی از نیروهای پیشرونده و پسرونده تولیدگر و گرایشات مخرب دست یافته بود. در ابتدا نیروهای سازنده دست بالا را داشتند. اما با فرارسیدن دوره امپریالیزم، نیروهای مخرب و پسرونده برجسته شدند.

بهای گزاف برای پیشرفت دائمی

این به معنی آن نیست که نیروهای تولیدگر انسانی یا مکانیکی - از رشد باز ایستادند. در حقیقت این نیروها همانطور که دوره بین پایان دهه چهل و ابتدای دهه هفتاد (در بعضی کشورهای نیمه صنعتی دهه هفتاد و ابتدای دهه هشتاد) نشان میدهد پیشرفت، عظیمی پیدا کردند. اما بهای این پیشرفت بسیار گزاف بوده است.

آشکارترین بیان واژگونی این گرایش، ظهور تسلیحات اتمی، بیولوژیک و شیمیایی در طی جنگ دوم جهانی بوده است. کار بردگسترده این تسلیحات از پایان جنگ به بعد - به معنی انهدام فیزیکی نوع بشری است. تکثیر پایگاه‌های اتمی هم دربردارنده همان خطر در شرایط جنگ قراردادی اما در مقیاس عظیم است. از این روجلوگیری از جنگ‌های جهانی یا قاره‌ای - خواه اتمی یا قراردادی - اولین هدف استراتژیک جنبش کارگری از جمله عناصر کمونیست آن باید باشد.

از خطر انجدام بشریت که در جنگ اتمی انتظار آن می‌رود، باید به این نتیجه استراتژیک رسید که تنها ضمانت واقعی وقطعی برای بقای نوع بشر است که تمام کارخانه‌ها و آزمایشگاه‌های قادر به تولید مواد مملک باید توسط تولید گران آن اداره شود. در پی موافقت نامه‌ای باید این تولیدگران تولید این تسلیحات را متوقف کرده و بی‌درنگ در پی نابودی مواد تولیدشده برآیند.

دیروز، تردید بر سر "سوسیالیزم یا بربریسم" بود، امروزه تردید بر سر "سوسیالیزم یا مرگ" است. این ژرف‌ترین انگیزه‌ی قابل تصور برای کمونیسم است.

این نتیجه از سایر تهدیدات مملکی که بر هستی بشر سنگینی می‌کند، ناشی می‌شود. از همه مهمتر تهدید نابودی محیط زیست و خطر گسترش فاجعه آمیز گرسنگی و بیماری‌های واگیر در جهان سوم و سایر مناطق است.

کنترل باید به عهده‌ی مزدبگیران باشد

اگر کنترل تولید و توزیع ثروت همچنان در دست نیروهای اجتماعی و حکومت هایی باشد که اهداف نیروهای خصوصی و فنی کردن آنها را دنبال می‌کنند، این خطرها را نمی‌توان از میان برداشت، این امر از طرفی به رشد شکل‌های اجتماعی بی‌رویه و غیر قابل کنترل منجر خواهد شد. کنترل باید به عهده مزدبگیران و متحدان آنها، دهقانان باشد که دارای اراده و قابلیت در اختیارگرفتن تمام منافع شخص و پیشرفت ها در راه همیاری در جهت منافع بشریت هستند برای اولین بار از ظهور استالینیزم به بعد، پرچم آزادی، دموکراسی گسترده چه به صورت، مستقیم و یا نموداری، ضدنظامیگری در دست سوسیالیست های انقلابی قرار میگیرد.

آزادی؛ برابری سیاسی و اقتصادی؛ همبستگی و عدالت اجتماعی در مقیاس جهانی؛ ضدنظامی‌گری رادیکال؛ دفاع رادیکال در جهت محیط زیست؛ احترام به حقوق زن؛ این هامهمه ترکیبی غیر قابل شکست است. این هامضامین تبلیغی بزرگی است باید برای آنها تلاش کرد. این شعارها در حقیقت ترکیب تقاضاهای گذرا و فوری با طرح‌های سیاسی است که این اندیشه‌ها را به صورت واقعی در می‌آورند. چنین برنامه‌ای یک تضمین قطعی برای آینده کمونیسم است.

زیرنویس‌ها

۱- عنوان های دافی که در گذشته برای بحث مد بودند، موضوعاتی بودند همچون "امپراطوری شیطانی" ریگان و "توتالیتاریانیسمی که همواره گسترش یافته و هیچ چیز نمیتواند مانع آن شود." امروزه دیگر از این بحث ها خبری نیستند.

۲- مطبوعات امریکایی در اطراف مقاله‌ای از نویسنده‌ای نامعلوم که خود را مجهول می‌نامد، سرو صدای فراوانی به راه انداختند. این نامه، شقی از خط "جنگ سرد نسبی" ریگان - بوش را با شوروی مطرح می‌کند که در آن عدم اطمینان اساسی نسبت به گورباچف، پیگیری جنگ سرد و آهنگ فزاینده‌ی تسلیحات مطرح می‌شود.

۳- نماینده سوسیال دموکراسی سوئد آشکارا مطرح میکند که: "باید به سرمایه‌داری چهره‌ای انسانی بدهیم" نقل قول ها از نشریه "زمان" شماره سی ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹

۴- مایه تاسف است که شرکت کنندگان باتحصیلات عالی میزگرد هامبورگ همواره پیش‌افتاده‌ترین مسائل را تکرار می‌کنند. مسائلی که نه در مطالعه عینی نوشته‌های مارکس و لنین و نه هرگونه مطالعه درفعالیت‌های تعلیمی جنبش سازمان یافته قبل از دیکتاتوری استالین، محسوس و قابل کاربست است. مارکسیست ها مانند تمام دیگر ایدئولوگها - متهم به این گناه هستند که "پایان تاریخ" را پیش‌بینی کرده‌اند. درحقیقت مارکسیست ها، متواضعانه به سادگی پایان دوران پیش تاریخی را پیش‌بینی میکنند که طی آن انسانیت در تنگنای تلاش‌تیره کننده بقاء و درگیری در کار اجباری قرار میگیرد. درام واقعا انسانی؛ تاریخ انسانی تنها زمانی شروع می‌شود که انسانیت از این شرایط رها شود. آنها که چنین رهایی را "مدینه فاضله‌ای" می‌دانند، باید به اسطوره گناه ابوالبشر هم متوسل شوند.

۵- "جامعه پس از صنعت" در جهت "جامعه بعد از پرولتاریا" به معنی آن است که خوراک، پوشاک، مسکن، وسائل خانگی، مواد بهداشتی، ارتباطات، مدرسه، بیمارستان، حمل و نقل که بدون آنها هیچ متفکر و ایدئولوگی نمی‌تواند زندگی کند با ۱۰۰ درصد توسط آدمک های ماشینی و نه انسان تولید می‌شود.

۶- رفیق زیمین "Zimi n" یکی از معدود بازماندگان اپوزیسیون چپ روسی، قبل از مرگ، تکذیبیه جالبی در مورد این اشارات تئوریک در کتابش "استالینیزم و واقع گرایی اجتماعی‌اش" ارائه می‌دهد.

۷- ویکتور کوروتیچ به درستی در میز گردهامبورگ تاکید میکند: "اگر پرسترویکا موفقیت پیدا کند، (سوسیالیزم) باید پیروز شود! به این ترتیب نظریه سوسیالیزم ازاعتبار بیشتری برخوردار خواهد شد." (ما میگوییم: اگر پیروزی‌های انقلاب سیاسی از پائین گلاسنوست را به صورت پدیده‌ای عمومی در می‌آورد. م.)

۸- به بخش از سرمایه، جلد اول درباره طبیعت دوگانه‌ی ماشین توجه کنید.

www.iran-archive.com

خبرها و نظرها

نخستین کنگره ''راه کارگر'' برگزار شد

نخستین کنگره سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در مهرماه ۱۳۷۰ برگزار گردید. خبر برگزاری کنگره در اطلاعیه کمیته مرکزی این سازمان اعلام شده است. این اطلاعیه در شماره ۸۷ (مهرماه) نشریه راه کاگر درج گردیده است. در این اطلاعیه آمده است:

''اولین کنگره سازمان در مهر ماه ۱۳۷۰ با شرکت نمایندگان تمام تشکیلات‌های سازمان برگزار شد. بررسی عملکرد ۱۲ ساله کمیته مرکزی (از بدو تاسیس سازمان تاکنون)، بحث درباره برنامه و اساسنامه سازمان و هم چنین بررسی اوضاع سیاسی و تاکتیک‌های سازمان، مهمترین مسائلی بودند که در دستور کار کنگره قرار داشتند.

شرکت کنندگان در کنگره پیرامون همه اسناد ارائه‌شده به کنگره فعالانه بحث و اظهارنظر کردند و با اصلاح و تصویب آنها و صدور قطعنامه‌های مختلف موفقیت کنگره را رقم زدند.

بحث‌های کنگره عمدتا پیرامون برنامه و اساسنامه و گزارش عملکرد ۱۲ ساله کمیته مرکزی بود و بحث درباره برنامه جایگاه ویژه‌ای یافت. تعداد وسیعی از نمایندگان پیرامون گرایش‌های مختلف برنامه‌ای به بحث پرداختند و سرانجام پیش‌نویس برنامه ارائه شده از جانب کمیسیون برنامه با اصلاحاتی چند با اکثریت قاطع آرا به عنوان برنامه سازمان به تصویب کنگره رسید. هم چنین در ارتباط با شرایط عضویت در سازمان سندی را به تصویب رساند که به عنوان ''مبانی برنامه سازمان'' به صورت ضمیمه اساسنامه درآمد.

کنگره در آخرین روز کار خود اعضا و اعضای علی‌البدل کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی نظارت و رسیدگی به شکایات را از میان تعداد وسیع نامزدها انتخاب نمود و سرانجام با سرود انترناسیونال با موفقیت تمام به کار خود پایان داد. اسناد مصوب کنگره همراه گزارش از روال کار آن به‌زودی انتشار خواهند یافت.''

نشریه راه کارگر به علت تدارک و برگزاری نخستین کنگره این سازمان، از خردادماه تا شهریور ماه انتشار نیافته بود. شماره ۸۷ (مهر ماه) اولین شماره بعد از برگزاری کنگره این سازمان است.

نظرات ''اتحاد کار'' در مورد مصوبات دومین کنگره سازمان

برگزاری دومین کنگره سازمان و مصوبات آن در برخی نشریات چپ بازتاب پیدا کرده است. نشریه راه آزادی تنها به اعلام خبر برگزاری کنگره و بخش‌هایی از ''سند خط مشی سیاسی سازمان'' و ''قطعنامه مصوبه در باره فعالیت فدائیان خلق در داخل کشور'' اکتفا کرده است. ولی نشریه اتحاد کار مقاله‌ای با عنوان ''کنگره اکثریت و مسئله اشکال فعالیت در داخل'' به قلم حیدر و مقاله دیگری با عنوان ''دگماتیسم راست در جنبش چپ ایران'' به‌قلم رسول درج کرده است. در این دو مقاله اسناد مصوب کنگره مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. در مقاله اولی آمده است:

''... در هر حال تعمق در بندهای ۱ و ۲ نشان میدهد که اساسا اکثریت به مبارزه متشکل واقعی در داخل اعتقادی ندارد... اعلام این موضوع هرچند به‌زبان الکن از جانب اکثریت نکته مثبتی در قطعنامه به‌شمار می‌آید، چرا که حداقل تکلیف فعالین داخل را روشن نمود و آنان را از داشتن انتظارات بیهوده از رهبری که هر روز نغمه تازه‌ای سازمی‌کند و بی‌صلاحیتی‌اش را طی دوره‌های گذشته در عمل نشان داده است، رها کرده و به‌این جهت سوق میدهد که خود راه‌ها و اشکال فعالیت عملیشان را برگزیده و با مشکلات و مسائل برخورد نمایند که در این صورت مسلما به نتایج درست‌تر و بهتری دست خواهند یافت...''

''... برای اکثریت فعالیت قانونی و علنی اصل است. خواه دمکراسی در کشور باشد یا استبداد خشن، فرقی برای اکثریت نمی‌کند این ''اصل طلایی'' را باید رعایت کرد و از آن عدول ننمود. این مشی عملی با مشی سیاسی اکثریت که ضدیت با انقلاب قهرآمیز و تحول قهرآمیز و تلاش برای اصلاحات از طریق مسالمت آمیز و قانونی از پایه‌های اصلی آن به شمار می‌آید، انطباق کامل دارد. رهنمودهای فوق درحقیقت حاصل تلاش اکثریت برای انطباق مشی سیاسی ''نوین''اش بر شرایط ایران و ترجمان عملی آنست که چیزی بجز قانونیت‌گرایی مطلق نیست. اما از آنجا که در وضعیت فعلی استبداد مذهبی حاکم منافذ فعالیت‌های علنی و قانونی را بشدت مسدود کرده است، کسانیکه در صدد اجرای چنین مشی‌ای برآیند، عرصه چندانی برای فعالیت علنی و قانونی نخواهند یافت و با توجه به اینکه باید از مبارزه مخفی و غیرقانونی پرهیز نمایند، چاره‌ای نخواهند داشت مگر اینکه غیر فعال بوده و منتظر شرایطی بمانند که امکانات علنی و قانونی برای فعالیتشان فراهم شود. و این نیز در حقیقت چیزی جز ''سیاست صبر و انتظار'' نیست. در دوره‌های گذشته هنگام تشدید سرکوب و اختناق در زمان حیات رژیم شاه عناصری از جناح راست جبهه ملی نظیر المیار صالح یک چنین سیاستی را مطرح کردند که به ''سیاست صبر و انتظار'' مشهور گردید. این سیاست درآنموقع نیز طرفداران چندانی پیدا نکرد و در عمل با ورشکستگی کامل روبرو گردید.''

در مقاله دوم (به‌قلم رسول) آمده است: ''... اکثریت جزو آندسته از نیروهایی بود که به سرعت و به طور اعلام نشده مارکسیسم و آرمان کمونیستی را رها کرده و به‌اندیشه‌های سوسیال - دمکراسی روی آوردند و در ادبیات سیاسی خود به تبلیغ و ترویج ایده‌ها و برنامه‌های احزاب سوسیال - دمکرات اروپایی پرداختند. طبعا دفاع از چنین ایده‌هایی به معنی جانبداری از یک ایدئولوژی معین بود.... با این وصف اکثریت خود را بدنبال چرخش اوضاع در ''اردوگاه سوسیالیسم''، یک ''سازمان غیرایدئولوژیک'' نامید.

اکثریت در کنگره دوم هم خود را یک ''سازمان غیر ایدئولوژیک'' معرفی کرده و این در حالی است که بحث هویت را پیش برده و در این رابطه قطعنامه‌ای زیر عنوان ''دیدگاه‌ها و آماج‌ها'' به تصویب رسانده است.

نخستین و در عین حال مهمترین سئوالی که در رابطه با هویت و آماج‌های اکثریت مطرح می‌شود این است که موضع وی نسبت به سرمایه‌داری و سوسیالیسم چیست؟ در قطعنامه مزبور هیچ موضعی در نفی سرمایه‌داری و حتی هیچ کلمه‌ای درباره سرمایه‌داری وجود ندارد. در این قطعنامه از ''تامین گسترده عدالت اجتماعی، رهایی انسان از هر گونه ستم اجتماعی و طبقاتی، بهره‌کشی فرد از فرد، تامین رفاه انسان‌ها و رشد آزادانه و همه جانبه آنها'' و نیز ''صلح پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشری، تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و امحا مناسبات نابرابر و فارتگرانه بین شمال و جنوب'' به عنوان هدف‌های اساسی سازمان به کرات یاد شده است. اما حتی اشاره‌ای هم به این که اصولا این هدف‌ها آیا می‌تواند در نظام سرمایه‌داری تحقق پذیرند یا نه و این واقعیت که سیستم سرمایه‌داری منشا لاینحل ماندن مسائل اساسی جهان امروز و بشریت معاصر است، نشده است. هم‌چنین در قطعنامه نه از سوسیالیسم یا نظام سوسیالیستی بلکه از ''ارزشهای سوسیالیستی'' سخن رفته است.

عدم موضع گیری در قبال سرمایه‌داری بعنوان یک نظام مبتنی بر استثمار انسان و یک سیستم ظالمانه غیر انسانی وسخن گفتن از ارزشهای سوسیالیستی به جای سوسیالیسم به‌مثابه یک سیستم اجتماعی عالی‌تر، نشان میدهد که اکثریت حتی از طیف احزاب و جریان های سوسیال - دمکرات نیز عقب‌تر رفته است. چرا؟ به‌این دلیل واقعی که سوسیال - دمکراسی به طور تیپیک در تئوری بر گسست از سرمایه‌داری و ''سوسیالیسم دمکراتیک'' به عنوان سیستم اجتماعی آلترناتیو سرمایه‌داری تاکید دارد.''

''کمونیسم مرد، زنده باد کمونیسم''

شماره ۸ و ۹ (شهریور و مهر ماه) ماهنامه آرش منتشر شد (این نشریه به مدیریت پرویز قلیچ‌خانی انتشار می‌یابد.) در این شماره مطلبی با عنوان ''کمونیسم مرد، زنده‌باد کمونیسم'' از علی اصغر حاج سیدجوادی و مطلب دیگری با عنوان ''ما را نمی‌توان دفن کرد'' از محمدرضا شالگونی درج شده است. هر دو مقاله در مورد کمونسم است. ما در ذیل بخش‌هایی از این دو مقاله را نقل میکنیم. در مقاله اول آمده است:

''الگوی لنینی از مارکسیسم از اساس یک الگوی برخاسته از فرهنگ و تمدن غربی نبود. الگویی از استبداد شرقی و تزاریسم بازمانده از پتر کبیر و ایوان مخوف بود. به‌قول هگل در کتاب فلسفه حقوق، نظام شرقی زندگیش بسته به حرکت بسوی خارج است زیرا در داخل خود هیچ عاملی برای استقرار ندارد و هرچه که بسته باشد ناچار متحجر است.

آنچه باید در مورد روسیه و حزب کمونیست به‌عنوان عامل پیشتاز و تنها عامل قدرت گفت این است که برگی از دوران تاریخ با اثبات نارسایی و نقض بنیادی الگوی مارکسیسم لنینیسم ورق خورده است و الگوی خاصی از یک امپراطوری استبدادی به شیوه تازه آن مضمحل شده است، کمونیسم به صورت موجود آن مرده است اما فقر و نابرابری و گرسنگی و محرومیت و ظلم و ستم و تجاوز و خشونت و استبداد و خودکامگی هم‌چنان در سراسر جهان وجود دارد؛ هر روز دهها هزار کودک از گرسنگی و بی‌فذایی میمیرند وهر شب میلیون‌ها انسان با شکم گرسنه و همواره باوحشت و ترس از سرنوشت فرداي خود سر به بالین می‌گذارند.

هنوز میلیون‌ها انسان در سراسر جهان در زیر ستم خودکامگی مستبد و زورگو زندگی می‌کنند و هنوز فریاد میلیون‌ها انسان اسیر دست رژیم‌های جابری نظیر ایران و برمه و سوریه و عراق و هربستان و چین و ویتنام و... به‌جایی نمیرسد.

الگوی لنین فقر را از جامعه انسانی ریشه‌کن نکرد اما الگوی سرمایه‌داری و اقتصاد بازار نیز خود داروی رهایی انسان از فقر و ترس و دلهره از ذلت و فرو ماندگی ناشی از فقر نبوده و نیست بلکه خود زائیده فقر و تعصب و جهل است و سرانجام راندن انسان‌ها به سوی پیامبران دروغی و سازندگان بهشت‌های موعود که چیزی جز سرکوبگران خودکامه نیستند.

هیچ مذهب و ایدئولوژی و حزب و سازمانی نمی‌تواند با مطلق‌کردن قدرت، مردم را از دخالت در سرنوشت خویش محروم کند، همبستگی ملی در روند تاریخی جانشین همبستگی قبیله‌ای و قومی شد و این همبستگی به ایجاد مرزهای ملی و استقلال ملی تبدیل گردید و امروز تاریخ بشریت را در برابر یک تحول عظیم جهانی قرار داده است یعنی تحول تاریخی از همبستگی ملی و مرزهای ملی به همبستگی جهانی و قدرت جهانی که نه فقط از آزادی و دمکراسی ملت‌ها دفاع کند بلکه در رشد و گسترش اقتصادی و مبارزه با فقر و تقسیم عادلانه فرصت‌ها و درآمدها نیز به نفع کشورهایی که از پیشرفت علمی و فنی و صنعتی و کشاورزی بازمانده‌اند نقش اساسی برعهده بگیرد.

کمونیزم خودکامه چشم از دنیا فروبست اما سرمایه‌داری چپاولگر خودکامه‌ساز نیز از نفس افتاده است، بنابراین قلم تاریخ بدین صورت رقم می‌خورد که به قول حافظ: عالمی از نو باید ساخت وز نو آدمی.''

در مقاله دوم که به قلم محمدرضا شالگونی است، گفته شده است: ''کودتای ۱۹ اوت گذشته اتحاد شوروی بی‌تردید تیر خلاصی بود بر حاکمیت هفتاد و چهارساله حزب کمونیست بر این کشور. و اکنون - در روزهایی که ''توتم''های قدرت کمونیست‌ها را در نخستین و مقتدرترین کشوری که سوسیالیسم را آرمان خود اعلام کرده بود، درهم می‌شکنند - تردید در ''مرگ کمونیسم'' به‌آسانی می‌تواند آدم را به مضحکه‌ای تمام‌عیار تبدیل کند. اما من از آنهایی هستم که دوست دارند وظیفه اخلاقی و سیاسی خود میدانند که درست در همین روزها بیش از هر وقت دیگر بر اعتقادشان به آرمان‌های کمونیسم تاکید کنند و ما نه فقط این روزها که شاید سال‌ها ناگزیر خواهیم بود بدون خستگی و بدون چشم‌داشت تاثیر آنی در فضایی نامساعد از اعتقادمان دفاع کنیم.

قبل از هر چیزی می‌خواهم به همه کسانی که سقوط دیکتاتورهای ''کمونیستی'' را به معنای مراسم تدفین کمونیسم میدانند، بگویم که اشتباه می‌کنند. کمونیسم با حاکمیت حزب کمونیست شوروی زاده نشد. و با سقوط آن از میان نخواهد رفت. بقول کائوتسکی، کمونیسم همزاد خود انسان است. از لحظه‌ای که انسان‌هایی پیدا شدند که بیدادگری و نابرابری اجتماعی را نامعقول یافتند و برآن شوریدند. کمونیسم زاده شد و به این اعتبار، کمونیسم جنبشی است برای دفاع از حق حیات انسانی؛ و تا زمانیکه این حق مدافعانی دارد، این جنبش ادامه خواهد یافت. و خوبست بیاد داشته باشیم که تا حق حیات انسانی لگدمال می‌شود، شمار مدافعان این حق اندک نخواهد بود. باهر کودکی که پا به زندگی می‌گذارد و فرصت‌های برابری برای زیستن می‌طلبد، یک مدافع حق حیات انسانی در صحنه ظاهر می‌شود.

اما کمونیسم در معنای اخص آن، یعنی کمونیسم مارکسیستی نیز با حاکمیت حزب کمونیست شوروی زاده نشده و مخلوق آن نیست. عمر کمونیسم مارکسیستی تقریبا دو برابر حاکمیت حزب کمونیست اتحاد شوروی است. این کمونیسم چیست؟ ۱۶۴ سال پیش مارکس و انگلس در آغازه‌های تلاش مشترکشان برای سمت‌دهی این جنبش، درک خودشان را از آن چنین بیان کردند: ''برای ما، کمونیسم شرایطی راکه باید ایجاد شود و آرمانی که واقعیت ناگزیر باشد خود را با آن انطباق دهد، نیست. ما همین جنبش واقعی را که به شرایط کنونی پایان می‌دهد، کمونیسم می‌نامیم. شرایط این جنبش از مقدمات هم اکنون حاصل می‌شود''. بنا به این درک پایه‌گذاران فکری کمونیسم، این جنبش از هیچ اصل مجرد از پیش تعیین شده‌ای تبعیت نمی‌کند و قبل از هر چیز محصول خود سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری از یکسو با تبدیل بخش فزاینده‌ای از جمعیت جامعه به افرادی که فقط از طریق فروش نیروی کارشان می‌توانند زندگی کنند و با شکننده‌ساختن فزاینده شرایط زندگی آنان، مشروعیت و عقلا نیت خود را در لایه بخش فزاینده‌ای از مردم زیر سوال می‌برد و از سوی دیگر با ایجاد دگرگونی‌های فنی و اجتماعی مداوم به همین مردم امکان می‌دهد که با آگاهی بر منافع و سرنوشت مشترک، راه‌های اتحاد در مقابل سرمایه و شورش علیه آن را جستجو کنند. از بطن این ناامنی اجتماعی فزاینده و این آگاهی و همبستگی گسترش یابنده است که کمونیسم زاده میشود. اگر تصادفی نیست که عصر ما ''عصر عصیان توده‌ها'' است، آیا تصادفی است که کمونیسم گسترده‌ترین و پایدارترین جنبش سیاسی این عصر است، جنبشی که در یک قرن و نیم گذشته در سراسر سیاره ما حضور داشته است؟

... جنبش کمونیستی باید خود را از آوار این شکست بیرون بکشد و به سنت دمکراتیک و اندیشه عمیقا دمکراتیک مارکسیستی بازگردد. باین اعتبار من راه نجات را در بازگشت به ریشه‌های خودمان می‌دانم.''

خیزش مجدد جنبش ما، جنبشی که بشریت زحمتکش بدان نیاز حیاتی دارد، بر روی ریشه‌های آن جوانه خواهد زد. به قول گوتوریه کمونیست بزرگ فرانسوی ''کمونیسم بهار زمین است و برای ما فردای نغمه سرایی تمیه می‌بیند'' و تا زندگی جوانه می‌زند و انسان برای حق حیات خود می‌جنگد، ما هستیم. دشمنان ما انتظار ''دفن کمونیست''ها را باید با خود به گور ببرند. ما را نمی‌توان دفن کرد.''

www.iran-archive.com

بازار نفت: تحولات به کدام سو؟

نفت، همچنان محصول اصلی اقتصاد ایران است. ابتدائی‌ترین نیازهای مردم، از طریق فروش نفت در بازار جهانی و تامین بودجه ارزی واردات از این راه، برآورده می‌شود. درآینده قابل پیش‌بینی نیز جریان نفت، شریان حیاتی اقتصاد کشور ما باقی خواهد ماند. از این رو، ایران به شدت وابسته به بازار جهانی نفت است و تحولات آن، برای ما اهمیت بسیار دارد. همانگونه که افزایش ناگهانی بهای نفت در دهه ۵۰، درآمد اقتصاد ایران را به یکباره چند برابر کرد، سقوط آن در دهه ۶۰ نیز لطمه‌ای جدی به اقتصاد ایران زد.

اکنون در مطبوعات غرب، سخن از رونق جدید نفتی می‌رود. به گزارش این مطبوعات، در بسیاری از کشورهای جهان تلاش های گسترده‌ای در زمینه اکتشاف منابع جدید نفتی و استخراج نفت از منابعی که تاکنون استفاده از آن مقرون به صرفه نبوده است، آغاز شده است. اگر این تلاشها به نتیجه برسد، موازنه فعلی در بازار جهانی نفت بهم خواهد خورد.

شرکت های نفتی غرب سرمایه گذاری وسیعی در اکتشاف و استخراج از منابع جدید کرده‌اند. به عنوان نمونه، شرکت شورون تاکنون یک میلیارد دلار در گینه جدید (جنوب اقیانوس آرام) سرمایه گذاری کرده است تا از یک حوضچه نفتی ۳۰۰ میلیون بشکه‌ای که در زیر جنگل های انبوه در ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد، نفت استخراج کند. در حالی که تاکنون یک قطره نفت نیز از این مخزن استخراج نشده است. اخیرا این پروژه نخستین قربانیان خود را گرفت: سه نفر در سقوط یک هلی کوپتر شورون کشته شدند.

آنچه باعث رونق جدیدی که برخی مطبوعات، آنرا "انقلاب جدید نفتی" نامیده‌اند شده است، این است که تکنولوژی جدید، استخراج نفت را در بسیاری از کشورهائی که سابقه تولید نفت ندارند، ممکن کرده است. از سوی دیگر، تحول فضای حاکم بر سیاست جهانی به سوی همکاری و نزدیکی کشورها، باعث شده است که دولت هائی که تا پیش از این مایل به استفاده از کمک شرکت های نفتی غربی برای اکتشاف و استخراج نفت نبودند، دروازه‌های خود را به روی این شرکت ها بگشایند. دانیل برگین، رئیس یک موسسه پژوهش ها در زمینه انرژی می‌گوید: روشن است که یک نظام جهانی جدید نفتی سر برمی‌آورد نظامی با تجدید آرایش نقش ها، بازیگران جدید و قواعد جدید. این را نمی‌توان صرفا یک گذار از عرصه سیاست به عرصه معاملات نامید. این، یک تکان شدید است.

هفته نامه آمریکائی نیوزویک می‌نویسد در وزارت نفت کشورهای شوروی، ونزوئلا، کویت، الجزایر، ایران، مکزیک و برخی دیگر از اعضای "کلوب نفتی" تحول آشکاری روی داده است. به نوشته این مجله، درهائی که ۱۵ تا ۲۰ سال پیش هنگامی که دولتها بطور یکپارچه امتیازات شرکتهای نفتی خارجی را ملی می‌کردند، به روی نمایندگان شرکت های نفتی غربی بسته شد، اکنون باز می‌شود. کل مشی "ناسیونالیسم منابع" که اوپک را بر آن داشته قیمتها را در طول دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بالا تر و بالاتر برد...، به تدریج تضعیف می‌شود.

شوروی که بیش از ۷۰ سال پیش شرکت های نفتی غربی را از مناطق نفتی باکو بیرون راند، اکنون پذیرای شرکت های نفتی است که در سیبری به اکتشاف نفت مشغولند. شرکت انگلیسی "اینتر پرایز اویل" بعنوان نخستین شرکت غربی اجازه اکتشاف را در کامبوج گرفته است. چین برای پنج سال، بودجه‌ای معادل ۲۰ میلیارد دلار به اکتشافات نفتی اختصاص داده و با شرکت نفتی امریکائی آموکو توافقی برای اکتشاف در یک منطقه ۲۷ هزار کیلومتر مربعی در جنوب دریای چین امضا کرده است. میان مار (برمه) از ۱۹۸۹ به تیم های شل، یونوکال، آموکو و چند شرکت نفتی دیگر اجازه حفر چاههای نفت را داده است.

در اردیبهشت ماه، جمهوری اسلامی در اصفهان یک کنفرانس بین المللی نفت ترتیب داد که در آن نمایندگان چندین شرکت نفتی بین المللی شرکت داشتند. رفسنجانی در نطق خود در این کنفرانس، بر ضرورت "همکاری بین المللی" تاکید ویژه‌ای داشت. در این گردهمائی، آفوش مقامات جمهوری اسلامی برای پذیرش کمپانی های نفتی غربی چنان باز بود که مطبوعات امریکا، کنفرانس مزبور را "میهمانی آشتی کنان" نامیدند. در اصفهان، مقامات ایرانی به میهمانان خارجی خود فهماندند که حاضر به معامله بر سر شرایط جدید اکتشاف و توسعه‌اند. یک کارشناس نفتی می‌گوید: "پیام کنفرانس اصفهان این بود که ایران آماده پیوستن مجدد به بازی است. قرار داد نمونه‌ای که در کنفرانس پخش شد، برای کمپانی‌های نفتی به نسبت قبل از انقلاب حاوی مشوق های بهتری برای اکتشاف بود"

□ذخایر نفتی شناخته شده جهان تا پیش از ۱۹۹۰ حدود ۹۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شد واکنون به بیش از هزار میلیارد بشکه رسیده است. برای شناختن حوضچه های جدید، از لرزه‌نگاری سه بعدی استفاده می‌کنند. هر حوضچه‌ای که بیش از صد میلیون بشکه نفت داشته باشد، یک میدان" دارای اهمیت جهانی" محسوب می‌شود. جدیدترین اکتشاف مهم، کشف یک میدان نفتی با دو میلیارد بشکه نفت در کلمبیا است. این مقدار نفت برابر است با یک چهارم نفت خلیج برودوی آلاسکا. مصرف روزانه نفت جهان ۶۷ میلیون بشکه است. از هنگام جنگ خلیج فارس، نفت عراق و کویت که قبلا ۴ میلیون بشکه در روز به بازار سرازیر می‌شد، تولید نمی‌شود و در عوض عربستان، ونزوئلا و امارات متحده عربی این خلا را پر می‌کنند. نکته مهم این است که تقاضای جهانی نفت رو به افزایش است و به گفته دبیر کل اوپک، کشورهای عضو این سازمان باید ۱۲۰ میلیارد دلار برای ایجاد تاسیسات جدید استخراج نفت سرمایه گذاری کنند تا بتوانند نیاز بازار را برآورده سازند.

اکتشافات جدید تنها با سرمایه غربی امکان پذیر است. کشورهای نفت خیز در تلاش برای جذب سرمایه و تکنولوژی نفتی غرب، آماده‌اند تا در ازای سرمایه‌گذاری های غربی، مالکیت بر نفت خود را با شرکت های نفتی تقسیم کنند. به گفته یک کارشناس نفتی تقریبا همه تولید کنندگان عمده نفت سر گرم تجدید نظر در روابط خود با شرکتهای نفتی بین المللی و بررسی چگونگی گشودن مرزهای خود به روی این شرکتها هستند.

نمونه‌ای برای تغییر سیاست کشورهای نفتی، ونزوئلاست. پرزیدنت کارلوس آندرسن پرز در نخستین دوره ریاست جمهوری خود که در سال ۱۹۷۹ پایان یافت، شرکتهای اکسون و شل را از این کشور بیرون راند. اکنون وی که بار دیگر رئیس جمهور ونزوئلا شده است، همه کوشش خود را به کار می‌برد تا شرکتهای نفتی خارجی را متقاعد به بازگشت کند. شرکت نفتی دولتی ونزوئلا که بزرگترین شرکت نفت جهان است، برای اجرای برنامه توسعه پنج ساله خود که به ۴۸ میلیارد دلار بالغ می‌شود، نیاز مبرمی به سرمایه خارجی دارد. رئیس این شرکت می‌گوید: ما در جستجوی فرمول های سازنده‌ای هستیم که امکان نوع جدیدی از همکاری نفتی بین المللی را بدهد.

غلامرضا آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی اواخر مهر ماه اعلام کرد بخشی از صنایع نفت ایران با تصویب مجلس شورای اسلامی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. وی در مورد کنفرانس "نفت و گاز دهه ۹۰" در اصفهان گفت: دستور کار کنفرانس بیان مشکلات تولید کنندگان و مصرف کنندگان به صورت رو در رو بود که به صورت ابتکاری از سوی ایران انجام شد. در مورد شرکتهای آمریکائی ما از سالهای قبل و در زمان امام (ره) به آنها نفت می‌فروختیم چرا که ما در آمریکا ۷۰۰ هزار بشکه سهمیه و مسلما منافع اقتصادی داریم. بطور مثال در سال ۶۶ ما ۳/۳ میلیارد دلار نفت به آمریکا فروختیم و از نظر کارشناسی و بازاریابی بهترین موقعیت را دارا می‌باشیم (کیهان ۲۸ مهر ماه) لحن و محتوای سخنان وزیر نفت نشان می‌دهد که نطق او در پاسخ به انتقادی از کنفرانس اصفهان و سیاستهای نفتی جدید رژیم صورت گرفته است

منبع نوین انرژی و سود و زیانهای آن

هفته گذشته دانشمندان اروپایی برای اولین بار توانستند از رهگذر آمیزش هسته‌های گداخته ئیدروژن به منبع نوین انرژی دست یابند. به گفته مسئول این آزمایش عظیم، اتم‌های دوتریوم (ایزتوپی از ئیدروژن با یک پروتون و دو نوترون) و اتم‌های تریتیوم (ایزتوپی از ئیدروژن با یک پروتون و سه نوترون) در گرمای ۲۰۰ میلیون درجه (۲۰ برابر دمای درونی خورشید) با یکدیگر درآمیخته‌اند. از رهگذر این آمیزش هلیوم (عنصر دوم جدول مندلیف)، نوترون و مقدار عظیمی انرژی پدید می‌آید. انرژی ایجاد شده در ظرف یک ثانیه، ۱/۷ مگاوات انرژی تابشی بوده که از انرژی ایجاد شده در نیروگاههای اتمی به مراتب بیشتر است.

در جریان واکنش، دیواره نیروگاه (محفظه آزمایش) پیوسته باید سرد شود. دشواری آنجاست که اتمهای گداخته در برخورد با دیواره سرد نیروگاه بخشی از انرژی خود را از دست داده و واکنش را با دشواری مواجه میسازند. از این رو دانشمندان در اطراف دیواره درونی نیروگاه یک میدان الکترومغناطیسی ایجاد کرده و بدینسان اتمها را از برخورد با جداره نیروگاه دور نگاه میدارند.

دوتریوم را می‌توان به آسانی از طریق تجزیه آب و تریتیوم را از تجزیه لیتیوم (در نیروگاه) تولید کرد.

برپایه برآوردهای دانشمندان ۵۰ سال طول خواهد کشید تا نتیجه این آزمایش کاربرد عملی و گسترده بیابد. چنانکه آمد، انرژی ایجاد شده تابشی است که تبدیل آن به انواع دیگر انرژی هنوز مشکل ناگشوده‌ای است. جنبه منفی دیگر این آزمایش کاربرد تریتیوم در آن است. تریتیوم عنصری رادیواکتیو است. در صورت ایجاد خلل در کار نیروگاه و تابش پرتو رادیواکتیو به بیرون خطر عظیمی همچون فاجعه چرنوبیل دامنگیر انسان می‌شود. نوترون بر آن نوترون های ایجاد شده در روند واکنش در برخورد با فولاد دیواره نیروگاه آن را رادیواکتیو می‌سازند و در نتیجه این دیواره باید گهگاه عوض شود. دشواری مدفون سازی این مقدار فولاد رادیواکتیو به مراتب بیشتر از دشواری دفن پسمان (زباله) اتمی نیروگاه‌های فعلی است. مجموعه دشواریهای یاد شده، کابرد این موفقیت آزمایشگاهی در زندگی روزمره بشر را در آینده‌ای نزدیک منتفی می‌سازد.

ح-بهداد

برنده جایزه نوبل فیزیک ۱۹۹۱ کیست؟

پیر ژیلس دژنس دانشمند ۵۸ ساله فرانسوی، برنده جایزه نوبل فیزیک امسال از پیشگامان پژوهش در زمینه فیزیک مولکولی می‌باشد. وی که از سوی همکارانش "نیوتون فرانسه" نام گرفته با پژوهش‌های خویش نشان داده است که مولکولها و ترکیبات پیچیده در شرایط مشخصی (مثلا در دمای بسیار زیاد) واکنشی قانونمندتر از فرض و گمان ها از خود نشان میدهند. پاره‌ای از این واکنش‌ها چنان پیچیده‌اند که فیزیک دانان تا چندی پیش از یافتن مبنا و قاعده مشترکی برای آنها ناتوان بودند. سرانجام دژنس توانست این واکنشها را در بسیاری از مواد همچون مایعات و پلیمرها وانموده و توضیح دهد و برای آنها مبانی مشترکی بیابد، امری که راه را برای توسعه و فراگشت کامپیوتر و وسایل دیداری (بصری) الکترونیکی همچون تلویزیون واگشود.

ویژگی بصری کریستال های مایع نخستین بار در سال های دهه ۶۰ برای نشان دادن اعداد در ماشین های حساب و ساعت های مچی به کار گرفته شد. روی یک صفحه مسطح می‌توان تصاویر، نمودارها، حروف الفبا و اعداد را به نمایش درآورد.

کریستال های مایع نمایش‌دهنده این تصاویر و نمودارها از دو رشته مولکولی دراز ساخته شده‌اند که از یکسو ویژگی مایع گونه و از سوی دیگر سختی مواد کریستالی را از خود نشان می‌دهند. این کریستال های مایع در میان دو صفحه شیشه‌ای موازی شناورند که فاصله میانشان (شیشه‌ها) از ده میلیونم میلیمتر فراتر نمیرود. سطح درونی شیشه‌ها با یک لایه فلزی شفاف هادی برق پوشانده شده است. در حالت عادی پرتوهای نور از میان مولکولهای کریستال مایع به راحتی می‌گذرند. با گذار برق از میان این مولکول ها، آنها به چرخیدن می‌آفتند و وضعیت خود را چنان دگرگون میکنند که راه برگذار پرتوهای نور از میان آنها بسته میشود. به گفته دیگر، این مولکول ها از نظم و سامان یافتگی به بی‌سامانی گذار میکنند. هر نقطه و خط کوچک در صفحه ساعت های دیجیتالی (بی‌مقربه) و یا ماشین حساب ها چیزی نیست جز یک سلول کریستالی با جریان برقی مشخص. یک صفحه ساده کامپیوتر برای نمونه دربردارنده ۲۵۰۰۰۰ (دویست و پنجاه هزار) نقطه تصویری (سلول های کریستالی) است. این رقم در صفحه تلویزیون بسیار بزرگتر است.

درواقع دژنس کوشیده است که نابسامانی کریستال های مایع را تابع نظم و قانومندی کند و با تغییر میزان برق، آنها را درخشان و یا کدر کرده و بدینسان اجزای اولیه اعداد، تصاویر و نمودارها را پدیدآورد.

وی همچنین نشان داده است که سامانه‌های (سیستم‌های) فیزیکی گوناگون همچون مغناطیس‌ها و فراهادیها، ویژگی‌ها ـــ و قانونمندیهای همسانی دارند. در یک مغناطیس، گذار از سامان و نظم به نابسامانی از دمای مشخصی شروع می‌شود. در دمای بالاتر از این دما سامان اتمهای مغناطیس از هم فرو می‌پاشد و ویژگی مغناطیس اندک اندک ناپدید می‌شود. برپایه یافته‌های دژنس دانشمندان امکان آن را یافته‌اند که با روش‌های پیچیده تغییرات مشخص و مطلوبی را در نظم سامانه‌های مختلف پدیدآورند.

هم اینک دژنس سرگرم پژوهش بر روی فراچسبهایی (سوپر چسب ها) است که تاثیر آن بر روی مواد، هنوز شناخته شده نیست. دست اندرکاران صنایع به کشف جدید دژنس توجه فراوانی نشان می‌دهند. به گفته دژنس شاید روزی بتوان با کمک این چسبها قطعات هواپیما را هم بدون استفاده از جوش و پرچ به هم پیوند زد.

دژنس ۱۵ دسامبر امسال، یعنی در زادروز آلفرد نوبل، جایزه نوبل فیزیک را دریافت خواهد نمود.

ح-بهداد

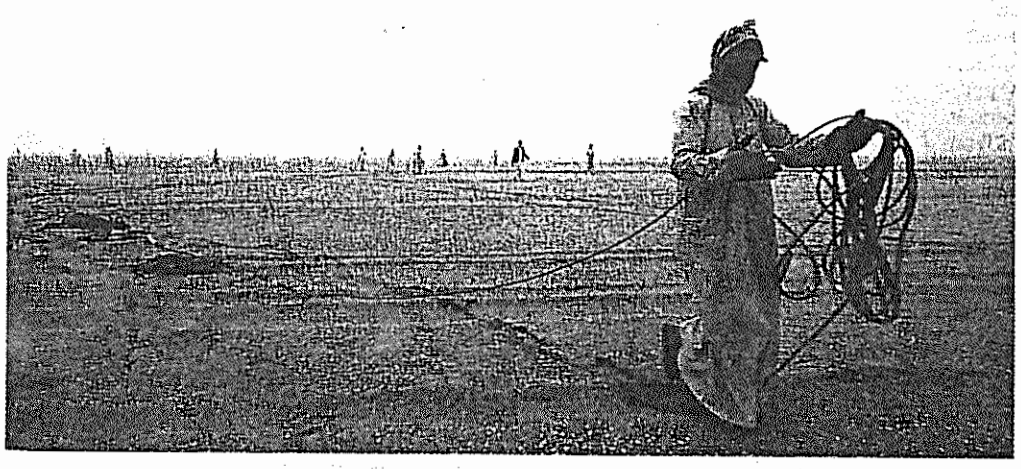

www.iran-archive.com

فلسطینی‌ها در تدارک مذاکرات دوجانبه

نمایندگان فلسطینی شرکت کننده درکنفرانس مادرید، دربازگشت به مناطق اشغالی مورد استقبال گرم ساکنان این مناطق قرارگرفتند و بلافاصله فعالیت گسترده‌ای را در تدارک مذاکرات دو جانبه آغاز کردند. این نمایندگان، در آستانه گشایش کنفرانس به سرعت برگزیده شدند و تا قبل از کنفرانس فرصت تشکل و سازمان یابی را نیافته بودند. اکنون با کمک مالی کشورهای عربی، هیات نمایندگی فلسطینی ها سرگرم ایجاد تشکیلاتی برای تدارک مذاکره با طرف مقابل است.

در گروه‌های کاری که این هیات تشکیل می‌دهد، برخی از رهبران فلسطینی که در هیات حضور ندارند، حق رای و نظر دارند. شرکت کنندگان در نشست مادرید، هر روز در دانشگاهها، سینماها و سایر اماکن عمومی سخنرانی‌هائی دارند که طی آن می‌کوشند از موضع خود دایر بر مذاکره با اسرائیل دفاع کنند. تا کنون، تشنج قابل ملاحظه‌ای براثر مخالفت با کنفرانس مادرید دیده نشده است

. حنان عشراوی سخنگوی هیات فلسطینی در تندترین مباحثاتی که در دانشگاههای الخلیل و رام الله داشته، برنده ازکاردرآمده است. اگرچه اعضای هیات فلسطینی گاه به گاه تهدید به مرگ می‌شوند، بنیادگرایان اسلامی در برابر محل سخنرانی آنان اعلامیه پخش می‌کنند و برخی جوانان معترض و نقاب دارعلیه آنها دست به تظاهرات می‌زنند اما به نظر می‌رسد اکثر ساکنان مناطق اشغالی طرفدار مذاکره با اسرائیل اند.

تا کنون، مواضع اسرائیل و فلسطینی ها آشتی ناپذیر باقی مانده است. در حالی که اسرائیل تنها حاضر به پذیرش نوعی خودمختاری محدود اعراب ساکن مناطق تحت کنترل خوداست، فلسطینی‌ها خودمختاری را تنها مرحله‌ای بینابینی در روند تشکیل دولت مستقل خود می‌دانند. هیات نمایندگی فلسطینی می‌گوید که حاضر به دادن قول از پیش برای ایجاد کنفدراسیون با اردن نیز نیست.

علیرغم این مواضع متضاد، دو طرف بدون طرح پیش شرط به سوی مذاکرات دو جانبه می‌روند. فلسطینی‌ها قطع شهرک سازی اسرائیل در مناطق اشغالی را شرط انجام مذاکرات قرارنداده‌اند. هیات فلسطینی فهرستی از ۲۵ اقدام ''ایجاد اعتماد'' به آمریکا و شوروی تسلیم کرده است. در صدر این فهرست، خواست قطع شهرک سازی اسرائیل قرار دارد. این سند تاکید می‌کند اسرائیل باید کنوانسیون ژنو در مورد مناطق اشغالی مصوب ۱۹۴۹ را بطور کامل رعایت کند. طبق این کنوانسیون، اسکان دادن اهالی کشور اشغالگر در مناطق تحت اشغال و نیز بیرون راندن ساکنان مناطق اشغالی ممنوع است. کنوانسیون مزبور مقرر می‌دارد که اخراج شدگان از مناطق اشغالی باید حق بازگشت به این مناطق را داشته باشند. از خواستهای دیگر فلسطینی‌ها، لغو بقایای مقررات استعماری انگلیس است که طبق آن مثلا خانه و اموال ''نقض کنندگان قانون'' تخریب می‌شود. فلسطینی‌ها همچنین خواهان آنند که ارتش اسرائیل به حضور خود در شهرها، روستاها و اردوگاهها پایان دهد، زندانیان سیاسی آزاد شوند و سانسور خاتمه یابد. فهرست خواستهای هیات فلسطینی، علاوه بر این شامل گشایش دوباره موسسات آموزشی است که اشغالگران به دلیل انتفاضه تعطیل کرده‌اند.

فلسطینی‌ها

خواهان آنند که انجمن های محلی انتخاب شده در سال ۱۹۷۶ که توسط اسرائیل برکنار شده‌اند، دوباره اداره امور را در دست گیرند و مالیات اسرائیلی ها برواحدهای اقتصادی لغو شود. از دیگرخواستهای اقتصادی لغو محدودیت سرمایه‌گذاری در مناطق اشغالی و محدودیت شمار کارکنان واحدها و پس‌دادن زمین های مصادره شده به مالکان قبلی آنهاست. فهرست خواستهای فلسطینی‌ها لغو محدودیت سفر ساکنان مناطق اشغالی به بیت المقدس و به خارج از این مناطق را نیز در بر می‌گیرد. در این فهرست همچنین این خواست دیده می‌شود که اسرائیل دیگر به مناطق اشغالی ''یهودا و شمرون'' اطلاق نکند و ممنوعیت برافراشتن پرچم فلسطین لغو گردد. از دیگر اقدامات ''ایجاد اعتماد'' که فلسطینی‌ها ضروری می‌دانند، بیرون آوردن کنترل نیروگاههای بیت المقدس شرقی از دست اسرائیل است.

بدون تردید در جریان کار هیات فلسطینی شرکت کننده در مذاکرات ، نفوذ سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) افزایش یافته است. برخی ناظران معتقدند اسرائیل با پافشاری بر عدم مذاکره مستقیم با ساف، نه تنها به ساف لطمه نزده، بلکه کار را برای این سازمان سهل تر نیز کرده است. ساف که سالهاست با اسرائیل مبارزه می‌کند، اکنون بدون اینکه با مذاکره با اسرائیل بهانه به دست مخالفان افراطی خود بدهد، از طریق هیات نمایندگی فلسطینی بر روند مذاکرات تاثیر می‌گذارد. اعضای هیات فلسطینی‌ها به گونه‌ای برگزیده شده‌اند که در انظار جهانیان دیگر جائی برای اتهامات اسرائیل که گویا فلسطینی‌ها تروریست و افراطی اند باقی نماند. آمریکا ظاهرا پذیرفته است که مذاکرات میان اسرائیل و همسایگان عرب آن بر پایه قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت صورت گیرد. این امر در نطق افتتاحیه جرج بوش در مادرید نیز مورد اشاره قرار گرفت. البته تفسیرهای مختلف از این دو قطعنامه وجود دارد. دولت اسرائیل می‌گوید قطعنامه‌های شورای امنیت خواهان خروج اسرائیل از بخشی از مناطق اشغالی شده‌اند و نه همه آن طبق این تفسیر، اسرائیل باپس دادن صحرای سینا به مصر، قطعنامه ها را اجرا کرده است.

اما شواهد موجود حاکی است که دولت آمریکا حاضر به پذیرش چنین تفسیری از قطعنامه‌های شورای امنیت نیست. جرج بوش و جیمز بیکر در مادرید تاکید کردند که راه حل صلح آمیز، باید با ''عقب نشینی های ارضی'' توام باشد. آمریکا ظاهرا از فرمول ''زمین به ازای صلح'' دفاع می‌کند.

آیا این شواهد کافی است که بتوان سخن از تغییر بنیادین استراتژی آمریکا در خاورمیانه به میان آورد؟ برخی مطبوعات غربی از چنین تغییری سخن می‌گویند. طبق نظر آنها، تا قبل از فروپاشی سوسیالیسم واقعا موجود، آمریکا که خود نمی‌توانست با دخالت مستقیم نظامی از منافع خویش در منطقه دفاع کند، به اسرائیل به مثابه ژاندارم در برابر کشورهای عربی که حیطه نفوذ سنتی شوروی بودند، نیاز داشت. از این نیاز با زوال قدرت شوروی و روی آوردن فزاینده اعراب به آمریکا، کاسته شده است. از سوی دیگر جنگ خلیج فارس نشان می‌دهد که در ''نظم نوین جهانی'' ایالات متحده می‌تواند با توسل به زور، خود مستقیما در راه پیشبرد اهدافش، حتی در همجواری بلافصل شوروی، اقدام کند و موفق شود و بدین منظور وابسته به متحدانی مانند اسرائیل نیست. در شرایط تشدید رقابت آمریکا با اروپا و ژاپن، کنترل نفت خاورمیانه اهمیت روزافزونی برای واشنگتن می‌یابد و بهترین راه تحکیم این کنترل و گسترش آن، جذب هر چه بیشتر کشورهای عرب به حیطه نفوذ آمریکاست. دولت های عرب که دهها سال است در برابر ملت های خود مدعی مبارزه با تجاوز صهیونیسم بوده‌اند، برای همراهی با این روند به امتیازات مقابل امریکا، هر چند جزیی، نیاز دارند.

اینکه چنین امتیازات متقابلی، تا چه حد شامل احقاق بخشی از حقوق فلسطینی‌ها باشد، از دید ناظر عادی تحولات، که از بند و بست های پشت پرده کنفرانس‌های بین المللی بی خبر است پنهان است. آنچه عیان است، این است که اروپای غربی بر خلاف تمایل خود، نقش چندانی در روند آغاز شده ایفا نمی‌کند. آمریکا تقریبا به تنهایی کارگردانی مذاکرات صلح را بر عهده دارد و به عنوان مثال به فرانسه که خاورمیانه را در حوزه نفوذ خود می‌داند، مجال زیادی برای دخالت در این روند نمی‌دهد.

آیا آینده یوگسلاوی در میدان جنگ تعیین میشود؟

محاصره سه ماهه شهر ووکوار در شرق جمهوری کرواسی یوگسلاوی، با تصرف این شهر توسط ارتش فدرال این کشور شبه نظامیان صرب، پایان یافت. در روزهای آخر، جنگ ووکوار خیابان به خیابان و خانه به خانه جریان داشت. جنگ، این شهر را بکلی ویران کرده است. با شکست کروات ها، خارج کردن حدود ۱۴ هزار غیر نظامی که در زیر زمین های خانه‌های ویران و نیمه ویران پناه گرفته بودند، آغاز شد. دولت کرواسی تصمیم گرفت ووکوار را بدون قید و شرط به ارتش یوگسلاوی واگذار کند تا ''امنیت غیر نظامیان تامین شود''.

ستوط ووکوار بدنبال شکست تلاش چند هفته‌ای جامعه اروپا برای میانجی گری در جنگ یوگسلاوی بوقوع پیوست. لردکارینگتون نماینده این جامعه نتوانست مواضع طرفین جنگ را به یکدیگر نزدیک کند. آتش بس های منعقد شده بین ارتش و گارد ملی کرواسی، یکی پس از دیگری شکسته شد و جنگ، هر هفته ویرانگرتر و خونین تر ادامه یافت. کوشش آلمان برای به کرسی نشاندن موضع حمایت آمیز صریح از کرواسی در جامعه اروپا، با شکست مواجه شد و دولتهای اروپائی نتوانستند بر سر اعلام تحریم رسمی صربستان به توافق برسند. این دولتها هنوز استقلال اسلوونی و کرواسی را به رسمیت نشناخته‌اند. تحریم هائی که علیه یوگسلاوی وضع شده است، عملا همه جمهوری ها را در برمی‌گیرد و نه تنها صربستان را. یونان که روابط اقتصادی گسترده‌ای با صربستان دارد، حتی همین حد از تحریم را نمی‌پذیرد.

ناتوانی جامعه اروپا بعنوان قدرت برتر در منطقه، لااقل تا کنون زمینه را برای این فراهم کرده است که سرنوشت بحران توسط فردس تعیین شود که برتری نظامی دارد. تاکنون، صربستان و ارتش فدرال یوگسلاوی از برتری نظامی برخوردار بوده‌اند. ظاهرا هدف نظامی بلگراد از عملیات اخیر، تصرف بخش‌های هر چه بیشتری از قلمرو کرواسی است تا به اتکا به آن، بتوان در مذاکرات آتی امتیازات بیشتری گرفت. واقعیت این است که مرزهای فعلی میان جمهوری های یوگسلاوی عملا بازتاب توزیع جمعیت این کشور نیستند. در مناطق گسترده‌ای از کرواسی فعلی، صرب ها زندگی می‌کنند و معلوم نیست کرواسی مستقل برای آنها چه حقوقی قائل خواهد شد.

آنچه که مسلم است، این است که بازنده اصلی جنگ داخلی یوگسلاوی ، مردم این کشورند. تنها جنگ بر سر ووکوار هزاران کشته برجای نهاده است. شهرها و روستاهای ویران، اقتصاد از هم پاشیده، گسترش نفرت و کینه ملی، همه و همه ثمرات این جنگ بی رحمانه‌اند و باز مسلم است که یک راه حل نظامی به سود هر کس که باشد، به بحران یوگسلاوی خاتمه نخواهد داد، پیروزی نظامی این یا آن طرف، آغازگر دوره‌ای از انباشته شدن کینه است که در پایان آن، آتشی تازه برافروخته می‌شود. آنچه بر ابعاد فاجعه می‌افزاید، این است که قدرت های بزرگ اروپائی، بر خلاف ادعاهای خود در بالکان بیش از آنکه بدنبال برقراری صلح و آرامش باشند، اهداف سلطه طلبانه خود را دنبال می‌کنند. سیاست آنها در قبال این منطقه از اروپا ، ادامه همان سیاستی است که به جنگ جهانی اول انجامید و اکنون با هشتاد سال وقفه پی‌گیری می‌شود. اگر چنین نبود دولت هائی مانند دولت آلمان به جای استقبال و تشویق ضمن اعلام استقلال جمهوری های ثروتمند از یوگسلاوی فقیر، کوشش خود را متوجه پیشبرد همان روندی می‌کردند که در مقیاس کل اروپا شعار آنرا بر پرچم خود نوشته‌اند: زوال دولت های ملی، برچیده شدن مرزها، وحدت اروپائی. در حالیکه همه از اتحاد اروپا سخن می‌گویند، به تلاشی اتحادها و فدراسیون های موجود در یوگسلاوی و شوروی با نوعی احساس رضایت می‌نگرند: از فروپاشیدن این اتحادها، حوزه‌های نفوذ جدید به وجود خواهد آمد. در آلمان از هم اکنون برای کرواسی و اسلوونی مستقل بعنوان حیطه نفوذ سیاسی و اقتصادی حساب باز کرده‌اند.

با آغاز فصل سرما...

بقیه از صفحه ۱۲

مراکز توزیع کمک های جنسی، ذخیره برنج از ۲۰۰ تن به ۳۰ تن کاهش یافته است. سهمیه یک خانواده ده الی دوازده نفری که قبلا هر ماه ۲۰ کیلوگرم برنج بود، به ماهی ۱۰ کیلو گرم رسیده است. در میان ده هزار نفری که این مرکز باید تحت پوشش قرار دهد، سهمیه برنج تنها به نیازمندترین خانواده‌ها تعلق می‌گیرد.

یک پزشک عضو سازمان امداد بین المللی ''مدیکو اینترنشنال'' می‌گوید تنها در منطقه پنجوین، دویست هزار نفر فاقد هرگونه امکانات برای به سر آوردن زمستان خواهند بود.

سازمان ملل متحد تا مدتها از ترتیب دادن برنامه‌های امداد به مردم کردستان خودداری کرده است. در توجیه این خویشتن داری، مقامات این سازمان می‌گویند که نمی‌خواهند با کمک به کردها ''بیطرفی'' خود را نقض کنند. با این حال، برخی اقدامات مورد تصویب قرار گرفته است. سازمان ملل قول داده است که برای ساختن ۳۲ هزار مسکن موقت، با ۲۵۰۰ کامیون مصالحی مانند چوب و ورق فلزی به منطقه بفرستد. از این تعداد تا اواسط اکتبر تنها ۷۵۰ کامیون از مرز عراق و ترکیه عبور کرده بودند.

اما حتی این کمک ناچیز با به پایان رسیدن ماموریت امداد گران که تا آغاز سال آینده ادامه دارد، قطع خواهد شد. در واکنش نسبت به این موضع غیر فعال سازمان ملل، جلال طالبانی اخیرا گفت این سازمان بیشتر نگران حاکمیت عراق است تا سرنوشت کردها.

برهمه مصیبت هائی که دامن مردم کرد را گرفته است، باید حملات سنگین نیروی هوائی ترکیه به کردستان عراق را نیز افزود. ترکیه ظاهرا برای مقابله با چریکهای ''حزب کارگران کردستان'' (پ ک ک) ظرف سه ماه، سه بار به خاک عراق حمله هوائی کرده است.

وضع شهرهای کردستان چندان بهتر از مناطق روستائی و کوهستانی نیست. نیروهای ارتش عراق در آن شهرهائی که ویرانشان نکرده‌اند، قبل از عقب نشینی دست به غارت گسترده‌ای زده‌اند. بسیاری از ساختمانها در و پنجره ندارند، شیشه‌هایشان شکسته است، خطوط انتقال برق قطع شده و مبلمانی که قابل حمل نبوده، تخریب شده است. یک امدادگر آلمانی می‌گوید نیروهای صدام حتی قیچی اتاق عمل را نیز با خود برده‌اند.

در چنین شرایطی، مذاکرات مسعود بارزانی نماینده جبهه کردستان با حکومت بغداد برای بستن قرارداد خودمختاری، بی نتیجه مانده است. حتی اگر این مذاکرات به نتیجه برسد، از بد بینی مردم کردستان نسبت به حکومت عراق که بارها معاهدات و وعده‌ها را زیر پا گذاشته است، کاسته نخواهد شد. جبهه کردستان که در شرایط اضطراری به گفته سیاستمداران کرد قادر به بسیج ۲۰۰ هزار نفر مسلح خواهد بود، برای مقابله با حمله احتمالی آتی رژیم عراق مواضع خود را مستحکم ترکرده وآماده است تا با سنگر بندی، بیشروی دشمن را کندترکند. اما اگربار دیگر جنگ درگیرد، کردها دربرابر ارتش مجهز عراق تاب مقاومت نخواهند داشت.

آوارگی و انتظار، سرنوشت مردم

ترکیه : ائتلاف ...

دمیرل می‌خواهد یازده وزارتخانه از کل ۳۲ پست وزارت دولت را به سوسیال دمکرات‌ها بدهد در حالیکه سوسیال دمکرات‌ها خواهان چهارده وزارتخانه‌اند. قرار است اردال اینونو علاوه بر معاونت نخست وزیر، پست وزارت خارجه را نیز برعهده گیرد. ناظران می‌گویند در حالیکه اوزال و دولت ''حزب مام وطن'' در سیاست خارجی دنباله‌رو مطلق آمریکا بود، سوسیال دمکرات‌ها در صدند سمت‌گیری ترکیه به سوی اروپای غربی را تقویت کنند.

www.iran-archive.com

ترکیه :
ائتلاف دمیرل و اینونو

''حزب راه راست'' (دیپ) و حزب سوسیال دمکرات ترکیه توافق کردند که یک دولت ائتلافی تشکیل دهند. دیپ به رهبری دمیرل که در انتخابات اخیر بیشترین کرسی‌ها را در پارلمان بدست آورد اما نتوانست اکثریت مطلق کسب کند، در میان سه متحد ممکن (حزب مام وطن اوزال رئیس جمهور، دست راستی‌های افراطی و سوسیال دمکرات‌ها) حزب سوسیال دمکرات مردمی به رهبری اردال اینونو را برگزید.

علیرغم توافق محافظه‌کاران به رهبری سلیمان دمیرل و سوسیال دمکرات‌ها در مورد برنامه دولت آتی، تشکیل دولت به علت عدم توافق آنها بر سر تعداد پست‌های وزارت و کنترل وزارت آموزش و پرورش ترکیه به تعویق افتاده است. این وزارتخانه از آن رو اهمیت دارد که ترکیه در حال حاضر در سیستم آموزشی خود شاهد تشدید روزافزون فعالیت بنیادگرایان اسلامی است. درگیری‌های سالهای اخیر بر سر مجاز بودن یا نبودن ''حجاب اسلامی'' در دانشگاه‌ها و اختلاف بر سرشناسایی یا عدم‌شناسایی مدارس مذهبی به‌عنوان مدارسی با مدرک تحصیلی رسمی، نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد جنگ میان سکولاریسم و بنیادگرایی در ترکیه تاچه حد در نظام آموزشی تمرکز یافته است. در حالیکه سوسیال دمکرات‌ها خواهان محدود کردن نفوذ بنیادگرایان اند، حزب دمیرل مایل نیست به مقابله با افراطیون مذهبی بپردازد و از این بابت بخشی از پتانسیل انتخاباتی خود را از دست بدهد.

قرار بود در روز ۱۸ نوامبر فهرست اعضای دولت جدید معرفی شود. عدم توافق طرفین ملاقات دمیرل و اوزال را که قرار بود طی آن فهرست وزرا به اوزال تقدیم شود، به تعویق افکند.

بقیه در صفحه ۱۱

در افغانستان دولت انتقالی تشکیل میشود

مرتضوی سخنگوی حزب وحدت اسلامی: جنگ در افغانستان بزودی پایان می‌یابد

دیدار هیات نمایندگی مجاهدین افغان از مسکو و مذاکرات آنها با مقامات شوروی، به توافق میان آنها برای تشکیل دولت موقت انتقالی در افغانستان منجر شد. بر اساس بیانیه‌ای که روز شنبه ۲۵ آبانماه در پایان مذاکرات هیات مجاهدین با نمایندگان وزارت خارجه شوروی انتشار یافت، بزودی مذاکرات صلح افغانستان زیر نظر دبیرکل سازمان ملل متحد آغاز خواهد شد. مرتضوی سخنگوی حزب وحدت اسلامی در بازگشت از مسکو در مصاحبه‌ای با رادیوی جمهوری اسلامی اعلام کرد که جنگ بزودی قطع می‌شود و از اول ژانویه یک دولت موقت در افغانستان تشکیل میگردد.

دولت انتقالی که زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود، موظف خواهد بود حداکثر تا دو سال بعد از تحویل قدرت انتخابات سراسری در افغانستان برگزار نماید. سازمان ملل متحد و نمایندگانی از سوی سازمان کنفرانس اسلامی بربرگزاری انتخابات نظارت خواهند داشت.

در مورد ترکیب حکومت انتقالی و مشی سیاسی آن هنوز توافقی صورت نگرفته است و قرار است این موضوع در آینده نزدیک در کنفرانسی با شرکت جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، اتحادشوروی و عربستان سعودی حل و فصل گردد. به گزارش خبرگزاریها تقاضای نمایندگان مجاهدین مبنی برکنارگذاشتن دولت کنونی افغانستان از مذاکرات صلح و ترکیب دولت انتقالی با مخالفت مسکو روبرو شده است. در همین حال در گزارش دیگری از سوی خبرگزاری‌ها که پیش از دیدار نمایندگان شورشیان افغان از مسکو انتشار یافت، گفته شده است که آمریکا و شوروی در مورد ریاست صبغت‌اله مجددی بردولت انتقالی افغانستان به توافق رسیده‌اند. گویا این توافق دو ماه پیش و به هنگام دیدار جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا از مسکو که به توافق دو کشور بر سر قطع ارسال اسلحه به طرفین درگیر در افغانستان منجر شد، به عمل آمده است.

عربستان سعودی با وجود آنکه یکی از حامیان عمده مالی شورشیان افغانی مقیم پاکستان در سال‌های گذشته بود، تاکنون حضور رسمی و آشکار در بحران افغانستان نداشت. اما بر اساس توافق اخیر در مسکو، این کشور نیز رسما وارد گود کوشش‌های سیاسی برای پایان دادن به جنگ داخلی و بحران افغانستان می‌شود. هم‌چنین در توافق‌نامه مسکو نظارت سازمان کنفرانس اسلامی در انتخابات آتی در افغانستان نیز گنجانده شده است. این دو مورد احتمالا بنا به تمایل و اشاره عربستان سعودی و پاکستان از سوی نمایندگان مجاهدین مقیم پیشاور در مذاکرات مسکو طرح گردیده است. مشارکت مستقیم عربستان سعودی در مذاکرات صلح افغانستان، تا حدی می‌تواند موضع پاکستان و شورشیان مقیم پیشاور را تقویت نماید.

پس از توافق آمریکا و شوروی مبنی بر قطع ارسال سلاح به طرف‌های درگیر در افغانستان، موافقت‌نامه اخیر میان نمایندگان مجاهدین و مقامات شوروی را باید دومین رویداد بااهمیت و مثبت پیرامون بحران ۱۳ ساله افغانستان در ماه‌های اخیر تلقی کرد که به میزان زیادی چشم‌انداز صلح را در آن کشور روشن‌تر می‌کند. وزارت خارجه جمهوری اسلامی پس از انتشار بیانیه مشترک مجاهدان افغان و مقامات شوروی، رسما از توافق حاصله پشتیبانی کرد. فهد شاه عربستان نیز از توافق مسکو دفاع کرد و آن را رهگشای حل عادلانه بحران افغانستان نامید. آنطور که از گزارش‌های خبرگزاریها در هفته‌های اخیر برمی‌آید پاکستان نیز جانب تلاش‌های صلح‌جویانه را گرفته و نواز شریف نخست‌وزیر آن کشور در اقناع مجاهدین مقیم پیشاور به تشکیل هیاتی برای سفر به مسکو که بر اثر اختلافات میان مجاهدین با مشکل روبرو شده بود، نقش مثبتی ایفا کرده است.

هم‌اکنون هیاتی از شورشیان افغانی بریاست صبغت‌اله مجددی برای گفتگو با دبیر کل سازمان ملل متحد در نیویورک بسر می‌برد. خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل نیز اخیرا آمادگی خود را برای میانجیگری در مذاکرات صلح افغانستان اعلام کرده است. با توافق اخیر مسکو احتمالا این مذاکرات حول تشکیل دولت موقت انتقالی صورت جدی و همه‌جانبه به خود خواهد گرفت.

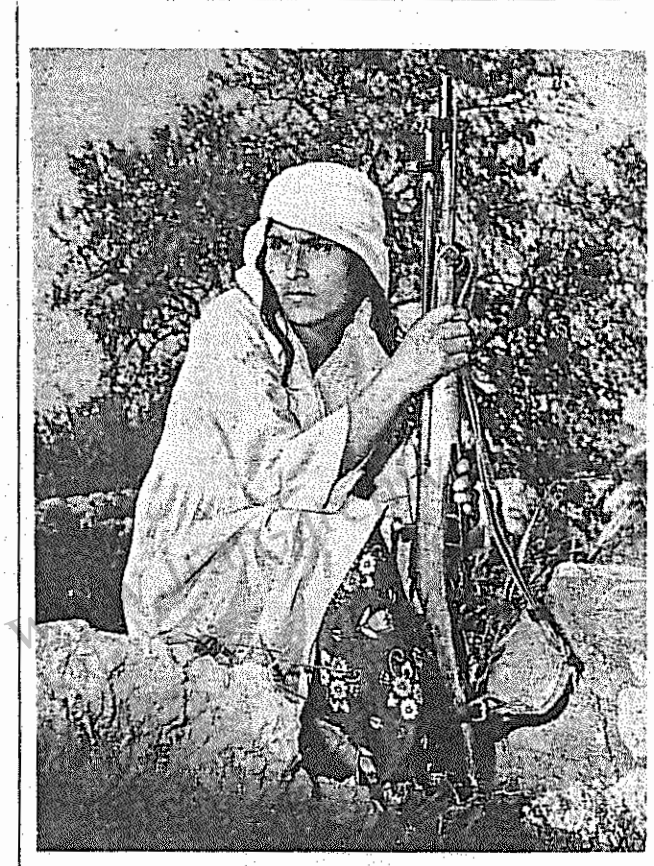

آیا *انتظار پایان می‌یابد و صلح در راه است* ؟

بازگشت شواردنادزه

میخائیل گارباچف با کسب موافقت ادوارد شواردنادزه جهت احراز دوباره پست وزارت خارجه شوروی، موفقیت دیگری در رقابت خود با باریس یلتسین بر سر کنترل مرکز قدرت سیاسی در آنچه از اتحاد شوروی باقی مانده است کسب کرد. شواردنادزه که پس از شکست کودتا، گارباچف را متهم به همدستی با کودتاچیان کرده بود، اینک به وزارت خارجه شوروی بازمی‌گردد. او اخیرا در مصاحبه‌های خود گفته است که باید از تجزیه شوروی به جمهوری‌هایی که هر یک قدرت نظامی و سلاح‌های اتمی دارند، جلوگیری کرد. ظاهرا آنچه گاراچف و شواردنادزه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، اعتقاد هر دوی آنها به ضرورت حفظ اتحاد شوروی است.

در عین حال باریس یلتسین نیز بی‌کار ننشسته است. به دستور او، حسابهای ارگان‌های دولت مرکزی شوروی مسدود شد. حدود ۸۰ وزارتخانه و ارگان این دولت در حال منحل شدن اند. در کنار تلاش‌های گارباچف برای حصول توافق میان جمهوری‌ها بر سر حفظ بازار مشترک و اتحاد اقتصادی، یلتسین برنامه اصلاحات مستقل اعلام کرده و اختیارات ویژه‌ای از پارلمان روسیه گرفته است. برخی مقامات دولت یلتسین علنا می‌گویند که باید گارباچف را از صحنه سیاسی به کنار راند.

معلوم نیست که در چنین شرایطی، بازگشت شواردنادزه به وزارت خارجه شوروی، به معنای جانبداری او از گارباچف در جنگ قدرت با یلتسین باشد. اکنون حضور شوروی به مثابه یک قدرت یکپارچه، در صحنه سیاست بین المللی ضرورت دارد. این یک ضرورت پراگماتیک است که همه، مستقل از موضع سیاسی، آن را احساس می‌کنند. تنها مسئله کنترل سلاح‌های اتمی کافی است که نشان دهد ادامه موجودیت یک قدرت متمرکز در شوروی برای امنیت جهانی تا چه حد اهمیت دارد.

با آغاز فصل سرما
کردستان عراق در انتظار فاجعه‌ای جدید

زمستان سخت کوههای سر به فلک کشیده شمال عراق فرامی‌رسد. برای مردم بلاکشیده کردستان، شمارش معکوس در انتظار فاجعه‌ای جدید، آغاز شده است. هنوز هم صدها هزار آواره در سخت ترین شرایط زندگی می‌کنند. آغاز زمستان به معنای مرگ هزاران نفر از سرما، گرسنگی و بیماری خواهد بود. در مناطق آزاد شده، مسئولین محلی کرد با کوهی از مشکلات مواجهند که به تنهائی از عهده آن برنمی‌آیند. اکثر سازمانهای امداد بین المللی، منطقه را ترک کرده‌اند. غرب که به مقتضای نیازهای تبلیغاتی خود پس از جنگ خلیج فارس برای کردها اشک تمساح می‌ریخت، اکنون سرنوشت مردم کردستان را به بوته فراموشی سپرده است.

صدها هزار تن از مردم از ترس بمب ها و موشک های صدام حسین هنوز به خانه و کاشانه خوددر شهرها و روستاها بازنگشته‌اند. اردوگاههای بزرگ برچیده شده‌اند، اما مردم در گروههای کوچک در سراسر کردستان پراکنده‌اند. هفته نامه آلمانی اشپیگل به عنوان نمونه از یک خانواده متشکل از زن و شوهر، دو کودک و یک زن سالخورده نام می‌برد که در حاشیه یک جاده اطراق کرده‌اند. این خانواده، هرآنچه را که توانسته قبل از تصرف روستای محل سکونت قبلی خود دراربیل از دارائی خود همراه بردارد، باریک وانت کرده است. خبرنگار آلمانی تاکید می کند که این خانواده با داشتن وانت در زمره آنهائی است که آسوده تر از اکثر هموطنان خودند.

برخی دیگر از مردم در دره‌های دورافتاده در ساختمانهای متروکه دولتی و در مساجد و کلیساهای اقلیت مسیحی پناه گرفته‌اند. چند هفته است که سازمانهای امداد دیگر به این مردم غذا و آب نمی‌رسانند. بسیاری از آنها هنوز از ذخیره قبلی خود استفاده می‌کنند.

یک روستای کردستان عراق که بر اثر بمبارآن ارتش ترکیه ویران شده

شهر پنجوین در نزدیکی مرز عراق تا پیش از ویران شدن توسط بمب افکن ها و نظامیان صدام حسین، حدود ۶۰ هزار نفر جمعیت داشت. اکنون در ویرانه‌های شهر و دره مجاور آن ۱۸۰ هزار آواره زندگی می‌کنند. بسیاری از این مردم را زنان بیوه و کودکان یتیم شده تشکیل می‌دهند. آنها مدتهاست که بدون نتیجه انتظار تضمین های بین المللی برای بازگشت امن به خانه‌های خود را می‌کشند. بسیاری از مردان جوان، از ارتش عراق گریخته‌اند و در صورت بازگشت، سرنوشت نامعلومی در انتظار آنهاست. جبهه کردستان، که ائتلاف همه احزاب کردستان عراق است، شمار آوارگان را ۸۰۰ هزار نفر تخمین می‌زند و می‌افزاید حدود ۶۰۰ هزار تن از این شمار، در معرض تهدید گرسنگی‌اند.

کارشناسانی مانند مسئول ''مرکز کمک های انسانی ملل متحد'' در شهر سیدصادق عراق می‌گویند تعداد مردم کرد که در این فصل به امدادرسانی نیاز خواهند داشت، حداقل ۴۰۰ هزار تن خواهد بود.

بقیه در صفحه ۱۱

برای اشتراک نشریه ''کار'' در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمائید.

		اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه ''کار''	○ شش‌ماهه	۴۵ مارک	۵۲ مارک
	○ یک ساله	۹۰ مارک	۱۰۴ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR
No. 24
27. November 91

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

حساب بانکی:
M.ABD
NR-35263011
کد بانک:
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY